نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات



سید سیف الله نحوی

بسم الله الرحمن الرحیم

نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات

نویسنده:

سیدسیف الله نحوی

ناشر چاپی:

نورالسجاد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات

مشخصات کتاب

سرشناسه : نحوی، سیدسیف الله، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور : نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات / سیف الله نحوی ؛ به سفارش ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی.

مشخصات نشر : قم: سازمان تبلیغات اسلامی،پژوهشکده باقرالعلوم (ع)،انتشارات نورالسجاد، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۳۵ ص.

فروست : عدالت و سلامت.

شابک : ۲۳۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۲۰-۲۵-۴ : ؛ ۳۰۰۰۰ ریال(چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(برون سپاری).

یادداشت : چاپ دوم: ۱۳۹۱.

یادداشت : کتابنامه: ص.[۲۳۱]- ۲۳۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : انحراف اجتماعی

موضوع : انحراف اجتماعی -- علل

موضوع : تربیت خانوادگی

موضوع : تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : ایران. قوه قضائیه. ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی

رده بندی کنگره : HM۸۱۱/ن۳ن۷ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۳۰۲/۵۴۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۱۹۰۹۲

به سفارش: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

۴. انضباط متعادل ۴۳

ص: ۳

فصل سوم: انحرافات اقتصادی

ص: ۸

وظایف پیشگیرانه والدین نسبت به جامعه ۲۲۳

ص: ۹

پیش گفتار

حفاظت از محیط زیست و سلامت فضای زندگی ابعاد مختلفی دارد؛ گاهی عبور و مرور وسائل نقلیه و فعالیّت کارگاه های پر سر و صدا، موجب آلودگی صوتی می شود، گاهی نگهداری و پخش زباله ها در فضای زندگی سبب انواع بیماری و ایذای همسایگان می گردد.

پاسداری از پاکی محیط زندگی و سلامت فضای عمومی، یک وظیفه و خواست عموم خردمندان جهان است؛ امّا آلودگی ها، فقط گرد و غبار و تولید دود و پخش مواد نفتی در رودخانه و دریا و ریختن زباله‌های متعفن و فاضلاب در کوچه و خیابان نیست.

تولید، تکثیر، پخش و نشر و نمایش مواد آلوده از دیدگاه عقیدتی و اخلاقی و اجتماعی که ایمان، اخلاق، اتحاد، عدالت و استقلال جامعه را در معرض خطر قرار دهد، صدها بار بیش تر از دود و گرد و غبار برای جامعه مشکل ایجاد می کند. جرم و گناه وقتی در منظر و مرئی و در فضای مشترک و عمومی انجام گیرد، محیط اخلاقی و ایمانی جامعه را آلوده می کند. پیشگیری از گناه، به ویژه گناهان مشهودی که جرم، بزه، جنایت و خلاف شناخته می شود، وظیفه ای اجتماعی است که بر عهده افراد جامعه و دولت و ملت مسلمان و هر اندیشمند دلسوز سعادت و سلامت جامعهٔ بشری است.

چند سالی است که با این هدف مقدس، «ستاد

مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی» در قوهٔ قضائیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است. این ستاد

می کوشد که با یاری امت از تولید، تکثیر و پیدایش و افزایش جرم های گوناگون پیشگیری کند. هسته های مردمی حفاظت اجتماعی و ستادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر و نیروهای مخلص بسیج و سپاه و نیروی انتظامی و همه فرزندان مساجد در هر کجای کشور، با هدایت و نظارت عالمان دین می کوشند که فضای زندگی عمومی را از هر گونه آلودگی به ویروس جرم و گناه پاک نگه دارند و از بروز جرائم عقیدتی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و رسانه ای جلوگیری کنند. شناخت زمینه های جرم، انگیزه های مجرمان، انواع جرم، علل و عوامل پیدایش و گسترش آن، یک وظیفه اجتماعی است که بدون آن پاس داری از امنیت اخلاقی و ایمانی جامعه، امکان پذیر نیست.

یکی از برنامه های این ستاد- که با همکاری گروهی از محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه تحقق یافت- تدوین کتاب های عمیق و کاربردی در زمینه مباحث پیشگیری از جرم است. این ستاد تاکنون بیش از ده اثر علمی - پژوهشی و بعضاً آموزشی در راستای هدف پیشگیری از جرم فراهم آورده است. کتاب حاضر، که به قلم برادر گرامی سید سیف الله نحوی تألیف شده تلاشی علمی استکه امید است هم چون دیگر خدمات برادران و خواهران مؤمن و فداکار در زمینه ی پیشگیری از جرم، مقبول آستان قدس ربوبی قرار گیرد و یاران همراه در اقامه این وظیفه اجتماعی، از الطاف حضرت حق- جلّ و علا- بهره مند شوند. پیشگیری از جرم و گناه نوعی «جهاد فرهنگی» و مرزبانی در جبهه تقوا و پارسایی است.

در پایان از حمایت های ریاست محترم قوه قضائیه، حضرت آیهالله هاشمی شاهرودی و همکاران ستاد مردمی و برادر گرامی حجهالاسلام محمود مهدی پور، به دلیل هدایت و نظارت بر تحقیق و تولید این مجموعه، و از ناشر محترم، جناب آقای جلالوند، سپاس گزاری می شود.

دبیر ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی کشور

سید احمد زرگر/ اسفند ۱۳۸۷

به جای مقدمه

خانواده در اندیشه دینی

خانواده از نظر اسلام جایگاهی بسیار مهم دارد و سنگ اول بنای حیات جامعه است. هرگونه پیشرفت و خوشبختی در ابعاد مختلف اجتماعی، در سایه خانواده حاصل میشود. خانواده عامل ثبات و سازش اجتماعی نیز هست؛ زیرا بسیاری از هنجارها و ناهنجاری های جامعه مربوط به همین نهاد مقدس است. هرچه محیط خانواده سالم و امن باشد، به همان اندازه در روحیه افراد و اعضای آن تأثیر مثبت گذاشته و این تأثیرات مطلوب به جامعه منتقل می شود؛ بنابراین، سعادت جامعه، تا حدود زیادی در گرو آن است. از سوی دیگر هر گاه خانواده دارای محیطی نامساعد و ناهنجار باشد، به همان اندازه بر رفتارهای اعضای خانواده تأثیر منفی گذاشته، از این طریق موجب آسیب پذیری و اختلالات اجتماعی می گردد.

محیط خانواده، دانشگاهی است که مرکز پایه گذاری شخصیت و تشکیل عادات، رفتار، معلومات و تجارب زندگی است. پدر و مادر، نخستین معلم های جامعه اند که تعالیم خوب یا بد از آنان شروع می شود. بر همین اساس، همان گونه که می باید ریشه خوشبختی و هدایت صحیح انسان را در محیط خانواده جستجو کرد، منشأ هرگونه انحراف و نگون بختی را نیز می توان در آن محیط یافت. از این رو شناخت آسیب های خانواده و راه های پیشگیری از آن در بهسازی خانواده و جامعه تأثیر بسزایی دارد. هرگونه سهل انگاری یا غفلت در تربیت، هدایت، و

ص: ۱۳

نظارت اعضای خانواده، علاوه بر عواقب دنیوی آن، شعله خشم و آتش الهی را خواهد افروخت. قرآن مجید پیروان خود را به انجام این وظیفه مهم دعوت کرده و فرموده است:

(یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قُوا اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْلِیكُمْ ناراً وَ قُودَهَا النّاسَ وَ الْحِجارَه عَلَیْها مَلا ئِكَهٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا یَعْصُونَ الله ما اَمَرَهُمْ وَ یَفْعَلونَ ما یُؤْمِرُونَ)؛(۱)

ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش نگاه دارید؛ چنان آتشی که مردم و سنگ خارا آتش افروز اوست و بر آن دوزخ، فرشتگانی بسیار سخت دل مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را نخواهندکرد و آنچه به آن هاحکم شود، انجام دهند.

توصیه قرآن به اهل ایمان آن است که خود و خانواده خود را ازآتش سوزان دوزخ حفظ و نگه داری کنند. آنچه می بایست بدان توجه نمود، این است که شیوه های پیشگیری خانواده از آتش عذاب الهی و راه های نجات آنان از آسیب های دنیوی و اخروی آن چگونه است؟

همان گونه که سرپرست خانواده مسئولیت تأمین تغذیه، تحصیل، مسکن و مایحتاج افراد خانواده خویش را بر عهده دارد، وظیفه الهی تربیت دینی و اخلاقی و جلوگیری از انحرافات و گناهان نیز به عهده اوست.

از امام صادق (علیه السّلام) پرسیده شد:

این که خداوند فرموده است:«خود وخانواده خود را از دوزخ حفظ کنید »، چگونه آنان را ازآتش حفظ کنیم ؟ حضرت فرمود: «تأمرونهن وتنهونهن؛ آنان را امر ونهی کنید». (کنایه از نظارت بر آن هاوکارهایشان واهتمام به وظیفه امر به معروف ونهی از منکر). می پرسند: ما آنان را امر و نهی می کنیم؛ ولی پذیرا نیستند. در پاسخ می فرماید:

۱- تحریم/ ۶.

«اذا امرتموهن و نهیتموهن فقد قضیتم ما علیکم»؛(۱)

هر گاه آنان را امر ونهی کنید، تکلیفی را که بر دوش شماست، انجام داده اید.

علامه مجلسی درتفسیر آیه فوق می نویسد:

حفظ خویشتن از آتش، آن است که انسان با صبر وشکیبایی در راه طاعات خـد،ترک معصیت و با پرهیز از پیروی شـهوات وتمنیات نفسانی، خود را از عذاب دور نگه دارد و خانواده را با چهار برنامه، از آتش جهنم مصونیت بخشد:

۱. دعوت آنان به اطاعت پروردگار؛

۲. یاد دادن فرایض و واجبات دینی به آنان؛

۳. نهی و بازداشتن آنان از زشتی ها؛

۴.تشویق و واداشتن آنان به کارهای خوب؛

سپس می افزایـد: آیه دلالـت می کنـد که امر به معروف ونهی از منکر، نسبت به نزدیکـان و بسـتگان، بر انسان واجب است و اینان در این مسئله مقدم بر دیگرانند.(۲)

از حـدیث فوق برمی آیـد که علاوه بر دعوت خانواده به کارهای خیر، گاهی هم بایـد با جدیت بیشتری آنان را به سوی انجام کارهای خوب سوق داده، مانع انجام رفتارهای انحرافی آن هاشد؛ بنابراین حراست از کیان خانواده و تربیت فرزندان و نظارت بر باورها و رفتارهای آنان از وظایف پیشگیرانه والدین محسوب می گردد.

امام علی(علیه السّلام) در خصوص تربیت پذیری انسان به فرزندش امام حسن مجتبی(علیه السّلام) این گونه می فرماید:

« لِتَسْتَقْبِلَ بِحَدِّ رَأْیِکَ مِنَ الامْرِ ما قَدْکَفاکَ اَهْلُ التَّجارِبِ بُغْیَتَهُ وَ تَجْرِبَتَهُ»؛(۳)

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۷.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۶.

۳- محمد دشتی، امام علی و سیره تربیتی، ص ۲۶.

من در تعلیم و تربیت تو پیش از آن که قلبت سخت شود و عقل و فکرت به امور دیگری مشغول گردد، مبادرت ورزیدم تا با تصمیم جدی به استقبال کارهایی بروی که اندیشمندان و اهل تجربه زحمت آزمون آن را کشیده اند.

مجموعه توصیه های قرآن و احادیث نسبت به وظایف تربیتی خانواده، بیان گر این است که تربیت اعتقادی، نظارت بر اندیشه ها و رفتارها، پیشگیری از انحرافات فکری، اجتماعی، اقتصادی و تلاش برای جلوگیری از آسیب ها و انحرافات جنسی، کنترل حلال وحرام زندگی، حساسیت نسبت به ناهنجارهای اخلاقی، از مهم ترین وظایف خانواده است که به عهده سرپرست خانواده بوده، هر گونه کوتاهی و سهل انگاری در این مسائل، موجب شکست در زندگی دنیا و دوزخی شدن خانواده می شود.

جامعه شناسان، کارکردهای گسترده ای را برای نهاد خانواده بر شمرده اند که عبارتند از: هدایت فکری و مذهبی، تأمین نیازهای اقتصادی، تنظیم رفتارهای جنسی، حمایت و مراقبت از اعضا، جامعه پذیری، آموزش مهارت های اجتماعی، تأمین پایگاه اجتماعی برای افراد خانواده، کنترل و نظارت اجتماعی برهمسران و فرزندان.

در میان وظایف فوق، نقش پیشگیرانه خانواده از انحرافات، مهم ترین آن کارکردهاست. ایفای این نقش مهم از سوی والدین می تواند در دو زمینه آموزشی و مدیریتی عملی گردد.

همچنین به دلیل این که در جامعه کنونی ابزارهای انحراف و شیوه های آن در جامعه افزایش یافته است، زمینه های کج روی ها و آسیب های اعضای خانواده بیش از گذشته فراهم شده و در نتیجه، مسئولیت خانواده افزایش یافته است. سنگین بودن این وظیفه خطیر و سرنوشت ساز، والدین به ویژه مادران را وامی دارد تا با صبر و حوصله بیشتر و با توکل بر پروردگار توانا، تلاش بیش تری در تربیت فرزندان خویش و نجات آنان از گرداب های فساد و انحراف، برای ساختن

جامعه ای سالم و دین دار از خود نشان دهنـد. به یقین حمایت های مادی و معنوی و قدردانی از این مادران از وظایف همگان محسوب می شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با عنایت به وظیفه پیشگیرانه والدین نسبت به اعضای خانواده خود می فرمایند:

«... عزیزان من! ایمـان را در بین خودتـان، در بین مجموعه تـان و در بین زن و بچه تـان، خـانواده هایتان تقویت کنیـد. من می خواهم به همه شـما برادران و جوانـان و مردان و زنـان عزیزی که در این جـا هستیـد، هشـدار بـدهم که مراقب خـانواده هایتان باشـید. گـاهی اوقـات خـانواده ها وسـیله فساد می شونـد. وقتی ما مراقبشان نباشـیم، آن هامی شونـد مفسـد ما. چرا ؟ چون آن هایک اهرم فشار قوی علیه ما دارنـد. آن چه است ؟ آن محبت ما به آنهاست. این محبت، روی ما اثر می گذارد و ذهن، فکر، عقاید وتشخیصمان عوض می شود و خیلی چیزهایی که می گفتیم خوب نیست، بعد یواش یواش می بینیم که نه، خیلی هم بد نیست. این هـا آفت است. این هـا را خیلی مراقب باشـید. در مجموعه وزارت و در بخش های آموزشـی، عملی وآموزش های حین خـدمت، حتماً به این نکات عناصـرخودتان را متوجه کنیـد. به خانواده های خودتان هم برسـید؛ به زن، به فرزنـد برسـید. گـاهی آن هـا بهتر از مـا هسـتند، گـاهی هم احتیـاج دارنـد به این که ما حفظشان کنیم. اگر بهتر از ما بودنـد، کاری نکنیم که خراب شوند. اگر دیدیم خدای ناکرده طوری هستند که احتیاج به کمک ما دارند، کمکشان کنیم.

مراقب باشید!

(قُوا اَنفسُکُم وَاَهلیکُم نارَاً وَقُودُهَا النَّاسَ وَالْحِجَارهِ)؛

از آتشی که آتشگیرهٔ آن، انسان ها وسنگ ها هستند، خودتان و زن و بچه تان را حفظ کنید.

ص: ۱۷

معلوم می شود که وظیفه حفظ زن و بچه هم به عهده ماهاست؛ البته این کارها با کمک خود خدای متعال میسر می شود؛ این را هم بدانیم، خداوند خودش باید کمک کند. باید از خدا همین را بخواهید... (۱)

مجموعه مطالب فوق، مؤلف را برآن داشت تا با استمداد از خدای مهربان، در این نوشتار به مطالعه مهمترین انحرافات و آسیب های موجود در جامعه پرداخته، علاوه بر بیان عوامل و چگونگی آن انحرافات بر مبنای متون دینی، نقش خانواده و وظایف والدین در جلوگیری از آن انحرافات را بررسی کند و بیش از ۱۶۰ توصیه پیشگیرانه برای خانواده ها را ارائه نماید.

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن

کیمیا داری که تبدیلش کنی

این چنین میناگری ها کار توست

مصلحی تو، ای تو سلطان سُخَن

گرچه جوی خون بود نیلش کنی

این چنین اکسیرها زاسرار توست(۲)

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن

کیمیا داری که تبدیلش کنی

این چنین میناگری ها کار توست

مصلحی تو، ای تو سلطان سُخَن

گرچه جوی خون بود نیلش کنی

این چنین اکسیرها زاسرار توست(۳)

سید سیف الله نحوی (موسوی بهبهانی)

تهران/ ۱۳۸۷ – نیمه شعبان

۱- www.kh-setadehya.ir

۲- شعر از مولانا.

۳- شعر از مولانا.

فصل اول :انحرافات فکری

اشاره

ص: ۱۹

اهمیت تفکر و اندیشه

بر اساس آموزه های همه ادیان الهی، فکر و عقیده درست و پاک، در ساختن شخصیت و پیشرفت و خوشبختی انسان ها بسیار مؤثر است؛ همچنان که افکار و اندیشه های بد و ناپاک تا کنون تأثیرات عمیقی در تخریب شخصیت، عقب ماندگی ها، تیره بختی ها و نابودی انسانها داشته است. زیرا هر انسانی آن گونه زندگی می کند که فکر می کند.

عامل اصلی و محرک اساسی انسان به سوی خوشبختی و نگون بختی، اندیشه ها، افکار و عقاید آن هاست. همین تفکر و عقیده است که انسان را به کار، فعالیت، فداکاری و ایثار وا می دارد و موجب حرکت، نهضت، شورش، قیام، استقامت، مقاومت و جهاد می گردد و جنگ یا صلح و ویرانی یا آبادی به وجود می آورد. برپا ساختن مسجد و بازکردن بتخانه محصول عقیده و باور انسان است. رسیدن به قله های افتخار و سعادت و همچنین انحراف از مسیر اصلی انسانیت و فرو رفتن در باتلاق گمراهی و جرم و جنایت و فساد، به دنبال دستاوردهای فکری و برداشت ها و عقاید او ایجاد می گردد. بدیهی است هر نوع وابستگی و بردگی، ریشه در وابستگی های فکری و فرهنگی خواهد داشت.

گربود اندیشه ات گل، گلشنی

ور بود خاری تو هیمه گلخنی

ص: ۲۱

به طور کلی، تا فکر و عقیده فرد و جامعه، سالم و معقول نشود و از خرافات و دل بستگی های زودگذر، منزّه نگردد، جامعه در راه رشد حقیقی وارد نخواهد شد. پر واضح است بدون برخورداری از اندیشه صحیح، هر چه مظاهر مادی یا ظواهر اقتصادی و تمدن بشری پیشرفت کند، کار بر انسان سخت تر شده، زاویه انحراف بیشتر گردیده و آسیب های فردی و اجتماعی، سرعت بیشتری می یابد. انحرافات عقیدتی و ناپاکی اعتقادی، از هر درد و بیماری خطرناک تر است.

در جوامع انسانی از دوران پیامبران الهی تاکنون، آنچه مورد نظر مصلحان بشری به ویژه انبیاء بوده است، هدایت اندیشه و تصحیح افکار و توجه مخلوق بسوی خالق و نیز نبرد با خدایان ساختگی (بت های بیرونی و درونی) بوده است.

وجوب دفاع از عقیده

پیامبر اعظم اسلام (صلّی الله علیه و آله) در کلمه طیّبه«لا إله إلاّ الله» عقیده توحید و نفی شرك را به بشریت عرضه کرد که همه تبلیغات و هدایت هایش براساسِ آن قرار دارد. بخش مهم و عمده ای از آیات قرآن مجید، دربارهٔ اصلاح عقیده و دعوت به عقاید صحیحه است. در برنامه های انبیا، مسائل اخلاقی و عبادی و عملی، برنامه دوم و سوم هدایت های آن هاست و فقه اکبر«حسن المعرفه بالله»، که شامل همه مسائل اعتقادی، از توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد می شود، ایمان و عقیده به این حقایق است.(۱)

در متون دینی، برای حفظ انسان ها از انحراف عقیدتی و فساد فکری، هشدارهای مهمی بیان شده تا این که دزدان عقاید، نتوانند به این سرمایه

ص: ۲۲

۱- آیه الله لطف الله صافی، مقدمه کتاب (بین العلمین)

نفیس و بی بدیل انسان، دست برد بزنند و بدین ترتیب از انحراف مرزهای فکری و عقیدتیِ مسلمین جلوگیری شود.

قرآن کریم از پیروان خود چنین خواسته است:

(وَ إِذا رَأَیْتَ الَّذینَ یَخُوضُونَ فی آیاتِنا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ..)؛(۱)

هرگاه دیدی گروه ها و افرادی به خرده گیری و طعنه زدن در آیات ما مشغول هستند، از آنان دوری گزین... .

در آیه دیگری به مسلمانان دستور داده است:

(إِذا سَمِعْتُمْ آیاتِ اللَّهِ یُکْفَرُ بِها وَ یُسْتَهْزَأُ بِها فَلا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّی یَخُوضُوا فی حَدیثٍ غَیْرِهِ إِنَّکُمْ إِذاً مِثْلُهُمْ...)؛(۲)

هرگاه آیات خدا را شنیدید که بدان کفر می ورزند و تمسخر می کنند، پس با آنان همنشین نشوید تا وارد صحبتی دیگر شوند....

امام جواد(علیه السّلام) در این باره فرمودند:

(مَن أصغی إلی ناطِقٍ فَقَد عبده...) (۳)

کسی که به سخنان شخصی گوش فرا دهد، گویا او را پرستیده است.

بنابر این، اگر گوینده از خدا و دستورهای او سخن بگوید، او خدا را عبادت می کند و اگر از شیطان سخن می گوید، او شیطان را عبادت کرده است. همچنین تأکید بر همنشینی با اندیشمندان خداپرست و پرهیز از شرکت در مجالس بدعت گذاران و باطل سرایان، همه به همین منظور است.

از این رو بر هر مسلمانی، از جمله والدین و اعضای خانواده - که اولین کانون تربیت اعتقادی جامعه بوده و در خط مقدم دفاع از عقاید و افکار

۱- انعام/۶۸.

۲- نساء/۱۴۰.

۳- تحف العقول، ص ۳۳۶

خانواده خویش هستند- واجب است برای مطابق بودنِ باورهای آنان با روشن گری های قرآن مجید، تعالیم و سیره پیغمبر اکرم(صلّی الله علیه و آله)، صیانت از اندیشه توحیدی خانواده و پیشگیری از انحرافات اعتقادی آن هابه فعالیت آموزشی و نظارتی پرداخته، وظیفه خود را در این باره به نحو احسن انجام دهد.

خداوند در قرآن اجرای این مهم را وظیفه مسئول خانواده دانسته و می فرماید:

(یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قُوا اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْلِیكُمْ ناراً وَ قُودَهَا النّاسَ وَ الْحِجارَه عَلَیْها مَلائِكَه غِلاظٌ شِدادٌ لا یَعِصُونَ الله ما اَمَرَهُمْ وَ یَفْعَلونَ ما یُؤْمِرُونَ.)؛(۱)

ای کسانی که به خدا ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش نگاه دارید. چنان آتشی که مردم و سنگ خارا آتش افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار سخت دل مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را نخواهندکرد و آنچه به آن هاحکم شود، انجام دهند.

این آیه بر هر مرد مسلمانی واجب کرده است خود و خانواده خویش را با تعلیم فرائض و صبر در طاعت خدا و نهی کردن از کارهای زشت و تشویق ایشان بر کارهای خوب از آتش دوزخ برهاند.(۲)

توصیه به پاک سازی و بهبود اندیشه ها و افکار و تقویت عقاید دینی در متون اسلامی به راحتی مشهود است. یکی از شیوه های جلوگیری از انحرافات و آسیب ها در سیره عملی اهل بیت:پرورش و تقویت اندیشه دینی و واداشتن انسانها به تفکر در مسائل زندگی است.

۱- تحریم/ ۶.

۲- علامه طباطبایی، محمد حسین،المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۵، ص ۱۴۶

در سیره رفتاری امام حسین (علیه السّلام)آمده است که فردی خدمت آن حضرت شرفیاب شد و گفت: «من گناه کار هستم و نمی توانم گناه را ترک کنم. شما مرا نصیحت کنید.»

امام حسین (علیه السّلام)فرمود: « پنج کار را انجام بده، آن گاه هرچه می خواهی گناه کن: از روزی خدا نخور و هرچه می خواهی گناه کن.

از ولایت و حکومت خدا بیرون برو و هرچه می خواهی گناه کن.

جایی را پیدا کن که خداوند تو را نبیند و هرچه می خواهی گناه کن. هنگامی که فرشته مرگ سراغ تو آمد تا جان تو را باز ستاند، او را از خود دور کن.

هنگامی که مالک دوزخ خواست تو را به درون آتش افکند، در آتش نرو و سپس هر گناهی می خواهی انجام بده.»(۱)

این ماجرا تلاش امام را برای ایجاد اندیشه خداباوری و تقویت روح خداجویی و اعتقاد به معاد، برای پیشگیری از انحرافات انسان ها مشخص می کند.

بدیهی است که هدایت افکار و اندیشه اعضای خانواده و پاسخ قانع کننده به پرسش های آنان، نه تنها تکلیفی برای والدین و مربیان جامعه است، بلکه اصلی ترین راه پیشگیری از آسیب های مختلف جوانان شمرده شده است.

شهید مرتضی مطهری، رمز انحرافات نسل جوان را در عدم پاسخ گویی منطقی به نیازهای او می داند و می فرماید: «ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابه لای افکار و عقاید آنان باید جُست، فکر این نسل از نظر مذهبی چنان که باید راهنمایی نشده است، و از این نظر، فوق العاده نیازمند است».(۲)

ص: ۲۵

۱- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۶ .

۲- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۳.

انحراف در مبدا و معاد

اشاره

با توجه به وجود برخی سؤالات و ابهاماتی که عدم پاسخ مناسب به آن ها، خود موجب انحراف عقیدتی شده، یا زمینه برخی انحرافات فکری یا اجتماعی دیگر باشد، بررسی مفاهیم زیر به عنوان خطرناک ترین انحرافات عقیدتی در جوامع مسلمانان قابل طرح می باشد.

۱. شرک و دوگانگی در پرستش

مدیریت جهان هستی انحصاراً به دست خدای واحد است و هیچ قدرت انسانی و غیر انسانی در تدبیر امور جهان از جمله در امور انسان ها دخالت ندارد. برخی امور از قبیل سلامت جسمی توسط پزشک و دارو، شفاعت انسان ها به دست اهل بیت، وجود برخی معجزات و کرامات و دخالت آن هادر سرنوشت انسان ها، تأثیر یا عدم تأثیر فعالیت های انسان در سرنوشت خویش و ارتباط آن با توحید از جمله مطالبی است که والدین می بایست از طریق نظریات اندیشمندان و نیز مطالعه کتاب های دینی مربوط برای اعضای خانواده تشریح کنند تا این که ابهام یا شبهات شرک آلود زدوده شود. والدین همواره این را به یاد داشته باشند که پیامبر خدا (صلّی الله علیه و آله) فرمودند: «گناهان بزرگ نُه تاست و بزرگترین آن ها شرک ورزیدن به خدای عزوجل است»؛ زیرا شرک به عنوان یک گناه کبیره، خمیر مایه انواع انحراف ها و در واقع آتش سوزانی هم در این دنیا و هم در آخرت است؛ از این رو اسلام اجازه نمی دهد که مسلمانان، خود یا فرزندانشان را در این آتش بیفکنند.

صحبت های دوستانه در جمع خانواده و آگاه سازی آنان، حضور والدین به همراه فرزندان خویش در مجالس و محافل دینی، استفاده از نرم افزارهای رایانه ای در این موضوعات، مراجعه به سایت های اینترنت و دریافت اطلاعات مناسب در این باره مناسب خواهد بود.

ص: ۲۶

البته دیدگاه ها و برخوردهای فکری والدین با موضوعاتی از این قبیل و موضع گیری و گفتارهای قضاوت گونه آنان نسبت به مسائل زندگی در مقابل فرزندان، نوعی آموزش غیر مستقیم فرزندان در مسائل اعتقادی است.

۲. کفر و نفی پرستش خداوند

توجه به این مطلب ضروری است که برخی از شیادان اعتقادی و نیز مجرمان حرفه ای، برای احساس آزادی در جنایت های خود و باز دانستن راه های تخلف و جنایت، زیربنای اصلی تمام جوامع انسانی و باور وجدانی بشر در طول تاریخ را نفی کرده، با عناوینی همچون آزاد اندیشی اعتقادی و نفی هر معبود ی، مرتکب کفر می شوند. این انسان های طغیان گر برای رسیدن به اهداف شوم خود، همه موانع اعتقادی را از سر راه خویش برمی دارند.

والدین باید توجه داشته باشند که دام های خطرناکی در کمین اعضای خانواده و فرزندان است. نظارت بر فرزندان در خواندن برخی کتاب ها و نشریات یا استفاده از اینترنت در این موضوعات و مواجه شدن با این گونه سم های ویران گر فکری، به منظور حفظ سلامت خانواده، از ضروریات اولیه تربیت فرزندان است. توصیه و تشویق فرزندان به مطالعه کتاب های سودمند، نهی آن ها از ارتباط با برخی افراد ناشناخته، جلو گیری از شرکت در برخی جلسات زیر زمینی، ارتباط دادن مستمر فرزندان با مساجد و مراکز دینی، در تأمین این اهداف مفید خواهد بود.

شناخت فرقه های قدیم و جدید ضد الهی (بهائیت، شیطان پرستی،...) و اطلاع رسانی دقیق آن و آگاه سازی همه اعضای خانواده به ویژه فرزندان از وظایف والدین محسوب می شود.

ص: ۲۷

۳. شک و نفی معاد

اعتقـاد به برپـایی قیامت و پاسـخ گویی انسان ها در محضـر الهی و وجود کیفر و پاداش، از باورهای مسـتکم ادیان آسـمانی و اصول پـذیرفته شده انسان هاست و تمامی ادیان، به وجود جهان پس از مرگ معتقد هسـتند. نقش این اعتقاد در رفتار و گفتار انسان بسیار سرنوشت ساز و تأثیر گذار خواهد بود. این اصل دینی بر مبنای حکمت و عدالت خداوند پی ریزی شده است. یاد مرگ و پایان یافتن همه دل بسـتگی ها و جـدا شدن از تمامی مظاهر مادی حیات تأثیری بس شـگرف در عملکرد افراد خواهد داشت. فردی که به خدا و روز جزا اعتقادی ندارد، هیچ انگیزه ای برای پاگذاشتن روی منافع شخصی خود و پرهیز از ارتکاب جرم و گناه ندارد. متأسـفانه بزرگ ترین مشـکل امروز بشـر، عدم اعتقاد به مرگ و روز واپسین یا غفلت از آن است. به یقین، اگر جنایت کاران و سـتم گران عالم و نابود کننـدگان حقوق مسـلم و خـدادادی انسان ها، لحظه ای در اندیشه مرگ و قیامت بودنـد، جـامعه جهـانی، امروزه تلخی هـای کمتری به خود می دیـد. حضـرت امـام خمینی (رحمه الله) فرمودنـد: «عالم محضـر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید».

خـانواده به عنوان اولین مرکز تربیت دینی جـامعه، در آگاهی بخشـی، آموزش، تقویت و گستردگی این تعالیم وظیفه ای انکار ناپـذیر دارد. پـدران و مادران مسـلمان با رفتارهای معاد گرایانه خویش و با صـحبت های دوسـتانه و دلسوزانه خود، می توانند عامـل انتقال این میراث گران بهای دینی به نسل جدیـد باشـند. شـرکت در مراکز و جلسات دینی، حضور در مساجـد و تکایا، ارائه کتاب های مفیـد و بیان شـنیده ها و دیـده ها و خاطرات خود در این موضوع، با هـدف ایجاد حس پاسخ گویی و در نظر داشـتن عواقب دنیوی و اخروی همه کارهای معروف و منکر، می تواند برخی از راه های پیشـگیری از انحرافات به شـمار آید. تهیه نرم افزارهای رایانه ای درباره قیامت و معاد و

استفاده از آن در محیط و جمع خانواده، به ویژه در جمع جوانان و نوجوانان، در روشن کردن افکار اعضای خانواده مناسب خواهد بود. بر اساس دستورهای تربیتی اسلام، حضور درقبرستان ها و زیارت اهل قبور و قرائت فاتحه برای درگذشتگان، می تواند تأثیر مناسبی در اندیشه و سپس اعمال انسان ها داشته باشد. ذکر ماجراها و داستان های واقعی از افراد نیکوکار و برجسته ای که پس از گذشت قرن ها از مرگشان، دارای جنازه ای سالم در قبر بوده و به صورت اتفاقی، برای بازماندگان آشکار شده و ذکر دلایل معنوی آن بسیار مفید خواهد بود.

بی شک به کارگیری تدابیر انگیزشی برای فراگیری فرزندان از قبیل جوایز و هدیه و تشویق در رسیدن به آن اهداف مقدس نیز یاری گر والدین است.

والدین محترم به این حکم الهی توجه خواهند داشت که خداوند عزوجل فرمودند:

(إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ کُلُّ أُولئِکَ کانَ عَنْهُ مَسْؤُلاً)؛(۱)

همانا گوش و چشم و قلب انسان ها در برابر فعالیت های خود پاسخ گو خواهند بود.

بنابراین، شنیدن، دیدن و دل سپردن به هر سخن و صحنه و اندیشه ای، نیازمند اجازه الهی بوده، در قیامت از آن سؤال خواهد شد.

انسان در مقابل شنیده ها و گفته ها و باورهای خود باید پاسخ قانع کننده ای در پیشگاه ذات احدیت داشته باشد؛ از این رو توجه و استقبال از سخنان و افکار باطل، عذاب الهی را در پی دارد.

۱- الاسراء/ ۳۶.

دروغ گویی

مفهوم دروغ

هر سـخنی که از نظر گوینـده اش بر خلاف حقیقت باشد، دروغ نام دارد. بنابر این، هر گاه شخصـی برخلاف ماجرا یا حقیقتی که خود بـدان اعتقاد داشـته و قبول دارد، سـخنی را بیان کنـد، دروغ گو محسوب می گردد. بـدیهی است، چنانچه گوینده ای سخنی را برزبان آورد، سپس خلاف آن مسـئله برایش آشـکار شود، دروغ گو نیست؛ بلکه این شخص مرتکب «گفتار اشتباه» شده است.

اگر گرسـنه باشید و به منزل دوست خود بروید و او برای شما غذا بیاورد، شما بگویید: «من سیر هستم»، این سخن دروغ است؛ چون خلاف حقیقت است و شما نیزدروغ گو هستید؛ زیرا خلاف حقیقت خبر داده اید.

کم را بیش گفتن، یـا بیش را کم گفتن، دروغ است و گوینـده اش دروغ گـوست؛ چنـان که بود را نبود و یـا نبود را بود خـبر دادن، دروغ گـویی اسـت. همچنیـن بــد را خـوب و خـوب را بـد یـا کوچـک را بزرگ و بزرگ را کوچـک خوانـدن، دروغ محسوب می شود.

منافقان نیز به دلیل این که گفتارشان بر خلاف اعتقادشان است در زمره دروغگویان به شمار می آیند.

بر این اساس، هنگامی که عده ای از منافقان، به حضور رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)رسیدند و گفتند: گواهی می دهیم که تو رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)هستی، خداوند به پیامبرش فرمود:

ص: ۳۰

(وَ اللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقِینَ لَکاذِبُونَ)(۱)

خدا گواهی می دهد که منافقان، دروغ گویند.

منافقان در زبان، اظهار اسلام می کردند و خود را پیرو رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)می خواندند، ولی در دل، دشمن آن حضرت بودند و پیامبری او را انکار می کردند. قرآن آنان را چنین معرفی می کند:

برخی از مردم می گویند که ما به خدا و روز قیامت ایمان آورده ایم، ولی آن ها مؤمن نیستند و می خواهند خدا و

مسلمانان را فریب دهند، آن ها خودشان را فریب می دهند و بس، ولی نمی فهمند.(۲)

در آیه ای دیگر منافقان دروغ گو را چنین معرفی می کند:

وقتی که مسلمانان را می بینند، می گویند: ما ایمان آورده ایم، وقتی که با هم کیشان پلید خود می نشینند، می گویند: ما با شماییم. و مسلمانان را مسخره می کنند؛ خدا هم آن ها را مسخره می کند و آنان را رها می کند تا در این گمراهی هم چنان سر گردان بمانند. این ها کسانی هستند که هدایت و رستگاری را داده، ضلالت و گمراهی خریده اند و تجارت شان سود نکرده است.(۳)

امام علی (علیه السّلام) در این باره می فرماید:

«اِن اَعظم الخطایا عند الله اللسان الکذوب»(۴):

بزرگ ترین گناهان نزد خدا، زبان بسیار دروغ گو است.

حضرت امام خمینی(رحمه الله) در کتاب چهل حدیث خود می فرماید:

«دروغ از جمله گناهانی است که عقلاً و نقلاً نهی شده و این خود نه تنها گناه است، بلکه گاه مفاسد و گناهان دیگری هم بر آن

۱- منافقون/ ۱.

۲- بقره/ ۸-۹.

۳- بقره/ ۱۴-۱۶.

۴- فیض کاشانی، المحجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۴۳.

مترتب می گردد؛ و گاهی چنان انسان را از اعتبار ساقط می کند که امکان جبران وجود ندارد».

امام باقر(علیه السّلام) فرمود:

خدای متعال برای شر، قفل هایی قرارداده و کلیدهای آن قفل ها را شراب مقرر نموده و دروغ گویی از شراب بدتر است.

با توجه به این حدیث که مورد قبول تمام علما است، آیا عذری برای ارتکاب دروغ باقی می ماند؟ البته از آن جا که ما صورت غیبی اعمال را نمی دانیم، این گونه روایات را مبالغه آمیز می خوانیم!

همچنین در روایتی از امام رضا(علیه السّلام) به نقل از رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) آمده است:

از ایشان سؤال شد، آیا مؤمن ترسو می شود؟

حضرت فرمود: آری.

سؤال شد: آیا مؤمن بخیل می شود؟

حضرت فرمود: آری.

گفته شد: آیا مؤمن دروغ گو می شود؟

حضرت فرمود: نه.

دروغ گفتن حتی به شوخی هم ممنوع شده و علما از جمله صاحب وسائل الشیعه حکم به حرام بودن آن داده اند.

یکی از سفارش های امام سجاد(علیه السّلام) به فرزندان خود این بوده که از دروغ کوچک و بزرگ در سخن های خود دوری کنند چه جدی باشد و چه شوخی؛ زیرا هر گاه انسان در امری کوچک مرتکب دروغ شد، نسبت به [دروغ در] امر بزرگ هم جرأت پیدا می کند. آن حضرت در ادامه فرمود: آیا نمی دانید که رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) فرمود:

«بنده، راستی را پیشه خود می کند تا جایی که خداوند او را صدیق قلمداد می کند و دروغ گویی را پیشه خود می کند، تا آن جا که خداوند او را کذاب می نویسد؟»

امام خمینی (رحمه الله) در انتهای مطلب فرموده اند:

«براساس این روایات از رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) و ائمه(علیهم السّلام) ، بسیار جرأت و شقاوت می خواهد که انسان به این گناه بزرگ دست بزند. چنین روایاتی زنگ خطری جدی است و دل انسان را می لرزاند؛ اما این گناه از بس رواج یافته، زشتی آن از بین رفته است(۱)»

عوامل دروغ گویی

اشاره

بیان مطالب و سخنان خلاف واقع و تهی از حقیقت، زاییده عوامل محیطی، تربیتی و خانوادگی است؛ از این رو باید اذعان داشت که هیچ انسانی به طور فطری و مادرزادی دروغ گو به دنیا نمی آید، بلکه عوامل متعددی است که موجب سقوط انسان در این سراشیبی می گردد. در این قسمت به تعدادی از این عوامل به اجمال اشاره می شود.

۱. ضعف اعتقادی والدین

یکی از علل دروغ گویی افراد، ضعف در ایمان و باورهای مذهبی والدین آن هاست؛ زیرا آن دو، اولین الگوهای زندگی فرزندان هستند.

امام باقر(علیه السّلام)فرمودند:

«جانِبوالکِذبَ فَاِنَّ الکِذبَ مُجانِبِ الایمان»؛(۲)

از دروغ بپرهیزید زیرا دروغ موجب جدایی از ایمان است.

۲. عقده حقارت

یکی دیگر از سرچشمه های دروغ گویی، وجود ضعف شخصیت و عقده حقارت در انسان ها است. افرادی که گرفتار این ضعف ها هستند، برای پوشاندن ضعف خود و جلوه نمایی خویش به دروغ متوسل می شوند.

«لا یُکَذِّبُ الکاذِبُ اِلّا مِن مَهانَهِ نَفسِهِ عَلَیهِ »؛(۳)

۱- امام خمینی (رحمه الله)، شرح چهل حدیث، حدیث ۲۹.

۲- مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج۳، ص ۲۳۴.

۳- کنزالعمال، ج ۳، ص۶۲۵

کسی دروغ نمی گوید مگر به خاطر بی ارزش بودن خودش در نظر خویش.

هنگـامی که انسـان در برابر دیگران احسـاس حقـارت، کوچکی و پستی کنـد، برای جلب توجه دیگران و بالا بردن شخصـیت خود، به دروغ گویی روی می آورد تا از این راه کمبودهای خود را در نزد دیگران پنهان کند.

۳. تکالیف طاقت فرسا

یکی از عوامل دروغ گویی فرزندان، تحمیل تکالیف سـنگین از سوی والدین بر آن ها و توقع بیش از حد طاقت از آنان است؛ زیرا فرزندان از رنجش پدر و مادر و از این که او را تنبل و نالایق بدانند می نرسـند و وقتی از انجام کار فوق طاقت خود عاجز بمانند، ناچار برای حفظ شخصیت خود متوسل به دروغ می شوند و در اثر تکرار دروغ گو می شوند.(۱)

۴. ترس از مجازات

از دیگر علـل دروغ گـویی افراد به ویژه کودکـان، ترس از مجـازات است. هنگـامی که به کـودک بگـوییم: شیشه اتـاق را تو شکسته ای ؟ اگر کودک بداند که اعتراف او مستلزم مجازات سخت پدر و مادر خواهد شد، غریزهٔ فطری وی برای حفظ خود از مجـازات یـا تنبیه، او را وا می دارد که به دروغ بگویـد: من نشکسـته ام؛ زیرا افراد همواره خود را در مقابـل چوب یـا سـیلی طاقت فرسای پدر و مادر و یا مجازات های سـنگین قانونی ناتوان می بینند و چاره ای ندارند جز آن که پناه به دروغ برده،گناه خود را انکار نمایند.(۲)

۱- فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۴۶.

۲- همان.

۵. تأمین نیاز

برخی افراد همواره نیاز هایی دارنـد که برخی معقول و برخی دیگر نامعقول یا نیاز کاذب است. بـدیهی است چنانچه این افراد نتواننـد به طور منطقی درخواست خود را ابراز کننـد و یـا والـدین نتواننـد از عهـده درخواست معقولانه فرزنـدان برآینـد، برای تأمین نیاز خود، به دروغ متوسل می شوند.

۶. کم رویی و خجالت

برخی افراد به دلیـل خجالتی بودن و عـدم توانایی در بیان نظر واقعی خود و یا به دلیل عـدم توانایی در رد یا مخالفت با ایـده و اندیشه دیگران و یا وجود برخی تعارفات و بهانه های غیرمعقول، به دروغ روی می آورند.

دروغ های عملی

اشاره

اگرچه گفتار و سـخن خلاف واقع، دروغ محسوب می شود؛ اما انجام برخی رفتارها و کارها نیز به گونه ای است که نشان گر خلاف واقع است و دروغ عملی به شمار می آید. دروغ های عملی می تواند در جنبه های مختلف زندگی افراد ایجاد شود؛

مرتکبین آن نیز گنهکار خواهند بود. نمونه هایی از این دروغ ها به شرح زیر است:

تدلیس

«تـدلیس» به معنـای تقلب و کلاـه برداری است. این دروغ عملی که اغلب در معاملاـت اتفـاق می افتـد، به گـونه ای است که فردی بـا کارهـای خود مـاهیت چیزی را خلاف واقع و حقیقت نشان می دهـد. بزک کردن و آراسـتن ظاهری و توخالی افراد، اجنـاس، اشیا و امـاکن بـا هـدف دست یـافتن به منافع مادی یا اجتماعی- که امروزه رواج دارد- دروغ و خیانت است و انسان مسلمان باید از آن پرهیز کند.

کم فروشی

کم فروشی، یکی دیگر از مصادیق خلاف حقیقت است. «کم فروشی»، جنسی را به اندازه معینی فروختن و در وقت تحویل، از آن اندازه کم تر تحویل دادن و به همان اندازه حساب کردن است. گاه ممکن است ترازو دست کاری شود، به طوری که جنس را در وقت سنجش، ازمقدار واقعی بیشتر نشان بدهد و شاید هم که سنگ کم تر را به جای سنگ بیش تر بگذارند. کم فروشی از قبیل دزدی و خیانت بوده، از دروغ های عملی است.

غش

اشاره

«غش» یا تقلب در معاملات، به معنای مخلوط کردن جنس نامرغوب با جنس عالی و فروش آن به قیمت جنس برتر است. مخلوط کردن آب در شیر و طلا با مس و فروش آن به قیمت جنس برتر، از این قرار است.

تظاهرهای اداری

هر گاه یکی از کارمندان دولت، با ظاهر سازی توخالی، تظاهر به کثرت کار کند، مرتکب نوعی دروغ عملی شده است.

تبلیغات دروغین

هر شخصی که اقدام به فعالیت های تبلیغاتی دروغ و خلاف واقع برای فروش کالا و تجارت و یا برای به دست آوردن موقعیت اجتماعی یا سیاسی خاصی کند، و با این کار موجب فریب مخاطبان گردد، مرتکب دروغ عملی شده است. بدیهی است چنین ثروت یا مقامی نامشروع خواهد بود.

گواهی دروغ

هر گونه گواهی کتبی یا شفاهی و تأیید و امضای مطالب و ادعاهای خلاف واقعیت و نیز شهادت علیه یا به نفع شخص دیگری در مجالس و محاکم قضایی، چنانچه برخلاف حقیقت و واقعیت باشد، نوعی دروغ و

جرم محسوب شده، گناه کبیره است. به یقین، اگر این نوع از دروغ گویی ها همراه با سوگند باشد، گناه و مجازات آن دوچندان است.

دروغ های نوشتاری

نوشتن گزارش ها، خبرها و نامه ها و... که مخالف با واقعیت و حقیقت باشد، دروغ گویی به حساب آمده، موجب اغوا و گمراهی افراد می گردد. ذکر مطالب خلاف واقع در نشریات، روزنامه ها و سایت های خبری با هر دلیل و انگیز ه ای که باشد، از مصادیق دروغ و افترا است و علاوه برمجازات های دنیوی، کیفر اخروی نیز دارد.

عواقب دروغ

محرومیت از لطف الهی

رسول خدا (صلّی الله علیه و آله) می فرماید:

انّ المؤمنَ اذا کذب بغیرِ عُذر لَعنه سَبعونَ الفَ ملك و خرجَ مِن قلبهِ نتن حتی یبلغ العرش؛(۱)

مؤمن هرگاه بدون عذر دروغ بگوید، هفتاد هزار فرشته او را لعنت می کنند (از خدا می خواهند که او را از رحمت خود دور سازد و مورد لطفش قرار ندهد) و نیز بر اثر دروغ، بوی تعفن از قلبش بیرون می آید که جهان را پر می کند و می رود تا به عرش خدا برسد.

۱- محمد بن محمد سبزواری، جامع الاخبار، ص ۴۱۷.

رسوایی

یکی از زیـان هـای اجتماعی دروغ، رسوایی است؛ رسوایی همیشه در انتظار دروغ گو ست دروغ گو، هر چنـد زیرک باشـد و همـهٔ جـوانب دروغ خـود را بسـنجد، سـرانجام روزی دروغش کشـف شـده، نزد دیگران رسـوا می شود. خطر رسوایی همواره موجب ترس و واهمه و اختلالات درونی و آزارهای روحی برای وی می گردد. از قـدیم گفته انـد: «دروغ که از دور می آید، یک پایش می لنگد»؛ یعنی همه دروغ را تشخیص می دهند.

پیامبر بزرگ اسلام(صلّی الله علیه و آله)فرمود:

«اِیَّاکَ وَ الْکِذْب فَاِنَّهُ یُسَّوِدُ الْوَجْه»(۱)؛ از دروغ بپرهیز که آدم را رو سیاه می کند.

بی آبرویی

انسـانی که همواره دروغ می گویـد و دچار این انحراف شـده، به دلیـل تکرار دروغ هـایش، گرفتار تکرار رسوایی می گردد. افرادی که بین مرده رسوا شوند، آبرو و اعتبار و شـرافت اجتماعی خود را از دست داده، به عنصـری نامطمئن و حیله گر تبدیل می شونـد که مورد اعتمـاد اعضـای جامعه واقع نمی گردنـد. چنین افرادی نه تنها نزد دیگران، بلکه در نظر خانواده و فرزنـدان خود فاقـد حرمت بوده و به دیده حقارت به آنان نگریسـته می شود. پر واضح است که انسان بی آبرو آرام آرام از جامعه طرد گشته، و گرفتار مرگ اجتماعی خواهد شد؛ این بیماری اجتماعی نیز موجب ارتکاب جرائم دیگری خواهد شد.

رسول خدا (صلّی الله علیه و آله) فرمود:

اَقَلُّ النّاس مُرُوَّهً مَنْ کانَ کاذِباً(۲)؛

ص: ۳۸

۱- مستدرک الوسائل، ج ۹، ح ۱۰۲۹۸

۲- همان.

کم آبروترین مردم، کسی است که دروغ می گوید.

بی ارزشی سخن

سخن، سرمایه انسان و ملاک اعتبار و ارزش اوست. دروغ گویی و عدم صداقت در گفتار، موجب کاهش ارزش گوینده و بی اعتنایی مردم به وی می گردد. چه بسا همین بی اعتنایی وی را به ورطه سقوط و نابودی کامل بکشاند.

دروغ گو، اگر بالاترین ارزش ها را برای سخنش به دست آورده باشد، همین که به دروغ گویی پرداخت و مردم او را بدان صفت شناختند، همه ارزش های قبلی نابود می شود و با جانوران در یک ردیف قرار خواهد گرفت. ممکن است کسانی دروغِ دروغ گو را به رُخَش نکشند، ولی در دل از او بیزار باشند و برای سخنش اعتباری قائل نباشند؛ اما پشت سر او، دروغ گویی اش را به دیگران بگویند و تعفن رسوایی او را پراکنده تر سازند.

امام جعفر صادق(علیه السّلام) از حضرت عیسی(علیه السّلام) نقل می کند که فرمود:

«مَنْ كَثُرَ كِذْبُهُ ذَهَبَ بَهاؤُهُ»؛(۱)

کسی که دروغش بسیار شود، ارزش او از بین می رود.

سلب اعتماد عمومی

اعتماد مردم، از نعمت های الهی و بهترین راه موفقیت است،زیرا اغلب موانعی که در راه رسیدن به هدف ایجاد می شود، به وسیله جلب اعتماد مردم بر طرف می گردد. یکی دیگر از زیان های اجتماعی دروغ، سلب اعتمادی است که از ناحیه مردم نصیب دروغ گو می شود. ماجرای «چوپان دروغ گو» در حافظه ادبیات ایران زمین، گویای همین آسیب بزرگ است.

۱- الکافی، ج ۲، ص ۳۴۱.

دروغ گو، خود را از این نعمت ارزش منـد، محروم می سازد و با پای خویش به سوی سـیاه بختی می رود. کسـی که مورد بی اعتمـادی قرار گرفت، بـایستی از جـامعه کناره گیری کنـد و در گوشه ای به انتظار مرگ بنشـیند؛ زیرا دیگر نمی توانـد در آن جامعه موفقیتی به دست آورد. حضرت علی(علیه السّلام) فرموده:

«ینبغی للرجل المسلم، ان یجتنب مواخاه الکذّاب، فانه یکذب حتی یجی ء بالصدق فلا یصدق »؛(۱)

کسـی که خود را مسـلمان می داند، شایسـته است که از سـر و کار داشـتن با دروغ بپرهیزد، زیرا دروغ، کارش را به جایی می رساند که سخن راستش را کسی باور نمی کند.

بد بینی مردم

از زیان های اجتماعی دیگر دروغ، آن است که دروغ گو، مورد سوء ظن و بـد بینی مردم و برخی مواقع مورد تنفر قرار خواهد گرفت.

هر کس به حسب طبع، دوست دارد که مردم او را محرم اسـرار خویش بدانند. بنابراین، شـخص دروغ گو هرگز شایستگی آن را ندارد تا سخن حقی با او گفته شود. این سخن حق را از اوپنهان کرده و در نتیجه به دروغ گو، بد بین می شود و از او تنفری در دل احساس خواهد کرد.

همان گونه که با مردم با صـفا رفتار کردن، جلب محبت می کند، بی صفایی کردن، با مردم نیز ایجاد کننده سوءظن و بد بینی است.

وظایف پیشگیرانه والدین

اشاره

به یقین، اولین راه مبـارزه بـا بیمـاری دروغ، شـناختن ریشه هـا و عوامـل یا زمینه های آن جرم است. بـدون تردیـد، وجود یک حالت یا انگیزه روانی در

۱- همان.

باطن افراد، آنان را به سوی دروغ گویی می کشاند و تا زمانی که آن علت بر طرف نشود، بیماری دروغ علاج نخواهد شد.

ترس، عجز، ضعف شخصیت، احساس حقارت، عقده حقارت یا بعضی از حالات نفسانی نظیر این ها می تواند بشر را از راه مستقیم فطرت منحرف کند و به دروغ گویی وادارش نماید. (۱)

بنابراین با توجه به ریشه های دروغ در فرزندان، والدین باید بکوشند با از بین بردن ریشه های آن و همچنین اصلاح رفتار خویش با کودکان، محیط مناسبی را برای پرورش صحیح فرزندان ایجاد کرده، آنان را به مسیر صداقت و راست گویی راهنمایی کنند. در این جا به تعدادی از این کارها اشاره می کنیم.

۱. تقویت باورهای دینی

مهمترین وظیفه تربیتی والدین، این است که در پی تقویت اعتقادات دینی و افزایش باورهای مذهبی خود و فرزندانشان بر آیند. این مهم با استعانت از خدای بزرگ و انجام واجبات و ترک محرمات امکان پذیر خواهد بود. براساس سخن امام صادق (علیه السّلام) می باید مردم را با کارها و رفتارهای خود به خوبی ها و کارهای نیک دعوت کرد. از این جهت رفتارهای صادقانه والدین در معرض نگاه و درس آموزی فرزندان قرار داشته و پیام راست گویی را به آنان منتقل می کند. علاوه برآن، بیان احادیث و روایات مربوط به پرهیز از دروغ گویی در تقویت اندیشه دینی مؤثر است.

۲. پرهیز از رفتارهای دروغ آموز

والدین باید تلاش کنند تا به صورت عملی، به فرزندان و نوجوانان یا کودکان خود درس صداقت را بیاموزند. انجام کارهای روزمره و برخورد

۱- همان.

یا واکنش نامناسب و دروغ گویانه والدین، نوعی آموزش عملی دروغ گویی است.

مثلاً وقتی به او می گویند: گوشـی تلفن را جواب بده و بگو من در خانه نیستم، یا هنگامی که فردی در پشت در سراغ والدین را می گیرد و آنـان بـا ایما و اشاره می گوینـد که به فرد مزبور دروغ بگویـد، در حقیقت به فرزنـدان خود به طور عملی درس دروغ گویی می دهنـد. تـأسف بـار این که والـدین برای توجیه گناه خود، به او یاد می گوینـد که این دروغ مصـلحتی است و گفتنش اشکالی ندارد.

در این صورت، او نیز یاد می گیرد که به والدین، بستگان، دوستان و همه کسانی که با آنان ارتباط دارد، دروغ

بگوید و اگر آنان دلیل دروغ گویی اش را بپرسند، می گوید: شما خودتان هم دروغ مصلحتی می گویید.

بنابراین، بایـد فضای خانه و روابط بین والـدین و فرزنـدان به گونه ای باشد که فرزندان احساس کنند که می توانند بدون هیچ گونه مصلحت جویی به راحتی حقیقت را به والدین خود بگویند.

۳. وفا به عهد و پیمان

عمـل کردن و وفا نمودن به قول و قرارها و وعـده ها از سوی والـدین، در آموزش این مهارت اجتماعی موثر است و چنانچه به دلایلی والـدین مجبور به شکسـتن آن شدنـد، از فرزنـدان عـذرخواهی کنند. همچنین هرگاه در حضور فرزندان خود، مرتکب دروغ گویی شدنـد، به جـای توجیهات نادرست، به آن اعتراف کرده، یا دست کم دلایل منطقی و واقعی آن را برای فرزنـدان بیان کنید.

۴. انضباط متعادل

والـدین نبایـد برای جلوگیری از دروغ گویی فرزندان، مقررات سـختی را در خانه وضع کنند؛ زیرا در این صورت، فرزندان به دلیل ترس و فرار از مجازات مقررات مزبور، به دروغ های بیشتری رو می آورنـد و برای فاش نشـدن یا توجیه دروغشان، بیشتر دروغ می گویند. در این مواقع نباید فضای خانه به یک دادگاه و محل محاکمه تبدیل شود؛ بلکه باید به فرزندان فرصت داد تا بدون هیچ گونه واهمه ای به اشـتباهات خود اعتراف کنند. والدین باید هنگام مواجهه با این رفتارها خونسردی و آرامش خود را حفظ کنند تا راه بهتری برای مبارزه با دروغ گویی فرزندان به دست آورند.

۵. علت یابی دروغ

پدر و مادر همواره این را به یاد داشـته باشند که شناخت و از بین بردن عامل ارتکاب به دروغ گویی فرزند، بسیار اساسی تر و جـدی تر از خود دروغی است که او گفته؛ پس بایـد تلاش کرد تـا ریشه هـای اولیه دروغ گویی (ترس، نیاز، خودنمایی و...) شناسایی و سپس حل گردد.

۶. پرهیز از نسبت دروغ گویی

از بیان صریح دروغ گویی فرزندان تا حد ممکن باید پرهیز نمود. هرگاه فرزند به والدین خود دروغ های آشکار بگوید، نباید به او گفت: تو دروغ گو هستی. البته والدین نباید طوری رفتار کنند که فرزندان فکر کنند دروغ گویی شان معلوم نشده است. اگر فرزندان در حضور والدین به دیگران دروغ بگویند، باید در خلوت و تنهایی و به دور از مشاهدهٔ دیگران، آن

دروغ را به وی گوشزد کرد. ذکر این نکته هم ضروری است که تا پیش از یقین کامل به دروغ گویی فرزند، نباید آنان را متهم به دروغ گویی کرد. (۱)

۷. افزایش قدرت اعتماد به نفس

تقویت اعتماد به نفس در آدمی، وی را از متوسل شدن به سخنان کذب باز داشته و مو جبات حقارت و پستی را از فرد دورمی کند. شهید مرتضی مطهری می گوید: «اگر انسان خود واقعی پیدا کرد، دیگر احساس حقارت نمی کند، احساس قدرت و عظمت می کند، تکبر و تجبر نمی کند؛ چون با روحش ناسازگار است».(۲)

۱- www IRANSEDA Networ(با اقتباس از نظرات دکتر احمد دهقان کارشناس مشاوره و امور تربیتی).

۲- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، ص ۱۸۴.

فصل دوم : انحرافات اجتماعی

اشاره

برخی انحرافات و جرائم به گونه ای است که ناقض حقوق دیگران و افراد جامعه بوده، یا موجب وارد آمدن آسیب هایی بر عناصر تشکیل دهنده اجتماع و برهم ریختن نظم اجتماعی جامعه می گردد. به یقین رفتارهای خانواده به ویژه واکنش والدین یا یکی از آن دو در ایجاد آن انحراف یا پیشگیری از آن، نقش بسزایی خواهد داشت.

اغلب انحرافات اجتماعی در ضمن گروه اتفاق می افتد؛ یعنی افراد مستعد انحراف، پس از پیوستن به جمعی از دوستان یا اطرافیان بزهکار و مجرم و یا آشنا شدن با باندهای بزهکار و یا محله ها و خانواده های جرم زا، قدرت

جسارت و ارتکاب جرم و گناه در وجودشان تقویت شده، دست به اقدامات مجرمانه می زنند.

برخی از این انحرافات عبارتند از: قتل عمد، اعتیاد، طلاق، فرار از خانه، خودکشی، بی کاری، بدحجابی، خراب کاری، ضرب و جرح، قاچاق و....

در این فصل برخی از این انحرافات را بررسی می کنیم و به نقش والدین در جلوگیری از آن اشاره می نماییم.

ص: ۴۷

اعتیاد

اشاره

به اعتقاد تحلیل گران اجتماعی، اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یکی از مسائل پیچیده اجتماعی در عصر حاضر است که زمینه ساز بروز آسیب ها و انحرافات اجتماعی می باشد. اعتیاد با مسائل اجتماعی ارتباط دو جانبه دارد. از یک سو، اعتیاد جامعه را به رکود و انحطاط می کشاند و از سوی دیگر، پدیده ای است که ریشه در مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد. اعتیاد گرایش فرد را به اصول اخلاقی و معنوی و ارزش های اجتماعی کاهش می دهد. به حدی که آسیب شناسان اجتماعی، اعتیاد را به مثابه جنگ شیمیایی خانگی و جنگ بدون مرز می دانند.(۱)

جهان امروز با مشکل اعتیاد، دست به گریبان است. شمار معتادان در اغلب کشورهای پیشرفته به میلیون ها نفر بالغ می گردد. اعتیاد خانواده ها را فرومی پاشد و شخصیت و زندگی قربانیان خود را به اشکال بسیار گوناگون نابود و متلاشی می کند. نسل حاضر بیش از هر نسل دیگر زندگی خود را زهرآگین و مسموم نموده است.(۲)

حضرت علی(علیه السّلام) هم این مسئله زیان بار را در حدیثی می فرماید:

ص: ۴۸

۱- کتاب زنان، فصل نامۀ شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم، ۱۳۸۳، ش ۲۲، ص ۶۸.

۲- ورنان کلمن، اعتیاد چیست و معتاد کیست؟ ترجمه: علی رضا میرفخرایی، نشر واحدی، تهران، ص ۱۹.

«عجب دارم از آن کس که عواقب بد لذت های مضر را می داند، چگونه از آن هادست نمی کشد».(۱)

متأسفانه جوانان امروز، از ناملایمات اجتماعی و فاصله ی طبقاتی و زندگی ماشینی به مواد افیونی پناه برده اند. امروزه جامعه شناسان برای تحلیل علل رویکرد جوانان به اعتیاد بیشتر روی بی کاری انگشت می گذارند. اگرچه این علت، علت بیرونی است؛ اما ده ها علت و عامل درونی و فرهنگی نیز ممکن است در پس این روی کرد، نهفته باشد. تربیت سوء، جهل و بی سوادی، فقدان ارزش های اعتقادی، ضعف ایمان، فقر و... نیز می تواند عامل رواج اعتیاد باشد.(۲)

با توجه به این که جمعیت کشور ما جوان است، متأسفانه تعداد معتادان کشور دو میلیون نفر می باشد که حدود ۱۲۰۰۰۰۰ نفر دائمی و هشتصد هزار نفر به صورت تفننی مصرف می کنند و با توجه به جمعیت جوان ایران، همین آمار رسمی معتادان دائمی (۱۲۰۰۰۰۰) نفر برای کشور بسیار خطرناک است.

براساس آخرین پژوهش به عمل آمده در کشور، بیش از ۸۵ ٪ مردم پس از فقر و بیکاری، اعتیاد و مواد مخدر را به عنوان سومین مشکل و آسیب اجتماعی کشور مطرح کرده اند. اعتیاد به مواد مخدر را می توان یکی از معضلات بهداشتی، روانی و اجتماعی جهان امروز به حساب آورد. اعتیاد به داروهای مجاز و غیرمجاز در چند دهه گذشته بسیار فراگیر شده و حاکی از بروز یک مشکل جدی در سلامت جسمی، روانی و اجتماعی است.

۱- غررالحکم، ص ۴۹۸.

۲- شعله آتشین جامعه ما اعتیاد، جامعه، تهران، گوهر منظوم، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۹.

انواع اعتیاد

قرص های اکستازی

ترکیب mdma دو یا سه و چهار متیلندی اکسی مت امنتامین- که به نام های «اکستازی»، «X»، «اکس» هم معروف است- در ایران به نام قرص شادی هم شناخته می شود. مصرف این قرص ها در ایران نیز به خصوص در یک سال، در پارتی های شبانه به شدت افزایش یافته است و جوانان مرفه مصرف کنندگان اصلی این قرص ها هستند. در افرادی که برای اولین بار اکستازی مصرف می کنند، حدود ۳۰ دقیقه پس از مصرفف معمولاً افزایش ضربان قلب، تعریق شدید، انقباض عضلانی و عدم احساس درد بروز می کند. اما افرادی که به دفعات این مواد را مصرف می کنند، احساس سوزن سوزن شدن بدن، بی قراری، ناآرامی و اضطراب را تجربه می کنند. علاوه بر این، مصرف اکستازی همراه با فعالیت شدید بدنی، ممکن است عوارض جسمانی- روانی مانند کم آبی شدید، استفراغ، ترس و واهمه شدید را در پی داشته باشد. این عوارض معمولاً پس از حرکت های شدید و طولانی در محل گرم و پرجمعیت، به ویژه محفل های شبانه و پارتی ها بروز می کند که منجر به سکته قلبی و یا مغزی نیز شده است.(۱)

اکس پارتی

میهمانی ریو (دیوانگی) در دهه هشتاد میلادی، بحران جدیدی را در اروپا و آمریکا به وجود آورد. اکستازی به طور غیر قابل مهاری در میان جوانان نفوذ کرده بود و روزبه روز بر تعداد مصرف کنندگان آن افزوده می شد. کسانی که به این مهمانی ها می رفتند، هماهنگ و مهیب بودند و

۱- ماهنامهٔ دیدار آشنا، ش ۶۴.

یکسان لباس می پوشیدند تا خود را به صورت یک گروه درآوردند. بزرگ ترین گروه اکس بازها فرقه« لا-ین پت» بود. اعضای این فرقه گمان می کردند که با خوردن قرص های اکستازی به روشنایی می رسند.

اما اصطلاح اکس پارتی درباره مجالسی است که معمولاً از ابتدای شب تا بامداد روز بعد به طول می انجامد. این میهمانی ها با رقص های تند و متمادی در حین پخش موسیقی های تند همراه اند. در این میهمانی ها قرص اکستازی در ظرف هایی دست به دست می گردد. در برخی از میهمانی ها به منظور جذب مصرف کنندگان، قرص ها را به صورت رایگان عرضه می کنند.

افزایش حضور دختران و پسران در پارتی های دوستانه، زنگ خطری را برای خانواده ها به صدا درآورده است. به عقیده بسیاری از جوانانی که در این میهمانی ها حضور می یابند، فرار از مشکلات و گذراندن لحظاتی شاد با حضور در میهمانی های موسوم به «رِیو»(rave) به دست می آید. که این مهمانی های مختلط، در گوشه و کنار شهرهای بزرگ با حضور دختران کم سن و سال با آرایش های تند و پسران جوانی که شادی را با اکس تجربه می کنند، جوانان را به سمت دنیای خیالی می کشاند.

یکی از پژوهشگران اجتماعی با تحقیقی بر روی ۲۳۰ جوان و نوجوان دختر و پسر، دریافته که نزدیک به ۵۶ ٪ از جوانان علاقه دارند که همراه با دوستانشان در میهمانی های شبانه شرکت کنند. هم چنین ۶/۴۳ ٪ از این عده بیش از یک بار در میهمانی های مختلط به همراه دوستانشان شرکت کرده اند. یافته های این تحقیق نشان می دهد ۸۸ ٪ از افرادی که حضور در پارتی های مختلط را تجربه کرده اند، بدون اطلاع خانواده هایشان در چنین جشن هایی شرکت کرده اند. ۳۱ ٪ از جوانان پاسخ داده اند که از ترس خانواده هایشان در چنین جشن هایی شرکت نمی کنند.

ص: ۵۱

این یافته ها هم چنین بیان گر آن است که ۱۲ ٪ از جوانان اصلاً تمایلی به حضور در مجالس مختلط ندارند؛ با این حال به نظر می رسد که صرف نظر از یافته های پژوهشگران، آمارهای تکان دهنده از حضور جوانان در میهمانی های مختلط بسیار نگران کننـده به نظر می رسد. مهم ترین بیماری هایی که در این مجالس و میهمانی ها دامن گیر جوانان می شود؛ بیماری هایی نظیر: ایدز، هپاتیت و... است.(۱)

مواد مخدر

اعتیـاد خطر بزرگی است که نوجوانـان و جوانـان را تهدیـد می کنـد. در حالی که در کشورهای غربی، به دلیل ضـعف کنترل نوجوانـان و بی بنـدوباری هـای رفتـاری رایـج، گروه قابـل توجهی از نوجوانـان دچار اعتیاد می شونـد، در کشور ما که کنترل خانواده و مدرسه در دوره نوجوانی شدیدتر است، با اعتیاد نوجوانان کم تر مواجه هستیم.

متأسـفانه شکست های مرحله آخر دوره نوجوانی در مدرسه و کنکور و دانشگاه و بی کاری و عدم اطمینان به آینده باعث می شود که گروهی از جوانان با زمینه های خانوادگی و اعتقادی سـست به سوی اعتیاد کشـیده شوند. سن بروز اعتیاد و دلایل آن در کشور مـا، تـا انـدازه ای متفـاوت از کشورهـای غربی است و به همین دلیـل راه حـل هـای رفع این مشـکل نیز تا انـدازه ای متفاوت از راه حل های کتب کلاسیک روان شناسان غربی درباره افراد معتاد جوامع آن هاست.

در جاهایی که مصـرف مواد مخدر در بین بزرگ سالان رواج دارد، برای مثال مصرف تریاک در بعضی از مناطق مرزی شرق کشور یا در برخی از روستاهای استان خراسان، بدیهی است که نوجوانان و جوانان نیز بیشتر دچار

۱- هجوم خاموش، ص ۸۷.

اعتیـاد می شونـد. در تعیین درجه شـیوع مواد مخـدر مسـئلهٔ دیگر این است که دو مفهوم مصـرف مواد مخـدر و اعتیـاد به مواد مخدر، معنای یکسانی ندارد و مرز اعتیاد و عدم اعتیاد را نمی توان به درستی مشخص کرد و نیز اگر مصرف الکل و سایر مواد مخدر قوی در شمار اعتیاد قرار داده شود، بدیهی است ارقام بسیار بزرگی خواهد شد.

غالباً چنین تصور می شود که مصـرف انـدک مواد ضـعیف مخـدر، مثل سـیگار خطری ندارد. مسـلماً این کار برای گروهی از نوجوانان یک اقدام کنجکاوانه و نمودی از بزرگ سال دانسـتن خویشتن است؛ اما همیشه چنین نیست. مصرف کم ترین تعداد سیگار نیز برای نوجوانانی که مشـکلات دیگری هم دارند، مقدمه ای برای ورود به رفتارهای ناپسندیده شدیدتر و در برخی از موارد، اعتیاد تـدریجی به مواد مخدر است و می تواند در آینده برای مصـرف مواد قوی تری مانند: الکل، حشـیش و تریاک و حتی هروئین زمینه سازی کند.

تصور نادرست دیگر این است که بسـیاری از والـدین، فکر می کنند فرزند آنان مصون از مصـرف سـیگار و مواد مخدر دیگر است و همیشه «بچه هـای دیگران» را در معرض این خطر می بیننـد. گمـان آنان این است که نوجوانان گروه های محروم تر یا فرزنـدان خانواده های درهم فروریخته، دچار اعتیاد می شونـد؛ اما این تصور همیشه درست نیست. در واقع، خطر انحراف تمام نوجوانان و جوانان را تهدید می کند.(۱)

خطر اعتیـاد در میـان نوجوانـان و جوانـان یکسـان نیست. افرادی که در خـانواده های معتاد پرورش می یابنـد، در معرض خطر بزرگ تری هستند. نوجوانان و جوانان با مشکلات خانوادگی یا محیط نامناسب محل زندگی

ص: ۵۳

۱- لطف آبادی حسین، روان شناسی رشد، مفاهیم بنیادی و روان شناسی نوجوان و جوان، سمت، ص۲۰۳و۲۰۴.

وضع بد درسی و رفتاری در مدرسه که با هم سالان منحرف دوستی می کنند، در معرض خطر جدی هستند.

سیگار

در جامعه ما مصرف سیگار مقدار زیادی در اقشار مختلف شیوع پیدا کرده است و روزبه روز نیز شاهد افزایش آن هستیم. بسیاری از افراد، مصرف سیگار را فقط کاری بالاتر از مصرف چای می دانند، در حالی که مصرف سیگار نوعی اعتیاد است.

استفاده از مواد مخدری که قانون منع نکرده؛ مانند توتون، پیش از استفاده از مواد مخدر غیرقانونی آغاز می شود. در تحقیقاتی که در سایر کشورها انجام شده، به دست آمده که استفاده نوجوانان از مواد مخدر، طی چهار مرحله متمایز صورت می گیرد: ۱. سیگار ۲. ماری جوانا و حشیش ۳. مشروبات الکلی ۴. سایر مواد مخدر.

داخل شدن در هر مرحله الزاماً به معنای آن نیست که شخص به مرحله بعدی روی خواهد آورد؛ بلکه از میان افرادی که در یک مرحله هستند، تنها عده ای به مرحله ی بعدی می روند. در عین حال، مشخص است که هر چه نوجوان یکی از مرحله ها استفاده از مواد مخدر را زودتر آغاز کند، احتمال استفاده از مواد مخدر دیگر بیشتر خواهد بود. تصور سیگار به عنوان وسیله ای جهت کاهش اضطراب در اعتیاد مؤثر است؛ ولی اگر سیگار احساس اضطراب ناخوشایندی را در فرد دامن بزند، احتمال ترک سیگار وجود دارد. از سوی دیگر، اگر سیگار کشیدن وسیله ای برای پذیرش در گروه تلقی می شود، اعتیاد به آن افزایش می یابد.

طبق یک تحقیق در سال ۱۳۸۰، مشخص شد که احتمال سیگاری شدن در افرادی که سیگار را تجربه کرده اند. در میان پسرها ۲۰ ٪ و در میان دخترها ۳ ٪ است. این ارقام نشان می دهد که در میان پسران، تجربه سیگار خطر بیشتری برای سیگاری شدن به دنبال داشته است. جوانان به

واسطه ذهنیت مثبتی که از سیگار و مواد مخدر دارند، در معرض آن قرار می گیرند. تصوراتی مثل این که موارد مخدر، باعث کیف و لذت است، «رسیدن به آرامش»، «رفتن به عالم هپروت و راحتی از فکر و خیال» و... هم چنین بسیاری از افراد سیگاری معتقدند که «سیگار» برای افراد مسن و بیماران قلبی مضر است و نه برای فرد سالم.

تمامی این موارد باعث آمادگی جوان برای مصرف سیگار و سایر مواد مخدر می شود.(۱)

اصلاح روابط خانوادگی، در پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان نقش مهمی دارد. در بررسی زندگی معتادان، آشفتگی وضع خانواده به وضوح دیده می شود. اگر خانواده بتواند نقش اصلی خود را- که همان پناه دادن به فرزندان است- به خوبی ایفا کند و والدین علاوه بر نقش پدر و مادری، دوست و رفیق فرزندان خود باشند، آنان دیگر احساس خلأ نمی کنند و بعید است که به طرف اعمال خلاف مقررات و قوانین حاکم بر زندگی، از جمله اعتیاد بروند.

والدین باید برای جلوگیری از انحراف های فرزندان، در چگونگی روابط خانوادگی خود حساس باشند و در روابط با فرزندان خود نهایت کوشش را داشته باشند. مبارزه با اعتیاد زمانی کامل می شود که فرد معتاد، به مشکل خویش پی ببرد و آن را بپذیرد. سپس در مراکز بازتوانی تحت مراقبت و درمان قرار گیرد تا با ارائه برنامه های ترک اعتیاد، شخصیت اصلی فرد معتاد به او برگردد و زندگی عادی خود را شروع کند که این برنامه نیز مستلزم همکاری و حمایت خانواده از فرد معتاد است.

ص: ۵۵

۱- همان، ص ۹۶.

عوامل خانوادگی اعتیاد

اشاره

عوامل مختلفی در گرایش جوانان به اعتیاد مؤثر است که از جمله آن ها عوامل خانوادگی می باشد. این دسته از عوامل عبارتند از:

۱.کمبود محبت:

بسیاری از صاحب نظران در مسئله بزهکاری، کمبود محبت و ضعف عاطفی در خانواده ها را ریشه اصلی جرم و انحراف دانسته اند. تحقیقی از غرب درباره بزهکاران نشان داده که ۹۱ ٪ مجرمان، به نحوی دچار مشکل عاطفی بوده اند.

از نظر روان شناسان، اختلالات روانی افراد ناشی از کمبود محبت، به شکل های ذیل ظاهر می شود که هر یک از این امور، می تواند زمینه انحراف افراد را فراهم نماید: ضعف اعتماد به نفس؛ خجالت و تمایل به تقلید کورکوانه؛ نیاز به جلب توجه و خودنمایی از طریق روش های نامطلوب.(۱)

زمانی که نیازهای عاطفی افراد در خانواده برآورده نشود، مجبور می شوند،دست نیاز به سوی دیگران دراز نمایند. در این زمان است که شکارچیان از این موقعیت ها سوء استفاده می کنند و با ارتباط عاطفی دروغین، افراد را به سوی انحراف می کشانند.

۲.افراط در محبّت:

زیاده روی در محبت نیز مانند کمبود محبت، اثری منفی بر تربیت فرزندان دارد؛ به گونه ای که فرزند، همیشه متکی به پدر و مادر است و هیچ گاه احساس استقلال و بزرگ منشی نخواهد کرد. زمانی که چنین فردی وارد جامعه شود و در این موقعیت از محبت های پدر و مادر دور باشد،

۱- قاسمی روشن، ابراهیم؛ کتاب زنان، شماره ۱۷ .

احساس کینه و عقده جویی می نماید و برای جبران این مسئله دست به هر خلافی خواهد زد.

۳. تبعیض بین فرزندان:

این مسئله نیز یکی دیگر از مواردی است که فرد در خانواده احساس حقارت و حسادت می نماید. توجه نکردن به این امر، خود می تواند زمینه اعتیاد در اعضای خانواده را ایجاد نماید.

۴. محدود کردن فرزندان:

همان گونه که آزادی بی حد و حصر منجر به گرایش فرد به انحرافات اجتماعی می شود، محدود بودن نیز می تواند عامل گرایش فرد به انحرافات اجتماعی باشد؛ زیرا از سویی، محدود بودن منجر به فعال شدن حس کنجکاوی فرد و از سوی دیگر، منجر به بروز مشکلات عاطفی می شود. کنترل بیش از حد فرزندان سبب می شود که فرد وابسته به کنترل خارجی (زور) باشد؛ یعنی تا زمانی که از طریق اعمال زور رفتارش تحت کنترل است، دست به عمل منحرفانه نمی زند، اما به محض این که کنترل والدین ضعیف شود و یا والدین به دلیل اشتغالات، فرصت کنترل را نداشته باشند، خود را رها می یابد و به رفتارهای انحراف آمیز روی می آورد؛ زیرا از کودکی حس کنترل درونی (وجدان) او خاموش بوده و همیشه به کنترل خارجی و احتمالاً زور، وابسته بوده است.

۵. اعتیاد اعضای خانواده:

افرادی که در خانواده های معتاد زندگی می کنند، ترس و قبح معتاد شدن برایشان از بین رفته و عادی شدن مصرف مواد در خانواده، موجب سهولت گرایش دیگر اعضا به مصرف مواد مخدر می شود. هر چه جوانان

بیشتر در معرض دیـد الگوهای معتاد در خانواده قرار بگیرنـد، به همان میزان از طریق الگو پذیری گرایش به سوی اعتیاد بیشتر خواهد بود.

اگر پدر و مادر در خانواده معتاد باشـند، اعتیاد آن ها از یک سوکنترل و تسـلط آنا ن را بر فرزندان کاهش می دهد و از سوی دیگر، عامل انتقال این عادت به فرزندان می شود. البته گاهی اوقات برخی فرزندان به دلیل انزجار از رفتار پدر و مادر و عبرت گرفتن از آن ها، از این صفت دوری می جویند؛ اما چنین والدینی در گرایش به اعتیاد فرزندانشان نقش مؤثری دارند.

نتایج تحقیقات نشان می دهند که بسیاری از معتادان در خانواده، افراد معتادی از قبیل: پدر، مادر، پدربزرگ و... داشته اند.

۶. رفاه اقتصادی خانواده:

در خانواده هایی که رفاه و درآمد اقتصادی زیاد است، روابط انسانی بر اثر کثرت کار و یا سرگرمی ضعیف می گردد. ضعف روابط انسانی نیز به نوبه خود عامل مساعدی برای کشـش فرد به سوی مواد مخدر است. بهترین دلیل این مدعا، افزایش روزانه معتادان در جوامع صنعتی غرب است که با رشد صنعت، روابط انسانی ضعیف تر می گردد.

همچنین افرادی که درآمـد بیش از حدی دارند، موقعیت و زمینه مساعدتری برای شـرکت در کلوپ های شـبانه و یا تفریحات متنوع در داخل یا خارج از کشور دارند و بدیهی است که این قبیل امکانات و تفریحات، زمینه را هم برای مصـرف و هم برای فروش مواد مخدر بسیار مساعد می نماید.

خداونـد در قرآن کریم، رفاه طلبی و «اتراف» را به شدت نکوهش می کند و آن را عامل مسـتقیم در ایجاد طغیان، فساد و ظلم و کژی ها معرفی می نماید. همچنین در متون دینی آمده که رفاه طلبی و زندگی مرفّهانه، سبب طغیان در برابر خداوند، سیطره شهوات بر انسان، همراهی با ظالمان، فاسقان

و کافران، لذت گرایی، غرق شدن در کامیابی ها و نیز اقدام به کج روی ها می شود. پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله)در فرازی می فرمایند: «من از ثروت بیش از حد، بیش از فقر برای شما هراسان هستم و آن را موجب هلاکت و سقوط می دانم» و نیز امام علی (علیه السّلام)فزونی ثروت را مایه هلاکت، طغیان و فنا دانسته است. (۱)

۷. بی سوادی یا کم سوادی والدین:

تحصیلات پایین یا بی سوادی نقش مهمی در فرهنگ عمومی جامعه و همچنین در حریم خانواده و تربیت فرزندان دارد. بی سوادی و کم سوادی، عامل بسیاری از مسائل، مشکلات، نارسایی های اجتماعی و انحرافات است. روشن است که پدر و مادر باسواد بسیار بهتر و با دید بازتری نسبت به دنیای پیرامون، مسائل و مشکلات خانواده را حل می کنند. والدین تحصیل کرده با روش های علمی و منطقی می توانند فرزندان را کنترل نمایند. آنان اغلب به دلیل آگاهی و شناخت مسائل و نیاز زندگی خود، شرایط مادی، معنوی و عاطفی مناسبی را برای فرزندان ایجاد می کنند. اما، بی سوادی والدین منجر به مسائلی از قبیل: روش های غیرمنطقی در تربیت فرزندان، پی نبردن

به نیازهای روانی فرزندان، نپذیرفتن تغییرات در نگرش های جوانان و تأکید بر روش ها و اعتقادات سنّتی خود می شود که تمامی این مسائل، موجب می گردند که فرد نوعی احساس تنهایی و کمبود نماید و در نتیجه، در پی یافتن همدرد و همدل، به هر شخص و هر موادی روی آورد.

بیشتر تحقیقات نشان می دهند که والدین معتادان، اکثراً بی سواد و یا کم سوادند؛ «پدرِ ۶۴ ٪ معتادان و مادرِ ۸۳ ٪ آن هابی سواد هستند و علاوه بر آن، ۵۱ ٪ معتادان، خود بی سواد بوده اند و یا دارای تحصیلات قدیمی و ابتدایی هستند. همچنین ۴۰ ٪ همسران ایشان نیز بی سواد بوده اند.(۲)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۶۲.

۲- محمد حسین فرجاد، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، اساطیر، ص ۲۹۷.

۸. فقر اقتصادی:

فقر و انحرافات اجتماعی از جمله پدیده هایی هستند که به نظر بسیاری از صاحب نظران با هم مرتبط می باشند. آنان پدیده های مزبور را در دو طبقه خرد و کلان تبیین کرده اند؛ در سطح خرد، فقر را معلول ویژگی ها و استعدادهای فردی شخص می دانند و عواملی همچون: ضعف جسمانی، اختلالات روانی و بی استعدادی را از جمله مواردی می دانند که ایجاد فقر مؤثرند.اما در سطح کلان، فقر و انحرافات هر یک معلول تلقّی شده، در یک چرخه علی و معلولی قرار می گیرند. بر اساس این گونه تبیین ها، مشخص می شود که در سطح نهادها، سازمان ها، روابط اجتماعی و خصایص ساختاری جامعه مشکلی وجوددارد و سبب ایجاد یک معضل در جامعه شده است. تحقیقات و پژوهش ها در عین حال که مؤید وجود رابطه مستقیم بین فقر و انحرافات نیست، اما وجود هم بستگی میان آن دو را تأیید می نماید.

بر این اساس، فقر به عنوان یکی از مسائل اجتماعی، در وقوع انحرافات و افزایش میزان آن، به ویژه در زمینه جرائم زنان، اعتیاد و سرقت، تأثیرگذار است. در روی کرد دینی نیز این هم بستگی میان فقر و انحرافات اجتماعی مورد تأیید است؛ بر این اساس، فقر، انگیزش روی آوری به کج روی را افزایش می دهد. همچنان که رفاه طلبی و ثروت مند بودن در گرایش فرد به سوی انحرافات اجتماعی، انگیزه ای بسیار قوی است.

همان گونه که فقر می تواند فرد را به سوی قاچاق مواد مخدر و اعتیاد بکشاند، خود نیز یکی از عواقب اعتیاد می باشد؛ یعنی رابطه ای دوسویه بین فقر و اعتیاد وجود دارد؛ به گونه ای که هرگاه فرد فقیر به دلیل مشکلات مالی به اعتیاد روی آورد، اعتیاد باعث فقر هر چه بیشتر او می شود. زیرا از سویی، مصرف مواد مخدر هزینه در بر دارد و از سوی دیگر، فرد معتاد، ضعیف شده و توان کار کردن ندارد.

ص: ۶۰

اگر خانواده ها وضعیت اقتصادی ضعیفی داشته باشند،

فرزندان دچار مشکلات فراوانی در جهت ادامه تحصیل و شغل و .... می شوند. بنابراین، بعضی از جوانان در اثر این مشکلات به اعتیاد روی می آورند. به همان اندازه، اگر وضعیت اقتصادی خانواده مطلوب باشد و نیازهای مالی جوانان از سوی والدین بر آورده شود، روحیه گریز از اعتیاد در آن ها افزایش می یابد.

پس وضعیت اقتصادی خانواده ها در روی آوردن نوجوانان به اعتیاد مؤثر است.

۹. اختلافات خانوادگی والدین:

خانواده، حریم امن و آرامش است. ستیزه و اختلاف در خانواده از علل مهم گرایش افراد به ناهنجاری ها و اعتیاد است. افراد پرورش یافته در خانواده نابسامان و از هم گسیخته زمینه های بیشتری در گرایش به انحراف و اعتیاد دارند. هر قدر کودکان و نوجوانان شاهد در گیری ها و نزاع های بیش از حد والدین خود قرار گیرند و هیچ گونه محبتی را بین والدین احساس نکنند، به اعتیاد روی می آورند

والدین هر قدر دارای رابطه انسانی و محبت آمیز باشند و کودکان از لحاظ عاطفی و نوع روابط اعضای خانواده رضایت داشته باشند،به همان میزان از گرایش به سوی اعتیاد روی گردان خواهند شد. طبق یافته های تحقیقی ۴۴ ٪ بزهکاران جامعه ما خانواده های لاابالی داشته اند. همچنین در پژوهش دیگری نشان داده شده که ۸۲ ٪ معتادان، ستیزه های خانوادگی را در فرار فرزندان و روی آوردن به اعتیاد مؤثر می دانند.(۱)

ص: ۶۱

۱- مدنی، سعید، خانواده و اعتیاد (مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران)، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹.

زمانی که محیط خانواده، محیط مناسبی برای زندگی نباشد، فرد سعی می کند بیشترین وقت خود را در خارج از خانه صرف نماید و این کار، ارتباط افراد را با شکارچیانی که به دنبال شکار می گردند، مهیا می سازد. باید توجه داشت که هر قدر ستیزه های خانوادگی بیشتر باشد، احتمال کشش افراد به سوی مصرف مواد مخدر و دیگر انحرافات اجتماعی بیشتر است.

۱۰. کم توجهی به نیازهای جوانان:

هر قدر نیازهای عاطفی، جسمی و روانی جوانان از سوی والدین بر آورده شود و هماهنگ با سایر افراد جامعه بتوانند از امکانات رفاهی و مالی و .... برخوردار شوند، از گرایش آنان به اعتیاد جلوگیری خواهد نمود.بنابراین، در صورتی که والدین به نیازهای کودکان در مراحل اولیه توجه نکنند و به آن هااهمیت ندهند، در گرایش آن هابه اعتیاد، تأثیر مثبت خواهند گذاشت.

وظایف پیشگیرانه خانواده

خانواده در رفتار خود، می تواند عاملی برای پیشگیری از این معضل باشد، بدین گونه که:

۱.می توان تعلیم و تربیت درست و دادن آگاهی به فرزندان، جلوی این معضل را گرفت؛ شخصیت کودک و نوجوان متأثر از رفتار پدر و مادر است. والدینی که با موازین تعلیم و تربیت اسلامی آشنا باشند، به فرزندان خود آگاهی داده، و آنان را به سلامت از تنگناها و بحران های زندگی عبور می دهند و باعث می شوند آنان با احساس مسئولیت و تعقل و تفکر در برابر بحران ها، از خود درایت بیشتری نشان دهند. بنابراین، مطالعه و شناخت بیشتر مسائل تربیتی امری لازم است.

ص: ۶۲

۲. تـامین نیاز عاطفی(محبت) در پیشـگیری از این امور بسـیار موثر است. نقش مهر و محبت از سوی والـدین به قـدری اهمیت دارد که گفته می شود اگر فرزندان از محبت والدین سـیراب نشوند، و احساس کمبود محبت کنند و آن ها را تکیه گاهی امن و مورد اطمینان برای خود به حساب نیاورند، ممکن است جذب کسانی شوند که نسـبت به آن ها اظهار محبت و علاقهٔ کاذب نماینـد و این نقطه، آغـاز انحرافـات بعـدی افراد است. در حـالی که اگر به نیازهـای عـاطفی فرد در محیط خانواده توجه شود، فرزند نسبت به بسیاری از اظهار محبت ها ی ساختگی خویش تنداری می کند و از فریب آن ها مصون خواهد ماند و بر اساس عقل و خرد و به دور از احساسات، جهات مثبت و منفی عمل خود را خواهد سنجید.(۱)

۳. رفتار محترمانه با فرزنـدان بایـد به گونه ای باشـد که عزت و کرامت آنان حفظ شود. این شـیوه باعث خواهـد شـد تا آن ها صاحب عزت نفس و وجاهت معنوی شوند.

۴. توجه مناسب والـدین به نیازهای روانی فرزنـدان از قبیل نیاز به پذیرفته شدن از سوی والدین، نیاز به موفقیت در کارها، نیاز به وابستگی و ارتباط با جمع و... . این گونه نیازها باید توسط پدر و مادر تشخیص داده شده، به نحو صحیح تأمین شوند.

۵. ایجاد ارتباط کلامی با فرزندان و گسترش فضای همدلی؛ تا به دل های یکدیگر راه یابند تا چنانچه جوان در معرض آسیب قرار گرفت، راهی برای ارتباط با والدینش وجود داشته باشد.

۶. نظارت بر انتخاب دوسـتان و معاشـرت فرزنـدان؛ اولیا باید با شـناخت کامل، معیارهای انتخاب دوست مناسب را به فرزندان بدهند تا در آن مسیر به بی راهه نروند. دخالت والدین در مسیر طبیعی دنیای معاشرت و دوستی

۱- قاسمی روشن، ابراهیم،کتاب زنان شماره ۱۷.

فرزندان و ارزشیابی روابط اجتماعی بین دوستان فرزند، نقش مهمی در اصلاح فرهنگ دوست یابی دارد.

تحقیقات نشان داده که در بیش از ۶۰ ٪ موارد، اولین مصرف با تعارف دوستان و هم سالان صورت می گیرد. در شروع مصرف، سیگار و حشیش بسیار موثرند، برای خنثی کردن تاثیر نگرش ها و فشارهای دوستان از آموزش «مقاومت» در برابر فشار دوستان باید استفاده شود.

۷. برنامه ریزی برای سودمند کردن اوقات فراغت و بی کاری فرزندان؛ پدر و مادر باید با واقع بینی راهنمای مناسبی برای اشتغال و سرگرمی جوانان فراهم آورند و آن ها را به مطالعه و سرگرمی های سالم مانند ورزش تشویق نمایند.(۱)

۸. خانواده باید با آموزش های شفاهی یا نوشتاری، جوانان و نوجوانان خود را در ارتباط با معضلات فردی و اجتماعی مصرف مواد مخدر و عواقب آن آگاه کند.

۹. والدین ارتباط فردی میان خود و فرزندان را افزایش و بهبود بخشیده، حتی الامکان به آن ها استقلال رأی داده، در تصمیم گیری های درون خانواده آن ها را مشارکت دهند.

۱۰. تبعیض بین فرزندان را از زندگی خود دور کنند. و به عنوان حامی، پشتوانه ای مادی و معنوی برای فرزندان در موقعیت های شغلی، تحصیلی و... باشند. اصولاً تبعیض در برخورد و رفتار با فرزندان همچون: اظهار محبت به یک فرزند و بی اعتنایی به فرزند دیگر و نیز عدم برقراری رابطه دوستانه با همه فرزندان، منشأ بسیاری از سَرخوردگی ها و لغزش های نوجوانان و جوانان است که باعث خلأ عاطفی و احیاناً در آینده باعث اعتیاد خواهد شد.

۱- www.iranspdp.net.

۱۱. باید نیازهای مالی فرزندان را در حد معقول مرتفع ساخت و به چگونگی و میزان مصرف پول هایشان توجه بیشتری کرد.

۱۲ . والدین باید شیوه های انضباطی سالم، به منظور نظم بخشیدن و کنترل رفت و آمدهای فرزندان خود را در طول شبانه روز، به طور مستمر اجرا کنند.

۱۳. تشویق فرزندان به انجام فرایض دینی به منظور استفاده از عامل کنترل درونی ایمان در جلوگیری از مفاسد اجتماعی و بزهکاری بسیار تأثیر گذار خواهد بود.

۱۴. والدین از بحث ها و مجادله های بیهوده در منزل خودداری کرده، و روحیه گذشت و ایثار را در خانواده افزایش دهند.

۱۵. نباید همه خواسته های فرزندان را بدون چون و چرا برآورده؛ بلکه باید اجازه داد تا آنان برخی از سختی های زندگی را احساس نمایند تا زمانی که در اجتماع قرار گرفتند و با مشکلی روبه رو شدند، بتوانند با آن رویارویی کنند.

۱۶. خانواده ها باید عیوب فردی و اجتماعی فرزندان خود را به آنان تذکر دهند تا فرزندان، کمبودها و نقص های دوران کودکی خود را به دوران بزرگ سالی منتقل نکنند و در پی رفع عیوب خود باشند.

۱۷. آموزش مهارت های اجتماعی؛ تحقیقات مختلف نشان داده اند که آموزش مهارت های اجتماعی، میزان مصرف مواد مخدر و بدرفتارهای وابسته به آن مانند: پرخاش گری، انزوا، فرار از مدرسه یا خانه و سرقت را کاهش می دهد. برخی از مهارت های اجتماعی که کسب آن در پیشگیری از اعتیاد اهمیت دارند، عبارتند از: مهارت های ارتباطی و شیوه صحیح ارتباط با دیگران، توانایی بیان رای و نظر صریح خود به دیگران، توانایی و جسارت « نه »گفتن به تقاضاهای غیرمعقول برخی دوستان و اطرافیان.

ص: ۶۵

بدحجابی و خودآرایی

اشاره

پوشش و آرایش زنان از پدیده هایی است که می تواند در اغلب جوامع به ویژه ملت های مسلمان، عامل مهمی در بروز ناهنجاری ها و آسیب های جدی در بین مردم خصوصاً جوانان و نوجوانان جامعه اسلامی گردد.

اصل حجاب و پوشش زنان علاوه بر اینکه فرمان مهم خداوند است، دربردارنده حکمت ها و مصلحت هایی است که رعایت کامل آن موجب سلامت و بهداشت اخلاقی و اجتماعی افراد و جوامع انسانی و نیز موجب دوام و تقویت کانون خانواده است؛ اگرچه لزوم رعایت پوشش و ظاهرمناسب، شامل تمام افراد جامعه است، اما با توجه به ویژگی های جنسیتی و آسیب پذیری بیشتر جنس مؤنث، رعایت آن برای زنان و دختران جدی تر و مهمتر خواهد بود و اجرای ناقص آن(بدحجابی) یا عدم اجرای آن (بی حجابی) آسیب ها و انحرافات اجتماعی را در پی خواهد داشت.

قرآن مجید درباره حجاب دستورهای اکیدی دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

به زنان با ایمان بگو چشم های خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار ننمایند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند(تا گردن و سینه پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرشان یا

ص: ۶۶

پسر برادرشان، یا پسر خواهرانشان یا زنان هم کیششان یا بردگانشان (کنیزان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و به هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نکوبند تا زینت پنهانی شان دانسته شود (و صدای خلخال های پایشان به گوش رسد) و ای مومنان همگی به سوی خدا باز گردید تا رستگار شوید.(۱)

همچنین در جای دیگر فرموده:

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان با ایمان بگو، جلباب ها(روسری های بلند) خود را بر خویش افکنند، که این کار برای این که (به عفت و حریت) شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، بهتر است و (اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنان سر زده، توبه کنند؛ زیرا) خداوند همواره غفور و رحیم است(۲).

با توجه به شأن نزول آیات مزبور، علت صدور این حکم الهی را می توان در دو مطلب دانست:

۱. جلوگیری از آسیب های اجتماعی و مزاحمت های خیابانی برای زنان.

۲. شناسایی زنان متدین و مذهبی به عنوان تعیین شخصیت اجتماعی آنان با هدف جلو گیری از اذیت و آزار از سوی افراد منحرف.(۳)

با توجه به دومین علت یاد شده گفت که لباس و پوشش زنان، اولین نماد ارتباط غیر کلامی آنان با دیگران و اطرافیان محسوب می شود؛ یعنی از طرز لباس و نوع پوشش می توان به دیگران اعلام کرد که طرز رفتار و نگاهشان می باید چگونه باشد. بنا براین حجاب و عفاف نیز، نحوه برخورد اطرافیان به ویژه نامحرمان را نسبت به زنان معین می کند.

۱- نور/۳۱

۲- احزاب / ۵

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۱۷، ص۴۲؛ المیزان، ج ۱۵، ۱۱۶.

از آن جا که رعایت این اصل انسانی فواید و آثار بسیاری از جمله: حفظ کرامت و عزت، پویایی، کارآمدی و دین داری یک ملت خواهد داشت، غارت گران بین المللی و سود جویان جهانی آن را بزرگ ترین مانع برای رسیدن به اهداف پلید خویش دانسته، در ترویج بی حجابی و بد حجابی تلاش فراوانی در طول تاریخ نموده اند و امروزه نیز به فعالیت های استثماری خود، بیش از پیش مشغولند. البته سهم شهوت پرستان خوک صفت را در این توطئه نمی توان نادیده گرفت.

بر این اساس، بد حجابی و بی حجابی را از دستاوردهای شوم استعمار جدید و حربه مهم تهاجم فرهنگی دانسته، آن را یکی از آسیب های مهم اجتماعی یا دست کم از ابزارهای مهم انحرافات اجتماعی به شمار آورده اند. از این رو هر جامعه ای که حجاب و عفاف خود را حفظ کند، خواهد توانست از نظام خانوادگی، نظام اجتماعی و نظام سیاسی خود صیانت و محافظت کند.

نتایج ارزنده حجاب

۱. حجاب همچون حفاظی است که زن را از آسیب پذیری، ترس و اضطراب روانی مصون نگه داشته، موجب سلامت روانی او می گردد. امام علی (علیه السّلام) در نهج البلاغه فرمودند: « سخت گیری در پو شش، عامل سلامت و استواری آنان است» (۱)

۲. وجود حریم میان زن و مرد نامحرم به وسیله پوشش، زنان از بی عفتی و عشوه گری و انحراف باز داشته می شوند و در نتیجه هیجان ها و التهاب های جنسی مردان کاهش یافته، موجب آرامش روانی آنان می گردد.

۱- نهج البلاغه: ترجمه مرحوم دشتی، نامه ۳۱، بند ۱۱۷

۳. از آن جا که زنان بیش از مردان نیازمند امنیت اجتماعی هستند، حجاب و پوشش شایسته، آنان را از سوء استفاده های جنسی مصون داشته، میزان امنیت را برای آن ها افزایش می دهد. از این جهت «حجاب» ایمنی بخش و نگهبان جامعه است.

۴. با توجه به این که پوشش زنان، زمینه هر نوع لذت جویی مردان را در اجتماع از بین برده، آن را به محیط خانواده محدود می کند، این خود موجب صیانت خانواده و جلوگیری از «ازهم پاشیدگی» آن و استحکام پیوند خانواده می گردد.

۵. با وجود حجاب از هرگونه بهره مندی جنسی در محیط اجتماع و کار، اجتناب شده، در نتیجه زمینه امنیت زنان برای حضور در ابعاد متفاوت جامعه و میزان مشارکت آنان در اجتماع افزایش یافته و قهراً نیرو و کارآمدی آنان بیشتر می شود.

۶. زنان به خوبی می دانند تا زمانی که دارای ظاهری آراسته و پوشیده باشند، از نظر شخصیتی دارای جاذبه ای بالاتر بوده، گران بها تر و ارزش مندتر جلوه می کنند.

عواقب اجتماعی بد حجابی

بد حجابی، عواقب اجتماعی وسیعی به دنبال دارد که در زیر به آن ها اشاره می شود:

۱. جوانان، کارآمد ترین عنصر انسانی در تکامل و پیشرفت مادی و معنوی و ابعاد مختلف زندگی (علمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و...) هستند. از سوی دیگر جوانان به عنوان گسترده ترین اقشار جمعیتی این سرزمین، آسیب پذیرترین گروه سنی در برابر پدیده بدحجابی می باشند.

بنابراین، عدم پای بندی به اصل حجاب به معنای نابود کردن مهم ترین سرمایه یک کشور محسوب می گردد.

۲. هرگاه هیجان ها و فشارهای جنسی جوانان، با دیدن صحنه های تحریک کننده و چهره های آرایش کرده زنان بی حجاب همراه باشد، جوان را آن چنان بی اختیار می کند که تلاش می کند تا به هر وسیله ممکن، شهوت خود را خاموش سازد.

امام رضا(علیه السّلام) می فرمایند:

«خدای متعال چشم اندازی به گیسوان زنان را حرام دانست؛ زیرا موجب تحریک مردان گشته، در نتیجه

آن، مفاسد و انحرافاتی به وقوع خواهد پیوست که نه حلال است و نه پسندیده»(۱).

بدیهی است انحراف مذکور هنگامی اتفاق می افتد که گیسوان و بدن نمایش گران، بدون پوشش بوده، همچون چراغ سبزی آنان را به سوی خویش فراخواند.

۳. زنان بی حجاب- که عامل اصلی انحراف جوانان هستند- در جرم و کیفر مردان چشم چران شریک هستند؛ زیرا اینان با خودنمایی و هرزگی خود، غرایز جوانان را تحریک کرده، نسل جوان، فعال و کارآمد یک جامعه را روانه پرتگاه فساد می نمایند.

۴. زنان و دخترانی که زیبایی های خود را به دیگران نشان می دهند و غرایز جنسی مردان را تحریک می کنند، جریمه طبیعی رفتار ناصواب خود را با ریختن آبروی خویش و خانواده و پذیرفتن آسیب جسمی و روانی می پردازند. چه بسا این افراد برای همیشه خود را از یک زندگی مشترک آرامش بخش محروم می کنند.

ص: ۷۰

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۰۳.

۵. گسترش روز افزون ناهنجاری های اجتماعی، ناسازگاری ها و چالش های خانوادگی، افزایش آمار دختران و پسران فراری، اعتیاد، طلاق و... برخاسته از همین انحراف و بی بندوباری برخی زنان و دختران است.

با توجه به آثار زیان بار فردی و اجتماعی بی حجابی و تأثیرات مخربی که بر نظام اجتماعی در جامعه اسلامی می گذارد، می باید آن را یکی از حقوق عمومی جامعه تلقی کرد و از همین رو بی اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن، به معنای نادیده گرفتن حق جامعه و از مصادیق اخلال و بر هم زدن نظم اجتماعی و سلامت روانی مردم بوده، جرم به حساب می آید. بدیهی است هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی تواند در برابر این مقاومت کند. براین اساس، نه تنها زنان و دختران بلکه شوهران و پدران و برادران هم نمی توانند ساقط کننده این حق عمومی جامعه باشند. به عبارت دیگر شوهر یا پدر نمی تواند به بهانه چشم پوشی از حق خود، مانع حجاب زن شود؛ بلکه این جامعه است که به دلیل داشتن حق صیانت از نظام خانواده و فساد و فحشا، زن را مکلف به رعایت حجاب نموده است.

بحث حجاب همانند ماجرایی است که پیامبر اسلام (صلّی الله علیه و آله) برای جلوگیری از منکرات بیان فرمودند. براساس فرمایش رسول خدا «چگونه می توان پذیرفت که یکی از ساکنان کشتی به اسم آزادی در حریم و حق خصوصی خویش، محل نشستن خود را سوراخ نماید!» آیا در این صورت، کشتی جامعه اسلامی به قعر فلاکت و بدبختی فرو نخواهد رفت! آیا رعایت حجاب در برابر نامحرمان واقعاً یک حق شخصی است یا اجتماعی؟

وظایف پیشگیرانه والدین

می توان چنین ادعا کرد که بخش عمده ای از پدیده خودنمایی، خودآرایی، نمایش زیبایی های بدن، آرایش های غلیظ و مضحک و

بی حجابی، یکی از آثار و عوارض شوم احساس خود کم بینی و ضعف شخصیتی در جامعه است که در میان عده ای از دختران و زنان جوان رواج پیدا کرده؛ از این جهت، برای جلوگیری از معضل خودآرایی و بدحجابی، نباید از بررسی و ریشه کن نمودن عوامل زمینه ساز این اختلال روانی بانوان غفلت نمود؛ در زیر شماری از این کارها را با هم مرور می کنیم:

۱. تبیین و تکریم مقام زن؛ در تجزیه و تحلیل دلایل بد حجابی و خودآرایی زنان، در می یابیم که خود کم بینی و عقده حقارت و عدم درک موقعیت و مقام واقعی جنس مونث، موجب شده تا این عده از زنان برای خود نمایی، نمایش و مطرح کردن خویش در جامعه و به دست آوردن رده اجتماعی مدنظرشان، دست به چنین اعمالی بزنند.

از این رو والدین محترم برای جلوگیری از رخنه این افکار نابه جا و ناآگاهانه، می باید به اقدامات فکری و فرهنگی متوسل شوند و یا در رفتارها و گفتارهای خود، بیش از پیش دقت داشته باشند. به نظر می رسد در ایجاد این تفکر و باور ناصحیح و مخرب، علاوه بر مردان، زنان نیز مقصر هستند.

یکی از محققین می نویسد:

«به کار بردن اصطلاحات و عبارات تحقیر آمیز، نظیر: «مادر بچه ها»!، «منزلمان»، «ضعیفه» و...که نه عقل می پسندد و نه شرع، موانعی در القا و ایجاد اعتماد به نفس در اعضای خانواده است که متأسفانه در بین بسیاری از مردان مکرر به کار برده می شود. در بین اقشار و طبقات مختلف مردم به خصوص عوام، بسیار دیده شده به مردی که ازخود ضعف و سستی نشان دهد، خطاب می شود: مگر زنی ؟ و یا پسر بچه ای را که گریه کند، با عبارت «مگر دختری؟» (که گریه می کنی ؟) وادار به آرامش می کنند. جوان مردی، مردانه عمل کردن، شیرنرشدن، مردانگی و ده ها اصطلاح و عبارت دیگر، نشان از فکر و فرهنگ مرد سالارانه و تحقیر آمیزی است

کـه که طی سالیـانی دراز، ذهن و زنـدگی مردان و زنـان مـا را در فشـار و تنگنـا قرار داده است. نتایـج این فرهنـگ و ادبیـات گفتاری و انحرافی عبارتنـد از: رشـد غرور کاذب مردان کم مایه، تحقیر و تحمیق لایه های عظیمی از زنان و دختران، گسترش روز افزون شـکاف و تبعیض جنسـیتی، افزایش آمار رسمی و غیر رسمی طلاق و، اضافه شدن بر تعداد زنان و دختران آلوده به فساد، بی اعتنایی به حجاب و گسترش بد حجابی و ....

البته زنـان نیز در تقویت این انحراف نقش دارنـد؛ زیرا مـادرانی که مرتب از حجـاب می نالنـد وآن را مانع فعالیت و تحرک و نشاط خود می دانند و یا از زن بودن خود شـکوه و شکایت می کنند، در واقع بیشترین تأثیر را در شکسته شدن قبح بد حجابی و نیز تحقیر جایگاه و منزلت زنان در جامعه داشته و دارند.

۲. نیـاز به الگو برداری از فرهنـگ خـانوادگی پیشوایـان معصوم: می بـایست در صـدر برنامه های والـدین قرار گیرد. خـداوند متعال نام زیبای" مریم" را در صدر سوره ای از سوره های کتاب مبین خود قرار داده است و پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله) و ائمه اطهار(علیهم السّلام) از زیباترین و محترمانه ترین تعابیر برای دختران و همسـران خود اسـتفاده می کردنـد. به راستی آیا رسول اعظم اسـلام نام مبارک همسـرش (خدیجه کبری(علیهاالسّلام) و یا نام دختر گرامی اش (زهرای مرضیه(علیهاالسّلام) یا ائمه اطهار(علیهم السّلام) در محیط خانه، نام همسران خود را با محترمانه ترین شیوه و عبارت به زبان نمی آوردند؟ چرا برخی مقدس مآبان و مردان به اصطلاح غیرتی(!)به جای بردن نام همسرخود، از ایما و اشاره گرفته، تا به کار بردن

اسامی فرزندان ذکور و «تا مادر بچه ها» و ببین و «آهای» و...استفاده می کنند؟

خانواده ها به ویژه مردان، باید همواره ادبیات رفتاری و گفتاری معصومین(علیهم السّلام) را به عنوان بهترین الگوهای زندگی دینی مـد نظر داشـته، پاسـخ گوی این سؤال باشـند که آیـا پیامبر بزرگ اسـلام (صلّی الله علیه و آله) و اهل بیت: در زنـدگی خانوادگی

خود از چه تعابیر و واژه هایی استفاده می کردند؟ فرمایش پیامبراسلام در حق دخترش(فاطمه زهرا (علیهاالسّلام) که فرمود: « پدرش فدای او باد!» پاسخ به این سؤال را مشخص کرده است.

بنابراین، والدین و تمام اعضای خانواده می باید در همهٔ شئون زندگی خانوادگی، به ویژه در رفتار با زنان و دختران، از بزرگان و پیشوایان دینی پیروی کنند تا خانواده ای رشد یافته و بالنده و زنان و دخترانی با کرامت و پای بند به عفاف و حجاب و به دور از هرگونه انحراف و آسیب داشته باشند.

۳. شناسایی و تبیین قابلیت ها و توانایی های زنان و دختران، یادآوری چهرهای ماندگار و برجسته زنان مسلمان در طول تاریخ، برشمردن آمار و ارقام هایی از فعالیت های سیاسی، اجتماعی و علمی کشورهای مسلمان، تحلیل و توصیف نقش های سرنوشت ساز زنان در تاریخ صدر اسلام، تبیین نقش زنان در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس کشورمان ایران و مباحثی از این دست، موجب رشد و تقویت روحیهٔ خودارزش مندی زن –که مانع عمده فساد و بد حجابی زنان محسوب می شود– به شمار می آید. انجام این مهم از سوی والدین و با کمک گرفتن از کتاب ها و منابع معتبر دینی و تاریخی، امکان پذیر خواهد بود.

۴. گفت وگو و پوشش در برابر افراد غیر همجنس، اگر چه محرم باشند، می باید محترمانه و به دور از هرگونه لحن و صدای تحریک کننده باشد. اگرچه دختران نسبت به پدر و برادران خود محرم اند، اما این موضوع دلیل برآن نیست که به هر صورتی که بخواهند، لباس بپوشند و در هر جا و به هر شکلی بخوابند. همچنین مادران می باید در مقابل پسران خود، شرم و حیا را رعایت کرده نپدارند که به دلیل محرم بودن می توانند آزادانه هرنوع لباس و رفتاری در محیط خانه داشته باشد.

۵. دختران می باید در محیط خانه و در مقابل پدر و برادران از پوشیدن لباس های تنگ، کوتاه و بدن نما، به طوری که نشان دهنده حجم و

برجستگی های بدن بوده و تحریک آمیز باشد پرهیز کنند. البته والدین و فرزندان لازم است رعایت این ضوابط را در جمع دیگر محرم های فامیل از جمله: عمو، دایی، عمه، خاله و... مورد توجه وتأکید جدی قرار دهند.

۶. پیش از هر چیز پدر و مادر باید نسبت به حجاب و ارز ش های دینی، انجام واجبات و پرهیز از محرمات، اعتقاد قلبی و التزام جدی داشته باشند و قبل از گفتار، با آموزش عملی، فرزندان خود را با این اصل آشنا سازند.

۷. والدین به ویژه مادران می باید در پوشاندن لباس و آرایش دختران نابالغ خود در مجامع عمومی و کوچه و خیابان، دقت لازم را داشته باشند. پوشیدن لباس های نیمه برهنه به دلیل شرکت در جشن یا گرمای هوا و امثال این ها و گرداندن او در مقابل چشمان تشنه و به کمین نشسته، عواقب ناگواری خواهد داشت. توجه به آمارهای دختر ربایی از جمله دختران نابالغ، زنگ خطری برای والدین خواهد بود.

۸. پوشش محجوب به همراه آرایش های غلیظ و نامعقول، ترکیب ناهمگونی خواهد بود که جه بسا علاوه برعوام فریبی، مفاهیم منفی دیگری را دارد و در نهایت آسیب پذیرخواهد بود.

۹. روانه کردن دختران در اوقات خلوت معابر(هرچند با پوشش مناسب) از اشتباهاتی است که برخی مواقع از دید والدین مخفی می ماند.

۱۰. رعایت وقار و ادب دینی در برخورد با گروه های غیر همجنس (نا محرم) نباید مورد غفلت و بی توجهی اولیا قرار گیرد. زیرا بر اساس تعالیم قرآن، صحبت کردن بانوان با نامحرمان نباید به گونه ای باشد که قلب های بیمار برخی را به سوی خود گرایش داده، آن ها را به طمع بیندازد.

۱۱. عدم تجسس وتعصب بی جا در بارهٔ همسر وفرزندان، از اصلی ترین لوازم و پیش نیازهای ایجاد و تقویت اعتماد و محبت در بین اعضای خانواده است.

۱۲. فراموش نکنیم که تبلیغات و برنامه های مسموم فرهنگی، برای فرزندان زهرآگین و خطرناک است، و با توجه به اینکه بسیاری از انحرافات مربوط به حجاب و نفی و نقض آن از طریق رسانه های الکترونیکی جدید (ماهواره، اینترنت) انجام می شود. بنابراین پدران و مادران مسئول وآگاه لازم است استفاده از این رسانه ها را در محیط خانه ضابطه مند کنند.

مطالعه کتاب های مناسب و مفید در موضوعات تربیتی و خانوادگی و نیز مشاوره با کارشناسان متعهد و متبحر می تواند بسیاری از مشکلات پیش آمده در کانون خانواده را برطرف کند.

۱۳. پدر و مادر باید از شرکت در میمانی ها و جشن هایی که در آن به اینگونه امور بی اعتنایی می شود و موجب بدآموزی برای فرزندان می شود، پرهیز کنند. البته رعایت اصل امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط و اصول آن نباید مورد غفلت قرار گیرد.

۱۴. تبلیغ و نمایش چهره منطقی و زیبای دین و پرهیز از ترسیم جنبه های ترس، خوف، مجازات و خطوط قرمز دین از سوی والدین می تواند در گرایش زنان و دختران جوان به تعالیم دینی و آموزه های اجتماعی آن از جمله حجاب، تأثیر بسزایی داشته باشد. نباید فراموش کرد که بنا به گفتهٔ شهید مرتضی مطهری، رفتارهای خشونت آمیز و عقل ستیزانه کلیسا و تعالیم ضد علمی بزرگان کلیسا در قرون وسطا موجب دین گریزی و دین ستیزی مردم در اروپا گردید.

۱۵. تبیین فلسفه حجاب و تحلیل روان شناسانه و جامعه شناسانه آن با تکیه بر تعالیم دینی و سخنان بزرگان دینی، از طریق کتب مربوط به حجاب در فرهنگ سازی برای پیشگیری از این گونه انحرافات مؤثر خواهد بود.

۱۶. آگاه سازی دختران و زنان از نقشه ها و توطئه های دشمنان برای کشف حجاب در طول تاریخ و بیان ماجراهای سرنوشت ساز مربوط به حجاب در کشورهای اسلامی همچون اسپانیا در قرن هفتم هجری و جنگ

روسری در برخی کشورها در زمان کنونی، عامل خوبی برای شناخت مهم بودن حجاب در جامعه اسلامی است.

۱۷. توجه دادن دختران و زنان به نقش رنگ و مدل لباس در ایجاد شخصیت و هویت اسلامی و پرهیز از پوشیدن لباس های تحقیرآمیز و دوری از مدگرایی، موجب هدایت افراد به رعایت حجاب برتر می شود.

ص: ۷۷

طلاق

اشاره

هر گاه پس از ایجاد مشکلات شدید خانوادگی، همه راه های اصلاح و حفظ بنیان خانواده به بن بست برسد و ادامه زندگی خانوادگی بین زن و شوهر، نه تنها موجب نشاط، آرامش و کارآیی بیشتر اعضا نشود، بلکه منجر به آسیب های روانی و بروز رفتارهای ناهنجار گردد، در این حالت آخرین شیوه برخورد با مشکلات خانوادگی، جدایی رسمی زن و شوهر یا طلاق است.

اگر طلاق بدون وجود انگیزه ای منطقی صورت گیرد، به عنوان فرار از تعهد و عملی هوس آمیز تلقی شده، سبب بروز مشکلاتی برای همسر و فرزندان می گردد. در تعالیم اسلامی، طلاق عملی ناپسند شمرده شده که نباید قبح آن شکسته شود؛ زیرا طلاق به هر دلیل (منطقی یا غیرمنطقی) که اتفاق بیفتد، آثار مخربی بر همه اعضای خانواده دارد.

پیامبر گرامی اسلام(صلّی الله علیه و آله) فرمود:

«به اندازه ای در باره زن به من سفارش شد که گمان کردم طلاق دادن زن، جز در صورت ارتکاب زنا از سوی او سزاوار نیست».(۱) از این رو تدابیر قضایی و اخلاقی دینی به سمت تقویت روش های پیشگیری از طلاق پیش رفته است و با ایجاد موانعی از جمله ایجاد فضایی سنگین بر سر کسانی که به اندک بهانه ای اقدام به طلاق می کنند و یا زمینه هایی فراهم می سازند که طرف مقابلل مایل به طلاق شود، سعی در کاهش آسیب های اجتماعی دارد.

۱- وسائل الشیعه، ج۱۵، ص ۲۶۷.

آن چه در سیرهٔ پیشوایان دین مبین اسلام مشاهده می شود، این است که حتی الامکان سعی داشتند از طلاق پرهیز نمایند و اگر به ندرت طلاقی صورت گرفت، علت منطقی و معقولی داشته باشد.

با تأسف امروزه دیده می شود که بدون توجه والدین به عواقب جبران ناپذیر طلاق، گرایش به این انحراف اجتماعی رو به افزایش است و همچنین آمار طلاق رجعی (که در آن امکان رجوع به زندگی بیش از انواع دیگر است) کاهش یافته است. در برخی از خانواده ها نیز وقوع طلاق به صورت طلاق عاطفی و رضایت مندانه گزارش شده که این خود، نشان از انحرافی عمیق تر در نظام خانواده دارد.

هنگام از هم گسستن زنجیر خانواده، تنها حلقه ای که پاره نمی شود، بلکه بکلی از میان می رود، فرزندان هستند؛ زیرا پدر و مادر هر دو افرادی مستقل هستند. ولی آنچه که دیگر نامی ندارد و بی پناه و متزلزل است، فرزند و یا فرزندان باز مانده از طلاق هستند. اینان حتی اگر زیر حمایت یکی از دو پاره زنجیر قرار گیرند، باز هم حلقه ای گسسته به شمار می آیند و اغلب آنان دچار جراحات عاطفی می گردند؛ از این رو موجبات آسیب پذیری و آسیب رسانی اجتماعی را فراهم می سازند.

به طور کلی بین ۳۰ تا ۹۰٪ از جوانان مجرم در خانواده های از هم گسیخته ۲۴٪ در خانوادهایی که پدر و مادر از هم جدا شده اند، ۱۱٪ به علت کمبود یکی از والدین و ۱۱٪ به علت فساد اخلاق والدین بوده اند.(۱)

عوامل طلاق

اشاره

مشکلات شدید خانوادگی که سرانجام منجر به جدایی زوجین و طلاق آن ها می شود در چند محور جداگانه به شرح زیر قابل تقسیم بندی است.

۱- فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی خانواده و طلاق، ص ۲۴.

الف) عوامل فردی و روان شناختی:

این عوامل علاوه بر صفات و ویژگی های ذاتی افراد، از قبیل میزان سن و بهره هوشی شامل صفات اخلاقی هریک مثل خشونت، تکبر، خودبرتربینی، عدم تمکین زن، خودمحوری، رفتارهای کارفرمایانه مرد، پنهان کاری های زن، صراحت در انتقاد،کم رویی در قدرشناسی، برتری جویی، عدم ارضای نیاز های جنسی و ... می گردد.

ب)عوامل فرهنگی و اجتماعی:

دخالت های اطرافیان مخصوصا خانواده ها یکی از مشکلات زوج های جوان در اوایل زندگی مشترک است. در جوامع سنتی، این امر به یک معضل جدی برای خانواده ها تبدیل شده و همواره حوادث تلخی همچون خودکشی، قتل و طلاق را موجب می گردد. متأسفانه در این جوامع، گاهی زوج های جوان بدون کوچک ترین اختلافی صرفاً به خاطر جلب نظر اطرافیان و بزرگان فامیل، ناچارند از هم جدا شوند و در واقع زندگی آن ها عرصه انتقام گیری و اشباع حس غرور بزرگ ترها می شود.

دخالت های بی جای بستگان و دوستان در تصمیم گیری ها نقش مخربی دارد. به طوری که ۲۷٪ از متقاضیان طلاق در ایران، دخالت بی جای خویشاوندان و آشنایان را علت تقاضای جدایی دانسته اند.(۱)

زرق و برق زندگی شهری، تجمل گرایی، صنعتی شدن جوامع، کاهش ارتباطات فامیلی، بی توجهی به صله رحم، گرایش افراطی خانواده ها به رسانه های جمعی از جمله تلویزیون، ماهواره و اینترنت، اعتیاد و... از عوامل مؤثر بر طلاق در ایران محسوب می شوند.

۱- همان، ص ۲۰۸.

ج) عوامل اقتصادی:

فقر اقتصادی در حد عدم ناتوانی در امرار معاش، بی کاری مردان، بالا بودن توقعات مادی خانواده، غوطه وری در امکانات مادی و احساس بی نیازی مستانه،اشتغال افراطی زن و شوهر، تصدی برخی مشاغل نامناسب و آسیب زا، احساس بی نیازی زن به کانون خانواده به دلیل درآمد داشتن و استقلال اقتصادی و... یکی دیگر از دلایل انحلال کانون خانواده است.

د) عوامل جسمانی و بدنی:

این عوامل شامل برخی بیماری های جسمی و روحی در یکی از زوجین است. بیماری هایی که خود فرد موجب ابتلای به آن بوده، یا بر اثر برخی اتفاقات ناخواسته ایجاد شده و یا نقایص جسمی و ظاهری در بدن می باشد.

بیماری هایی همچون: ناتوانی جنسی (عنین)، ناباروری مردان، نازایی زنان، معلولیت های شدید، از دست دادن زیبایی ظاهری، اعتیاد، اختلالات شدید عقلی و... زمینه ای برای فروپاشی خانواده می گردد.

ه) عوامل اعتقادی و مذهبی:

اختلافات شدید زوجین در باورها و ارزش های مذهبی، رفتارهای پر خطر ضد دینی، شراب خواری، روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده، ترک وظایف شرعی و

عبادات، تحقیر و توهین به جنس مخالف، بد بینی و سوءظن، شب نشینی های اتهام زا، فال گیری و جادوگری و... از دیگر عوامل مهم در گسست پیوند زناشویی است.(۱)

هریک از موارد فوق به تنهایی و یا با ترکیب دو یا جند مورد دیگر از عوامل قطعی طلاق زن و شوهر خواهد بود. در این میان، نقش مخرب

۱- سالاری فر، محمدرضا؛ خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، ص ۱۳۴-۱۴۴ (با اقتباس).

رسانه های جدیـد صوتی و تصویری از قبیل کانال های ماهواره ای، شبکه های اینترنتی و فیلم های بدآموزی که هدفی به جز تخریب نظام خانواده و ولنگاری اجتماعی و خانوادگی ندارند، قابل توجه ویژه خواهد بود.

عواقب طلاق

۱. مهم ترین آثار شوم طلاق بعد از جدایی پدر و مادر، آسیب ها و انحرافات سنگینی است که بر سر فرزندان و کودکان بی گناه فرود می آیـد و چه بسا تا پایان عمر، آنان را از یک زنـدگی عادی و رضایت بخش محروم می کنـد. این ماجرا هنگامی شدت می یابد که فرزندان باز مانده از این پدیده خطرناک، فاقد سرپرست و امکانات زندگی و توانایی مالی کافی باشند.

۲. دعواها و مشاجره های والـدین در قبل از طلاق، میزان اعتبار آن هارا در میان فرزنـدان کم می کند و آنان احساس اعتماد و وفاداری به خانواده را از دست می دهنـد. در نتیجه خانواده نمی توانـد کانون محبت و رشد آنان گردد. از این رو اعتماد و دل بستگی فرزنـدان به تمـام اعضـای خـانه و حتی خود منزل، بریـده شـده و به فکر چـاره جویی و یـافتن سرپناهی دیگر خواهند گشت.

۳. در برخی از کشمکش های خانوادگی، ممکن است یکی از والدین فرزند را ابزاری برای اجرای مقاصد خویش قرار دهد و او را برضـد دیگری تحریک کنـد. در این صورت، اختلافات خانوادگی به ظاهر محصول رفتار فرزند بوده است. در این گونه موارد، فرزند خود را مقصر ماجراها دانسته، به ناحق همواره خود را سرزنش می کند و به طور ناخودآگاه، در او احساس گناه و محرومیت پیدا شده، زمینهٔ بزهکاری می شود.

۴. نزاع، ناسازگـاری و مشـاجره دائمی پـدر و مادر و اطرافیان، آثار شومی در روان کودک باقی می گـذارد. همین کودک به علت عدم آرامش روانی، نسبت به تحصیل و کار خود بی علاقه شده، دائما مضطرب و پریشان است و ثبات ندارد.

ص: ۸۲

نتایج منفی این ناراحتی ها بعدها در سنین بلوغ و بزرگ سالی به صورت عصیان، پرخاش گری، سرکشی از مقررات و قوانین اجتماعی و یا بی تفاوتی، انزوا و گوشه نشینی ظاهر و منجر به ارتکاب جرائم مختلف می گردد. از این جهت می توان ادعا کرد که وضعیت فردی و اجتماعی فرزندان طلاق به مراتب شدید تراز کودکان یتیم است.

۵. اثرات طلاق در مردان این است که از آنان افراد غیر متعهد بار می آورد.آمار جنایی نشان می دهد که تعداد این افراد غیر متعهد در میان زندانیان قابل ملاحظه است. اثر طلاق در زنان به خصوص آن هایی که پناهگاهی ندارند و فاقد استقلال اقتصادی هستند، سخت خطرناک است و زمینه بسیاری از جرائم و تخلفات سنگین اجتماعی و جنسی را به طور فوق العاده تقویت می کند.

۶. از هم گسیختگی خانواده در دختران، موجب فرار از منزل و مدرسه و ولگردی می گردد. پسران، کوچه و خیابان را بر

محیط خانواده از هم پاشیده ترجیح داده، با قبول عضویت در باندها به ارتکاب جرائم مختلف کشانده می شوند.(۱)

وظایف پیشگیرانه والدین

۱. رعایت اصول اسلامی گزینش همسر

در تعالیم اسلامی برای انتخاب همسر مناسب، سخت گیری ها و دقت های زیادی در نظر گرفته شده؛ از جمله تحقیق و بررسی در ویژگی های اخلاقی و میزان پای بندی به ایمان، رعایت همسان بودن زوجین، پرهیز ازعدم فریب کاری همدیگر از سوی خانواده ها و دختران و پسرها، اجتناب از ازدواج با خانواده های بدون اصالت و شرافت خانوادگی و...

ص: ۸۳

۱- قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم (مجموعه مقالات) وقوع جرم، ص ۲۶۶-۲۶۷

از سوی دیگر پس از انتخاب آگاهانه و ضابطه مند، توصیه های دینی اغلب گرایش به آسان گیری در مراسم ازدواج و نیز خوش بینی و چشم پوشی نسبت به شریک زندگی در بعد از ازدواج

دارد. با متأسفانه برخی از خانواده های آسیب زده یا طلاق گرفته، انتخابی راحت و بدون سختگیری و ازدواجی همراه با سخت گیری و بدبینی دارند؛ بنابراین، روآوردن به دستور العمل های دینی قبل از ازدواج مهم ترین عامل پیشگیری از طلاق خواهد بود، زیرا اساس ناسازگاری دو همسر به تفاوت های آن هادر ارزش ها، احساسات، شناخت ها و رفتارهای هریک برمی گردد. بنابراین، هرچه افراد در این زمینه ها مشابه باشند، اختلاف کمتری بین آن ها بروز می کند.(۱)

والدین به دلیل برخورداری از تجربه و اندیشه برتر و دل سوزی برای فرزندان می باید با راهنمایی های لازم و هدایت صحیح فرزندان در امر ازدواج به ویژه در انتخاب همسر مناسب برای آنان، ضریب این گونه آسیب پذیری ها را کاهش دهند.

۲. توجه به مسائل معنوی و دینی

برخورداری هریک از زوجین از عقاید و اندیشه های دینی و رفتارهای اخلاقی و مذهبی، موجب کاهش اختلافات خانوادگی می شود. قطعاً دیانت هرکدام از زوجین،

ضمن این که زندگی را برای همسر شیرین و لذت بخش می کند، باعث گرمی و صمیمیت روابط زناشویی نیز می گردد. شوهر دین دار سعادت خویش را در گرو سعادت خانواده خویش می داند و بر آوردن نیازهای خانواده را از اهم واجبات خویش به حساب آورده، در

۱- سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، ص۱۴۵ .

جهت تحقق آن تلاش می کند. همچنین زن متدین، حفاظت از اموال و آبروی شوهرش را از واجبات دینی خویش به حساب آورده همواره با شوهرش صادقانه برخورد می کند و عقایدش هرگز این اجازه را به او نمی دهد که به شوهرش خیانت کند. اعتقاد عمیق و توجه زوجین به این اصل مهم قرآنی که « زنان لباسی برای مردان و مردان نیز لباسی برای زنان هستند»، آنان را از لکه دار کردن و ضایع کردن همدیگر برحذر خواهد داشت؛ زیرا هریک از همسران خود را آیینه ای از دیگری می دانند.

۳. پرهیز از خشونت های خانوادگی

خانواده، کانون آرامش و محفل انس مقدس زن و شوهر و نردبان رشد و تکامل زوجین و نیز عامل پرورش نسل پاک و

سالم آینده است. خداوند فرموده: « از نشانه های او این که از بین خودتان همسرانی برایتان قرار داد تا به وسیله آن آرامش یابید و نیز بین شما دوستی و رحمت قرارداد»(۱).

در این گیرودار وجود ضعف ها و نقایص اجتناب ناپذیر است، اما آنچه می تواند تهدیدها و شکست ها را به فرصت و پیروزی تبدیل کند، پرهیز از ستیزه جویی و امید به رضایت حق است. در متون دینی اسلام، تحمل سختی ها و صبرکردن در ناکامی ها و تحمل رفتارهای ناشایست همسر، مورد تأکید بوده و رعایت کنندگان آن مستوجب پاداش الهی هستند. برخی بر این باورند که بالا ـ بودن سطح تحصیلات و درآمد بیشتر زنان و نیز عدم هماهنگی فرهنگی موجب حقارت مردان شده، حقارت نیز عامل خشونت مردان گردیده است.(۲)

۱- سوره روم،/ ۳۰ .

۲- ماهنامه پیام زن، شماره ۱۵۶، ص ۲۰ .

۴. تعدیل توقعات

هسته اولیه خانواده، زن و مردی هستند که طبق ضوابط شرعی و قانونی،حقوق متقابل همدیگر را به رسمیت شناخته، بدان پای بند هستند. بدیهی است هر یک از آنان دارای توان مندی ها و ظرفیت هایی محدودی هستند که پذیرفته اند در پرتو همان سرمایه های اجتماعی و اقتصادی و بهره مندی های اخلاقی و روانی در زیر یک سقف زندگی کنند؛ از این رو تقاضاهایی که در طول زندگی از سوی هریک از آنان صادر می شود، می باید در محدوده توان مندی های طرفین باشد و چنانچه درخواست های آنان فراتر از توان مالی، روحی، جسمی، علمی و... طرف مقابل باشد، موجب فشار و اذیت و آزار هر دو خواهد شد. بنابراین، بسیار مناسب است که، همواره به داشته های خود از قبیل: سلامتی، فرزندان، اشتغال، عزت مندی،آرامش و... بیندیشند و بر نداشته های خویش حسرت نخورند. توجه به خانواده های پایین دست، دقت در محرومیت ها و بحران های خانوادگی دیگران، عدم یا کاهش ارتباط با خانواده های مرفه و تجمل گرا و امثال آن، موجب کاهش توقعات طرفین خواهد شد. خانواده ها می باید همواره شاکر خداوندی باشند که نعمت های بی شماری از جمله نعمت حیات را به آنان بخشیده است. برخی براین باورند که زرق و برق های زندگی خانواده های دیگر نشان از خوشبختی آنان است، در حالی که بسیاری از اینان آرزو دارند، به جای این زرق و برق های ظاهری، روشنی و صفای باطن و آرامش خانوادگی داشتند.

۵. تامین نیازهای جنسی

بر اساس گزارش ها و آمارهای محاکم قضایی و نیز نتایج به دست آمده از تحقیقات پژوهش گران امور خانواده، یکی از مهم ترین عوامل جدایی خانواده ها، عدم پای بندی کامل طرفین یا یکی از آن ها به حقوق و ضوابط زناشویی و رفتارهای جنسی است. به گفته کارشناسان، بسیاری از طلاق ها به

ص: ۸۶

دلیل مشکلات در روابط جنسی رخ می دهد؛ حتی اگر زوجین، این علت اصلی را پنهان نگاه دارند. بنابراین، یکی از اصلی ترین کارکردهای نهاد خانواده برای زن و مرد دچار ضعف می گردد. نزدیک به ۴۰ ٪ زنان از اختلالات جنسی در روابط زناشویی رنج می برند.(۱) این در حالی است که یکی از مهم ترین کارکردها و فلسفه های ازدواج، ارضای نیازهای جنسی

است. همچنین یکی از مهم ترین عوامل استحکام خانواده و رضایت مندی بین زن و شوهر، رعایت کامل و صحیح این موضوع است. توجه به آیات قرآن و توصیه های ائمه معصومین(علیهم السّلام) در خصوص این موضوع و نیز حافظه تاریخی ملت ها و مردم و خانواده های خوشبخت، بیان گر نقش ویژه و اهمیت نیاز جنسی در خانواده است.

چنانچه عطش جنسی افراد در چارچوب خانه برآورده نشود، علاوه برایجاد اختلالات رفتاری و خشونت های اخلاقی در خانه، دامنه این عطش به بیرون منزل کشیده شده، موجب رفتارهای ضد ارزشی و آسیب های متعدد در جامعه می شود؛ زیرا برخی انسان های بسیار تشنه برای سیراب شدن و رفع تشنگی خود، به هر آب مسموم و گندیده ای روی می آورند.

اگر چه در متون اسلامی این گونه مباحث به صورتی کنایه وار و عفیفانه بررسی و تشریح شده است؛ اما اسلام به روابط جنسی زوجین با نگاهی مثبت و رفتاری معنوی نگریسته است. به طوریکه در برخی از احادیث، معصومین(علیهم السّلام) پاداش روابط جنسی را معادل با برخی تکالیف دینی مانند جهاد دانسته، آن را موجب ریزش گناهان و پاک شدن افراد می دانند.(۲) بر اساس روایات هیچ یک از زن یا مرد برای سرباز زدن از این امور، نباید عبادت خود را طولانی کنند.(۳)

۱- دفتر ریاست جمهوری- مرکز امور زنان و خانواده.

۲- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص ۱۵۰.

۳- همان، ص ۴، ۱۱۲و ۱۱۷.

بنـابر این، در کـانون خانواده زن و شوهر می بایست ضـمن مقـدس دانسـتن این مطالب، توجه داشـته باشـند که ارضای معقول نیازهـای جنسـی هیچگونه منافـاتی با رعایت عفت، حیا و تقوا نـدارد و هرگونه محرومیت یا سـرکوب شدیـد اینگونه هیجانات طبیعی، عواقب ناگواری خواهد داشت.

بدیهی است که زن و شوهر می بایست توصـیه های دینی مربوط به لباس زیبا، بدن تمیز، استفاده ازعطر لوازم آرایشی مناسب، رضایتمندی کامل و... را در این موضوع مد نظر قرار دهند.(۱)

۶. آگاهی از اهمیت و شرایط ازدواج

والدین و بستگان، باید جایگاه ازدواج در زندگی انسان و اصول آن را قبل و حتی تا چندی بعد از ازدواج برای فرزندان خود تبیین نمایند.

پیامبر گرامی اسلام (صلّی الله علیه و آله) فرمود:

«النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منّی »(۲).

در آموزه هـای دینی اسـلام، ازدواج سـیره و سـنت پیـامبر اسـلام است و هرکس از آن روی گردان باشـد، از پیروان او نیست. همچنین در حدیث دیگری پیامبر (صلّی الله علیه و آله) فرمود:

«کسی که ازدواج کرد، نصف دین خود را حفظ کرده و باید در نصف باقی مانده تقوا پیشه کند».(۳)

در فرهنگ اسـلامی، زدواج، پیونـدی مقـدس و میثاقی محکم، بنایی محبوب نزد خداوند، عاملی مؤثر در حفظ دین، و تکوین مودت و رحمت است. ازدواج همچنین شیوه پاسداری از حریم عفت(۴) و پاکدامنی، تضمین

۱- خانواده در نگرش اسلامی و روانشناسی، ص ۴۸ و ۴۹ .
۲- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰.
۳- پیامبر (صلّی الله علیه و آله)فرموده اند: «من تزوّج احرز نصف دینه؛ (من لایحضره الفقیه، ج۳، ص۳۸۳).
۴- پیـامبر گرامی(صـلّی الله علیه و آله) فرموده انـد: «من احب ان یلقی الله مطهراً فلیتعفّف بزوجه»، مسـتدرک الوسائـل، ج۱۴، ص ۱۵۰.

رزق و روزی(۱) و تعظیم سنت نبوی و موجب پذیرش عبادت انسان(۲) است. البته در اینجا لازم است به این نکته نیز اشاره کرد که تنها عشق و تفاهم برای ایجاد زندگی سعادت مند کافی نیست و در کنار آن، باید به تناسب نیز توجه شود. دختر و پسر باید از نظر سن، دیانت، فرهنگ و اخلاق با هم تناسب داشته و هم شأن(کفو) یکدیگر باشند؛ زیرا در این صورت بهتر همدیگر را درک کرده، و زندگی خوش گوارتری خواهند داشت.

تفاوت های دینی، مالی و فرهنگی، اغلب موجب توهین و تحقیر یکدیگر شده و زندگی مشترک را تلخ می کند. همچنین تفاوت سنی زیاد باعث عدم درک متقابل، سردی روابط می گردد و احیاناً طلاق می شود.

۷. ازدواج عاقلانه

دختر و پسری که به دلایل نامعقول و تنها بر مبنای فضای فریبنده جامعه با مرد یا زنی غریبه و بدون شناخت کافی از وی، تن به ازدواج می دهند، وقتی در طول سال های بعد از ازدواج متوجه می شوند که هیچ گونه تشابه و تفاهمی، چه به لحاظ احساسی و چه به لحاظ فرهنگی میانشان نیست، چه باید بکنند؟ روشن است؛ جامعه این زن یا مرد را محکوم به زندگی ابد با همسرش می کند. حتی اگر این زن یا مرد هیچ مشکل دیگری در زندگی، به جز عدم تفاهم و عشق نداشته باشند، آیا روا ست که تا آخر عمر خود به زندگی با هم ادامه دهند؟ جامعه پاسخ می دهد: آری، طلاق فاجعه است.(۳)

پیشگیری والدین از ازدواج های زود هنگام و رمانتیک و احساسی که بر اساس عشق های کوچه و خیابانی به وجود می آید، آسیب خانواده و ضریب

۱- پیامبر (صلّی الله علیه و آله) فرموده اند: «اتّخذوا الاهل فانّه ارزق لکم»؛ من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۳۸۳.

۲- امام صادق(علیه السّلام) فرموده اند: «دو رکعت نماز شخص متأهل، از هفتاد رکعت نماز مجرّد، افضل است» وسائل الشیعه، ج۱۴، ص ۷.

۳- www:forum.niksalehi.com

از هم پاشیدگی آن را پایین می آورد. توجیه منطقی دختران و پسران و اطلاع رسانی به آنان در شناخت ها و ملاک و معیارهای ازدواج و همسر موجب تعدیل عشق های تصادفی و زودگذر می گردد.

۸. حمایت مالی اطرافیان

حمایت های مالی بستگان و اطرافیان بویژه والدین از زن و شوهرهای جوان و خانواده های تازه تشکیل،

سنت خوبی برای پایین آوردن میزان ازهم پاشیدگی زوجین و رفع مشکلات اقتصادی آنان خواهد بود. البته رعایت مسائل اخلاقی، خلوص نیت و رضایت خداوند و قصد تلاش برای پیش گیری از آسیب ها و انحرافات یک خانواده در هنگام ارائه این گونه خدمات و حمایت های مالی بر کسی پوشیده نیست. بدیهی است این حمایت ها می باید مقطعی باشد و تبدیل به یک رویه و رفتار همیشگی نشود.

۹. اشتغال مناسب

اگرچه اشتغال و کسب درآمد هیچ منع شرعی ندارد؛ اما این موضوع مشروط به عدم تهدید و سلامت کانون خانواده است. بنابر این کاهش یا ترک اشتغالات نامناسب زوجین به ویژه اشتغالات پر زحمت و کم درآمد زنان که با ساختار جسمانی، روحی و روانی آنان هم خوانی ندارد، بسیار ضروری است؛ زیرا این اشتغالات علاوه بر وارد کردن آسیب فردی بر زن، موجب کاهش عاطفه و ناتوانی او در برآوردن تقاضاهای معقول اعضای خانواده می گردد.

۱۰. ساده زیستی

تقویت فرهنگ ساده زیستی و پرهیز از تجملات و چشم و هم چشمی های غیر صحیح و توان فرسا از طریق صحبت های صمیمی اعضای خانواده، مطالعه، مشاوره، تنظیم و تصحیح رفت و آمدها و میهمانی ها، عدم

باور فرهنگ پذیری از برخی رسانه ها از قبیل ماهواره و اینترنت در افزایش رضایت مندی موثر است

۱۱. صله ارحام

توجه به توصیه اخلاقی اسلام در باره صله ارحام و افزایش ارتباطات فامیلی و نشست ها و میهمانی های کم خرج، به ویژه با خانواده هایی که دارای سطح پایین تر مالی و سطح بالاتری از نظر تفاهم خانوادگی هستند. در این ارتباطات خانوادگی و فامیلی، اعضای فامیل از برخی مشکلات پیش آمده در خانواده ها خبردار شده، در صدد رفع آن یا جلوگیری از گسترش آن برمی آیند. همچنین در پرتو دید و بازدیدهای خانوادگی، توهمات و کدورت های پیش آمده بین فامیل ها برطرف شده، از این جهت التهابات خانوادگی کاهش می یابد.

۱۲. پرهیز شدید از ازدواج اجباری

هر ازدواجی می باید با رضایت کامل طرفین و برمبنای عشق و محبت واقعی انجام پذیرد. قطعا دختر و پسری که تنها به خاطر رضایت پدر و مادر و با زور و اجبار به عقد یکدیگر در آمده باشند، ازدواجشان فرجام خوشی نخواهد داشت؛ زیرا عدم تفاهم از همان ابتدای ازدواج مانع خوشبختی شده و روز به روز نیز به شدت تنفر و انزجارشان نسبت به یکدیگر افزوده می شود.

ازدواج های اجباری می تواند به صورت های زیر محقق شود:

الزام به ازدواج با وجود اختلاف سنی غیر متعارف و بسیار زیاد بین زوجین (که در برخی موارد بالغ بر سی سال است)، گرایش افراطی به ازدواج با عموزادگان و خویشاوندان، ازدواج با طبقه اجتماعی بسیار پایین یا بسیار بالا، ازدواج های مبتنی بر عشق های خیابانی و اینترنتی، ازدواج های

زود هنگام و پرشتاب، ازدواج های مبتنی بر روابط نامشروع قبلی، ازدواج های مبتنی بررسوم و آداب غیر معقول عشیره ای و طایفه ای، ازدواج های مبتنی بر رسوم غیرمشروع قومی و قبیله ای (از قبیل ازدواج به عنوان خون بها) ازدواج های مبتنی بر دست یافتن زوجین بر اعتبار اجتماعی، ازدواج های مبتنی بر دست یابی والدین به ثروت یا موقعیت اجتماعی و... از مواردی است که اجبار و الزام در آن از سوی خود زوجین و یا از سوی والدین و اطرافیان زوجین اعمال شده است. این نوع ازدواج ها ضریب ناکامی و ناسازگاری خانوادگی را افزایش داده، چه بسا منجر به طلاق و از هم پاشیدگی خانواده ها می شود.

ازدواج اجباری در جامعه پدر سالاری قریش و عرب آن روز، بسیار متداول بود و اغلب دختران برخلاف میل باطنی خود با فرد پیشنهادی اولیا خویش ازدواج می کردند؛ اما رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله) با این رسم جاهلی به شدت مبارزه کرده، بارها ازدواج های اجباری را بر هم زدند و والدین را متقاعد ساختند که دختر و پسر باید با عشق و علاقه قلبی ازدواج نمایند، نه فقط به خاطر رضایت اولیا.

البته در اینجا لازم است به این نکته نیز اشاره شود که تنها عشق و تفاهم و رضایت طرفین برای ایجاد زندگی سعادت مند کافی نیست و در کنار آن باید به تناسب های مختلف فرهنگی، سنی و اخلاقی نیز توجه شود.

۱۳. داوری صلح جویانه

یکی از عوامل پیشگیرانه طلاق از نظر قرآن، دخالت افراد صلاحیت دار و قابل اعتمادی است که وظیفه داوری برای حل اختلافات و ایجاد صلح و صفا در بین زوجین را دارند.

اهمیت ایجاد صلح و آشتی و بر طرف کردن کدورت ها بر کسی پوشیده نیست و این عمل از وظایف انبیا شمرده شده است.

ص: ۹۲

در قرآن مجید آمده است:

(وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُواْ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلاَحًا يُوَفِّقِ اللّهُ بَيْنَهُمَا)؛(۱)

اگر بیم دارید که در میان آن ها عداوت و دشمنی واقع شود، یک داور از بستگان شوهر و یک داور از بستگان زن را مأمور حل اختلافات کنید؛ اگر مایل به اصلاح باشند، خداوند میان آن هاتوافق برقرار می کند.

بر اساس دستور قرآن مجید، افرادی که آگاه به مسائل خانواده و مطلع از ویژگی ها و صفات و رفتارهای زن و شوهر هستند و قابل اعتماد بوده، دارای شرائط لازم برای تشخیص مشکل و توانایی ارائه راه حل، برای ایجاد صلح و صمیمیت باشند، وظیفه دارند هرچه سریع تر برای جلوگیری از آسیب های بیشتر، به عنوان یاوران نظام خانواده، مقدمات سازش آن دو را فراهم سازند.

دروغ در اسلام عملی زشت و از گناهان کبیره است؛ اما اگر کسی برای ایجاد صلح و آشتی میان دو خانواده، کلامی به ظاهر خلاف واقع بگوید؛ یعنی به این صورت که از انتقال مسائلی که موجب کدورت گشته، دشمنی را بیشتر می کند، اجتناب کرده، در عوض به هریک از آن دو بگوید که طرف مقابل در مورد او حسن نیت دارد و به این صورت زمینه را برای صلح و آشتی فراهم آورد، از دروغ گویان نخواهد بود و وکیفرهای عمل زشت دروغ، شامل او نخواهد شد.

انجام این توصیه دینی موجب می شود تا علاوه بر آرام و عادی سازی روابط زوجین، افراد دیگر از اختلافات خانوادگی آن ها مطلع نشده، حرمت

ص: ۹۳

۱- نساء /۳۵.

و اعتبار اجتماعی آنان پابرجا بماند. این شیوه داوری و سازش، خانواده را از مراجعه به مراکز قضایی و دادگاه باز می دارد.

۱۴. عدم دخالت اطرافیان

از آن جا که اختلافات خانوادگی، دارای عوامل و مسائل پشت پرده ای است که به جز زوجین، هیچ یک از بستگان و اطرافیان از آن اطلاع ندارند و همچنین چه بسا دلایل آن اختلاف به گونه ای باشد که زوجین از بیان آن برای دیگران مانع و عذری داشته باشند، لازم است اطرافیان زوجین (پدر، مادر، برادر، خواهر، همسایه، دوست، همکار و...) به دلیل عدم آگاهی کافی، از هر گونه دخالتی در مسائل خانوادگی دیگران به شدت پرهیز کنند. همچنین اعمال نظر و سلیقه اطرافیان نسبت به زوجین و نیز قرار دادن آن ها در تعارفات و معذوریت های اخلاقی و درخواست های غیر واقعی بدون در نظر داشتن توانمندی های مالی یا جسمی و... موجب متشنج کردن کانون خانواده و آتش افروزی خواهد شد.

البته زوجین به ویژه زنان، می باید با هر گونه دخالت های بی مورد و اختلاف افکنانه از سوی والدین و اطرافیان خود و نادیده گرفتن درخواست ها و نظریات به ظاهر دل سوزانه آنان، اصول شرعی و اخلاقی در رفتار با اطرافیان خصوصاً والدین خود را رعایت کرده، حفظ حرمت خانواده و بستگان خویش و همسرشان را مد نظر قرار دهند.

توصیه قرآن کریم در این قبیل موضوعات، خویشتن داری و برخورد صحیح است. بر این اساس فرموده است:

(وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراماً)(۱)؛

و اگر با کار لغو و بیهوده ای مواجه شوند، با بزرگواری از آن میگذرند (و خود را منزه نگه می دارند).

ص: ۹۴

۱- فرقان/۷۲.

و نیز می فرمایند:

(وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً)(۱)؛

آن گاه که جاهلان آن ها را (به سخن مکروهی) مخاطب قرار دهند، آن ها(در جواب) سخنی سالم میگویند.

۱۵. نپذیرفتن خرافه گویی

براساس اصول اعتقادی، آگاهی از آینده و سرنوشت همه انسان ها تنها در اختیار خداوند است و هیچ قدرتی بدون اذن خداوند از اسرار و سرنوشت افراد خبر ندارد. در این میان برخی افراد سود جو و عوام فریب برای رسیدن به منافع مالی و نفسانی خود، به خرافه گویی و فال گیری، سحر و جادوگری در مسائل شخصی و خانوادگی مردم مشغول می شوند و از این را امرار معاش می کنند. با کمال تأسف، در برخی موارد فعالیت های مجرمانه این افراد بی هویت و سودجو مقدمات سردی کانون خانواده و افزایش اختلافات میان خانواده ها را فراهم آورده است.

لازم است زوجین و خانواده های محترم به ویژه زنان و مادران از روی آوردن به حرف ها و عمل به توصیه ها و شگردهای فریبنده و غیر معتبر و خلاف شرع این دسته از شیادان خطرناک و خانمان برانداز به شدت پرهیز کنند. بدیهی است میزان اعتقادات دینی افراد و نیز سطح تحصیلات و آگاهی های اجتماعی خانواده ها در پذیرش یا عدم پذیرش سخنان این سود جویان مؤثر است.

۱- فرقان/ ۳۶.

خودکشی

اشاره

خودکشـی به معنای نابودکردن و از بین بردن خود، پدیده جدیدی نیست؛ از زمان خلقت بشـر، خودکشی به عنوان راهی برای رسـیدن به آرامش از نوع کـاذب یـا فراری غیر منطقی از مسائل و مشـکلات مطرح بوده است. خودکشـی پدیـده ای است که سالیان دراز از روابط عشـیره ای و سـنتی تا روابط پیچیدۀ شـهرهای امروزی، گریبان بشـر را گرفته و در فراز و نشـیب تحولات اجتمـاعی، قلب و روح خـانواده هـا و اجتمـاع را آزرده است. آمارهـای مختلف در این زمینه دارای یـک نقطه اشتراک از نظر مقطع سـنی افرادی است که دست به خودکشـی می زننـد و آن اینکه اکثر قربانیـان این پدیـده دردآور اجتمـاعی، معمولاً قشـر جوان هر جامعه است.

مبتلا شدن به بحران هویت، پوچ گرایی و بیهوده انگاری زندگی، زندگی شهری، انبوه جمعیت، عدم تجانس افراد با یکدیگر، احساس غربت و تنهایی، کاهش عاطفه و محبت خانوادگی، رهاشدن فرد به سـرنوشت خود، چشم و هم چشـمی ها، پیدا شدن آرزوهای دور و دراز در زندگی مادی، محرومیت در عشق، فقر مادی و ده ها عامل دیگر، چنان تنگناهایی را برای برخی افراد فراهم می آورد که فرد، تنها راه نجات خود را در نابودی خویش جست وجو

می کند. براین اساس خودکشی سومین عامل مرگ جوانان ایرانی است که لازم است به این مسئله وبحران توجه خاصی داشته باشیم.

ص: ۹۶

یکی از جامعه شناسان می گوید: «خود کشی هم اکنون به عنوان چهارمین علت مرگ در تهران شناخته می شود و مهم ترین انگیزه برای اقدام به خودکشی، اختلافات خانوادگی است».(۱)

میزان سواد و فرهنگ اجتماعی افراد نیز در این امور تأثیر بسزایی دارد؛ به طوری که در ایران، اقدام به خودکشی در افراد بالاتر از دیپلم ۶٪ و زیر دیپلم ۴۱٪ گزارش شده است.(۲)

در مسیر رشد و توسعه اقتصادی – اجتماعی، هر چه بر پیچیدگی روابط و مناسبات اجتماعی افزوده می شود، فاصله طبقاتی هم بیشتر می گردد و سرخوردگی ها فزونی می یابد و در نهایت به افزایش تعداد خودکشی منجر می شود. از هم گسیختگی پیوندهای سنتی و هم بستگی های اجتماعی و نیز بیگانه شدن با ارزش ها و هنجارهای جامعهٔ خودی، موجب فزونی آمار خودکشی در جامعه و به ویژه در جامعه های صنعتی گردیده است. معمولاً پدیده خودکشی با سایر مشکلات دیگر مثل افسردگی، اعتیاد و... همراه است.

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده که آمار خودکشی مخصوصاً در میان روشن فکران بالاست و بر حسب گزارش این سازمان، در هشت کشور اروپایی، خودکشی خیلی زیاد شده است. یکی از آن هشت کشور سوئیس است که ما آن کشور را نمونه خوشبختی می انگاریم! (۳)

همچنین در فرانسه سالی یازده هزار نفر خودکشی می کنند. (۴)

آمارهای سازمان جهانی بهداشت، نشان می دهد که سالیانه حدود چهارصد هزار نفر به دلیل خودکشی موفق، جان خود را از دست می دهند.

ص: ۹۷

۱- فرجاد، محمد حسین؛ آسیب شناسی کجروی های اجتماعی، ص ۳۱۴ .

۲- همان، ص ۳۱۵.

۳- شهید مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶، ص ۷۵

۴- واحد مرکزی خبر، سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۶/۱/۸۳

خودکشی در ردیف دهمین علت مرگ و میر برای تمام سنین در بیشتر کشورهای جهان است. در حالی که آمار مرگ و میر بیماران خودکشی کرده در بین مردان، سه برابر بیشتر از زنان است، ولی زن ها چهار برابر بیشتر از مردها اقدام به خودکشی می کنند.(۱)

اسلام نیز پدیده خودکشی را مذموم حتی ممنوع می داند. فقهای اسلامی در تفسیر آیه ی ۱۹۲ از سوره ی بقره که می فرماید:

(لا تُلْقُوا بِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَه)؛

با دست های خود، خودتان را به مهلکه نیفکنید.

معتقدند که خودکشی، با دست خود، خویشتن را به مهلکه انداختن است و ناقض دستور خداست؛ بنابراین از گناهان شمرده می شود و ممنوعیت دنیوی و دینی دارد. بدین سان معلوم شد که خودکشی یا «موت بالاراده و بالاختیار» سابقه تاریخی دیرینه ای دارد و ادیان، مذاهب و حکما نسبت به آن مواضع متفاوتی گرفته اند.(۲)

هم چنین خداوند متعال در قرآن کریم می فرمایند:

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل نخورید مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است.(۳)

برخی از مفسران از این آیه نیز چنین استفاده کرده اند که در حقیقت، قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم، اشاره به نکته مهم اجتماعی کرده و آن این که اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد. علاوه بر این که

۱- www.radcom.ir

۲- آسیب های اجتماعی، ص ۲۱۳.

۳- نساء / ۲۹.

انتحار شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است.(۱)

امام محمد باقر(علیه السّلام)می فرمایند:

«مؤمن به تمـام بلاها گرفتار می شود و به هر شـکلی می میرد، اما خودکشـی نمی کنـد».(۲) از این جهت خودکشی در اسلام حرام است.

شهید دستغیب می نویسد:

در قتـل نفس که از گناهـان کبیره، بلکه از اشـد کبـائر است، فرقی بین کشـتن خود یا دیگری نیست. پس کسـی که انتحار می کند، تمام عقوبت هایی که بر قتل نفس مترتب است، بر او هم هست.(۳)

دلایل خودکشی

۱. ضعف اعتقادی و مذهبی

مهم ترین عامل خود کشی، کاهش باورهای دینی و ضعف در اندیشه ها و عقاید مذهبی افراد جامعه است. عدم باروری دینی فرزنـدان از دوران کودکی، نوجوانی و جوانی، ایجاد برخی شـبهات از سوی دیگران یا مواجه شـدن با سؤالات خود اندیش از قبیـل: علت وجود تبعیض ها و تفاوت ها در نظام خلقت، علت وجود آفات و بلایا و مصائب در جهان از جمله مرگ و بیماری های ناعلاج و... و بی پاسـخ مانـدن آن ها، موجب بی هویتی و سـردرگمی اعتقادی وی گشـته و سـپس منجر به بـدبینی، پوچ گرایی و بی هدفی در زندگی خواهد شد.

۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۹۷.
۲- ابوالحسین ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ترجمه محمدرضا عطایی، ج ۲، ص ۴۳۱.
۳- شهید دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱، چاپ ششم، ص ۱۱۸

یکتاپرستان در مورد «شرور و بلاها» معتقدند که وجود هر هیچ چیزی حساب شده است، بدی های وارد شده به انسان یا کیفر عادلانه بدی های او هستند، یا امتحاناتی هدف دار و پاداش آور می باشند.

از این رو انسان های جدای از خدا و مذهب و گروه های بی دین، منحرف و ضعیف الایمان در این گذرگاه خطرناک توقف کرده، آسیب های ناگواری را متحمل می شوند.

بسی دردناک است که آدمی جهان را فاقد ادراک و احساس و هدف بداند. انسانی که خود را فرزند کوچکی از جهان می داند و برای زندگی خویش هدفی قائل است، وقتی چنین بیندیشد که «جهانی که من و فکر مرا به وجود آورده و هدف داشتن را به من آموخته است، خودش هدف ندارد»، سخت به خود می لرزد. کسی که فکر می کند عدالت در جهان نیست و تبعیض و ظلم وجود دارد، اگر همه نعمت های دنیا را هم به او بدهند، بدبین و ناخشنود خواهد ماند. کوشش های چنین کسی برای سعادت خود و نیک بختی نوع بشر با هیچ گونه دل گرمی و امیدی همراه نیست. وقتی پایه هستی بر ستمگری استوار باشد، دیگر عدالت خواهی انسان بی معناست. وقتی اصل جهان بی هدف باشد،هدف داشتن ما، همچون نقش برآب چیزی احمقانه است.

هرگاه افراد بی ایمان گرفتار رفاه مادی شوند، پوچ گرایی آنان نیز افزایش یافته، چه بسا منجر به خودکشی گردد.

شهید مطهری، در تبیین این مسئله می گوید:

«یکی از علل خودکشی او (صادق هدایت) این بود که اشراف زاده بود. او پول توجیبی بیش از حد کفایت داشت، اما فکر صحیح و منظم نداشت. او از موهبت ایمان بی بهره بود، جهان را مانند خود، بوالهوس و گزافه کار و ابله می دانست. لذت هایی که او می شناخت و با آن ها آشنا بود، کثیف ترین لذتها بود، و از

آن نوع لـذتها دیگر چیز جالبی باقی نمانده بود که هستی و زندگی، ارزش انتظار آن ها را داشـته باشد. او دیگر نمی توانسـت از جهان لذت ببرد.

دلیل این که خودکشـی در طبقات مرفه زیادتر است، یکی این است که معمولاً بی ایمانی در طبقه مرفه بیشتر است و دیگر این است که طبقه مرفه، لـذت حیـات و ارزش زنـدگی را درک نمی کننـد، زیبـایی عـالم را احسـاس نمی کننـد، معنـای حیـات و زنـدگی را نمی فهمنـد. لـذت و رفاه بیش از انـدازه، انسان را بی حس کرده، به صورت یک موجود کرخ و ابله در می آورد. چنین انسانی بر سر موضوعات کوچکی خودکشی می کند». (۱)

جابربن حیان از امام صادق (علیه السّلام) سؤال کرد: علت این که بعضی ها در صدد انتحار و خودکشی برمی آیند چیست؟

امام صادق (علیه السّلام) فرمودند:

«افرادی که خودکشـی می کننـد، ایمـان مـذهبی ندارنـد و من یقین دارم که تو تا امروز یک مسـلمان با ایمان را ندیـده ای که خودکشی کرده باشد، مسلمان ممکن است در میدان جهاد کشته شود، ولی دست به خون خود نمی آلاید».(۲)

آمـار و ارقـام نشـان می دهـد، در ممالـک اسـلامی که مردم پایبنـدی بیشتری به مـذهب، آمـار خودکشـی بسـیار کمتر از سایر کشورهاست: آقای هدایت الله ستوده می نویسد:

در سـال ۱۹۸۷ میزان خودکشـی منجر به مرگ در کشورهـای گونـاگون صـفر (مثـل مصـر) تـا تقریبـاً هزار نفر (مثل ماکلنـد- مالدیو) در میلیون نفر نوسان داشـته است، جالب این که در کشورهای مسـلمان و آمریکای لاتین، میزان خودکشی بسیار کمتر از اروپا و آمریکای شمالی و استرالیا بوده است. میزان خودکشی در سوریه

۱- مطهری مرتضی؛ عدل الهی، ص ۱۶۱و۱۶۲.

۲- ری شهری، مهدی؛ مناظره در رابطه با مسائل ایدئولوژی، ص ۸۵.

سه نفر در میلیون و در فرانسه ۴۵۸ نفر در میلیون بوده است.(۱) در گزارش سازمان بهداشت جهانی هم به این مطلب اشاره شده که در کشورهای در حال توسعه- که در حال از دست دادن ایمان هستند-خودکشی زیادتر است.(۲)

۲. اختلافات خانوادگی

بسیاری از پژوهش گران، مهم ترین عامل خود کشی را وجود اختلافات خانوادگی ذکر کرده اند.عوامل متعددی در ایجاد اختلافات خانوادگی تأثیر گذار است که به دلیل تفصیل آن در مباحث دیگر، به اجمال بدان اشاره می شود.

ازدواج اجباری، مخصوصاً بی توجهی به رضایت دختر در ازدواج، یکی از علل اختلافات خانوادگی است. دخالت اطرافیان به ویژه خانواده ها، یکی از مشکلات زوج های جوان در اوایل زندگی مشترك به حساب آمده است. بی توجهی زوجین نسبت به وظایف زناشویی و رعایت حقوق همدیگر، توقعات زیاد و ناسپاسی نیز از عوامل اختلاف برانگیز در خانواده هاست.

وجود اختلاف سلیقه و دیدگاه، گاهی سبب می شود که هریك از زوجین نقاط ضعف دیگری را بسیار اساسی دانسته، با شدت بخشیدن آن، محیط خانواده را بحران زده نمایند.

دیگر عوامل اختلاف برانگیز در کانون خانواده عبارتند از: بددلی و بی اعتمادی مردان نسبت به زنان، آزار و اذیت روحی و جسمی اعضای خانواده، غیرت نابه جای مردان خانواده نسبت به زنان، اعمال خشونت جنسی در میان زوجین، اعتیاد، اعمال فشار از طریق کنترل روابط خصوصی نسبت به دختران جوان و مجرد، به ویژه از جانب پدر و برادر، محدودیت

۱- ستوده، هدایت الله؛ مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، ص ۱۶۴ و ۱۶۳.

۲- مطهری شهید مرتضی؛ عدل الهی، ص ۷۴

ستم گرانه در پوشش و آرایش زنان و دختران، رفت و آمدهای مشکوک برخی زنان، تهدید و ارعاب فرزندان و زنان، بی محبتی و سخت گیری در رفتار با فرزندان و همسر، ازدواج مجدد، وجود روابط ارباب و رعیتی میان والدین و فرزندان، عدم نظارت پدر برخانواده، اشتغالات طاقت فرسای مردان، عدم وجود رفتارها و فعالیتهای عاطفی و... .

۳. افراط در زشت دانستن طلاق

براساس آنچه از آمار و ارقام پژوهش گران و نظریات روان شناسان و مراجع قضایی به دست آمده، با کمال تأسف باید گفت که زشت بودن پدیده طلاق در میان خانواده های دارای مشکل، به حدی جنبه افراطی به خود گرفته که برخی از زوجین به ویژه زنانی که در شدت اختلافات خانوادگی به بن بست نهایی رسیده اند، به جای استفاده از آخرین راه حل معقولانه و طراحی شده از سوی شرع مقدس (طلاق) و نجات جان خود از زندگی فلاکت باری که بر آنان تحمیل شده، تنها راه ارادی و نجات را نابود کردن خویش و ارتکاب گناه کبیره خودکشی دانسته و به آن اقدام می ورزند.

«احمدعلی نوربالا» روان پزشک و استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران در این باره می گوید:

در حالی که در دنیا نرخ خودکشی افراد مجرد دو برابر افراد متأهل است، در ایران اقدام به خودکشی در افراد متأهل بیشتر از مجردهاست». پژوهش هایی که در کشورمان انجام شده، نشان می دهد اختلالات روانی در افراد متأهل بیش از افراد مجرد است و این در حالی است که نهاد خانواده، نهاد آرمانی ماست اما به نظر می رسد که این نهاد، خود نهادی آسیب زا شده است».(۱)

ص: ۱۰۳

۱- (۱۷ تیر ۱۳۷۸) WWW. PARSINE.COM.

دکتر فرجاد، جامعه شناس و استاد دانشگاه نیز در نتیجه گیری خود از وضعیت خودکشی ها در ایران به چند نکته اشاره کرده و نوشته است:

«اقدام خودکشی دز زنان چهار برابر مردان است. اقدام به خودکشی بین متأهلین بیش از مجردین و افراد طلاق گرفته است».(۱)

از مهم ترین عوامل واقعیت های بالا می توان به ازدواج های اجباری اشاره کرد که از سوی والدین و بستگان به افراد تحمیل می شود و بدون اهمیت به نظر دختر و پسر، آنان را ملزم به زندگی مشترک می کنند. در خانواده هایی که دارای ازدواج اجباری هستند، چه بسا پس از نگاه منفی گرایانه و افراطی زوجین به طلاق، آنان را در معرض خودکشی قرار می دهند.

همچنین اعتقاد و پیش بینی برخی زنان در بی پناهی و دربه دری های بعد از طلاق، نگاه تحقیرانه والدین و بستگان به زنان طلاق گرفته، وجود فرهنگ اجتماعی مبنی بر زشت و ناپسند بودن هر نوع طلاق، نابسامانی شدید مالی پس از طلاق، آلوده شدن ناخواسته به انحرافات اجتماعی و جنسی بعد از طلاق، پایین بودن شانس ازدواج مجدد و ... از مواردی است که به ناحق، گرایش به طلاق را به عنوان آخرین راه حل اختلافات خانوادگی کاهش داده و خودکشی را جایگزین مناسبی برای آن می پندارند.

اگر چه تعالیم اسلامی، طلاق را به عنوان یک «حلال منفور» معرفی کرده و موافق جدا شدن زوجین از یکدیگر نیست و برای پیشگیری از آن هم تدابیری اندیشیده است، اما چنانچه سرانجام خانواده ای به هر دلیل به طلاق منجر شد، ضوابط و توصیه های عملی شرع مقدس به گونه ای طراحی و سامان دهی شده که عوارض منفی و آسیب های آن به حداقل برسد. خداوند متعال برای هدایت طلاق در مسیر اخلاق، سه بار مردان را به رعایت

۱- آسیب شناسی کجروی های اجتماعی، ص ۱۵ .

قوانین الهی توصیه کرده و به آنان تذکر می دهد(۱) و می فرماید: «هر کس از حدود الهی تجاوز کند، از ظالمین است.» و در ادامه فرموده است:

(الطَّلاقُ مَرَّتانِ فَإِمْساکٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْریحٌ بِإِحْسانٍ)(۲)؛

طلاق (رجعی که شوهر درآن حق رجوع دارد) دو بار است، پس (در هر بار بر شوهر است یا در عدّه رجوع کردن و او را) به نیکی نگه داشتن و یا (ترک رجوع و او را) به خوشی و احسان رها ساختن.

این در حالی است که مردان نه بخوبی با آنان زندگی می کنند و نه به راحتی آنان را رها می سازند. در این حالت رفتارهای ضد دینی و آزارهای ناجوانمردانه برخی مردان در عدم پرداخت حقوق، نفقه و مهریه زنان، به حدی می رسد که زنان با نادیده گرفتن همه حقوق خویش، تقاضای طلاق کرده، در مسیری سراسر تاریک و سراشیب واقع می شوند. برخی دیگر از این زنان، به دلیل وحشت کاذب خود از آینده و مواجه شدن با ناکامی های اجتماعی و خانوادگی، با کمال تأسف، چاره کار را در ارتکاب گناه کبیره خودکشی می جویند. این بدبینی در تعداد اندکی از مردان هم وجود دارد.

بنابراین، چنانچه در وضعیت کنونی شاهد آسیب های بسیار شدید طلاق مثل خودکشی هستیم، این موضوع ناشی از سه مسئله می باشد:

۱. بی مبالاتی مردان طلاق دهنده نسبت به ضوابط شرعی و عدم تقوا و پایبندی به دین؛

۲. نگاه بدبینانه و غیر هوشمندانه زنانِ در آستانه طلاق؛

۳. وجود فرهنگ طلاق ستیزانهٔ افراطی در اغلب اقشار جامعه.

ص: ۱۰۵

۱- المیزان، ج ۲، ص ۳۵۰.

۲- بقره/ ۲۲۹.

بـدیهی است تنها راه نجات از پدیـده خودکشـی های جای گزین طلاق، تمسک همه اقشار جامعه به دسـتورهای حیات آفرین اسلام است.

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست.

۴. افسردگی

معمولی ترین و مهم ترین علامت آمادگی و گرایش به خودکشـی، افسـردگی است. افسـردگی حادف یک حالت غم و اندوه طولانی است که به فکر، اجازه حرکت نمی دهد و برای فرد، یک زندگی بدون سرگرمی و لذت و آرامش ایجاد می کند. در چنین شـرایطی فرد به نکات منفی زنـدگی و مشـکلات و مرگ فکر می کند و خود را در شـمار بی ارزش ترین و نا امیدترین افراد جـامعه بـه حسـاب می آورد. تقریبـاً هر فردی گهگـاه احسـاس افسـردگی می کنـد و گـاهی تنهـا پاسـخ طـبیعی انسـان به فشارهای زنـدگی، احساس غم و افسـردگی است. عدم موفقیت در تحصـیل یا کار، از دست دادن یکی از عزیزان و... از جمله موقعیت هـایی است که اغلب موجب بروز افسـردگی می شود. افسـردگی تنهـا زمـانی آسـیب زا تلقی می شود که سـنگین تر، فراتر و یـا طولانـی تر از حـدی باشـد که قابل انتظار و توقع معقول از آن حادثه یا واقعـهٔ پیش آمـده است. ویژگی های اصـلی افسـردگی، نااامیـدی و غمگینی است. در این زمان شـخص احساس رکود وحشـتناکی می کند و نمی تواند تصـمیمی بگیرد یا فعالیتی را شـروع کنـد یا به چیزی علاقه منـد شود. شـخص افسـرده به شدت در احساس بی کفایتی و بی ارزشـی غوطه ور می شود و گاه شروع به گریه می کند و ممکن است به فکر خودکشی نیز بیفتد.

یکی از روان پزشـکان به این نکته اشاره می کند که به نظر می رسد بیشتر خودکشـی ها از این احساس فرد افسـرده ناشـی می شود که زنـدگی چنان تحمل ناپذیر است که مرگ، تنها راه فرار از درد سـنگین زندگی، بیماری لاعلاج و فقدان مالی و سایر ناراحتی هاست.

ص: ۱۰۶

فرد احساس درماندگی و نومیدی، تعارض های دوگانه بین زندگی و استرس بی پایان و عدم امکان تغییر در جهت مثبت می کند. این نگرش ها و احساس ها، نگرانی ها، نشانه های ناراحتی است و گام بعدیِ این افراد، اقدام به مرگ عمدی است.

در افرادی که دچار بیماری افسردگی هستند، مقدمات و عوامل زمینه سازی بوده که طی سالیان متمادی به روان آن شخص هجوم برده و در فرد به صورت افسردگی ظاهر شده است. در بین این پیش زمینه ها می توان به موضوعاتی مانند: بیکاری، فقر، اعتیاد، اختلالات خانوادگی، بحران بلوغ در نوجوانان و بحران هویت در جوانان و شکست تحصیلی و... اشاره کرد.(۱)

۵. شرایط اقتصادی

مجرمان اقتصادی و بی کاران، تعداد خودکشی بالایی را به خود اختصاص می هند؛ زیرا بهبود شرایط اقتصادی نشان گر کاهش آن است. هم چنین گرایش جهانی در کاهش میزان خودکشی بین سالمندان، ناشی از اجرای تأمین اجتماعی مربوط به آنان است.

البته بی کاری صرفاً نمی تواند به تنهایی عاملی برای خودکشی باشد، مگر این که با فشارهای خانوادگی (همسر، خانواده) زخم زبان های آن ها و توقعات بی مورد و غیرمعقول توأم گردد. گم کردن پایگاه طبقاتی و به مصداق «هم از گندم ری و هم از خرمای بغداد» محروم شدن، بی اعتنایی و تمسخر اعضای طبقه جدید اجتماعی برای کسانی که یک شبه، ره صد ساله رفته و تلاش در یادگرفتن رسوم و فرهنگ جدید به صورت طوطی وار دارند، نیز از عوامل مؤثر در این باره است.(۲)

۱- مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، خودکشی، ج ۴، ص ۱۴۶.

۲- علل و عوامل بروز آسیب های اجتماعی و راه کارهای مقابله با آن، ص ۱۶۵.

۶. فقر و بی کاری

بررسی پدیده بی کاری بسیار پیچیده و نیازمند کند وکاوی عمیق در مجموعه سیستم اقتصادی یک جامعه است و هیچ مشکلی بنیادی تر از مشکل اشتغال در اقتصاد وجود ندارد. وجود بی کاری و کم اشتغالی، اصلی ترین عامل بدبختی و فقر جوامع به حساب می آید. هر چه امکان اشتغال بیشتر باشد، میزان امیدواری به زندگی و روشن تر شدن آینده و رفاه ملی افزایش خواهد یافت.

نوسانات اوضاع اقتصادی از ویژگی های جوامع نوین به شمار می رود که در زمان بحران و کسادی، فقر و بی کاری افزایش می یابد و از دل گرمی افراد کاسته شده، و روحیه آنان تضعیف می شود. اعتقاد برخی بر این است که کاهش میزان درآمد و سست شدن بنیان اقتصادی جوامع، افزایش جرائم جوانان و ارتکاب انواع جرائم مثل خودکشی را به دنبال دارد.(۱)

۷. کمبود محبت

خودکشی نوعی فریاد برای طلب کمک از دیگران است. فردی که در مواجهه با برخی محرومیت ها یا نا کامی ها جایگاه خود را در میان خانواده یا اجتماع و دوستان از دست داده، به دلیل ضعف در تحلیل موقعیت خود و ناآگاهی خویشتن، با اقدام به خودکشی می خواهد با افراد مورد نظر و علاقهٔ خود، ارتباط برقرار نموده، بدین وسیله توجه آنان را به خود جلب نماید.

۱- مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، خودکشی، ص ۱۴۷.

وظایف پیشگیرانه والدین

۱. تقویت عقاید مذهبی

آنچه در این باره مورد اتفاق جامعه شناسان و روان شناسان، متخصصان علوم تربیتی بوده، بدان اعتقاد قطعی داشته و در همه جوامع مورد تأیید قرار گرفته است، برگرفته از متون و معارف مذهبی است. چه این که در اندیشه اسلامی، نقش سازنده و مهم ایمان به خدا و اعتقاد به روز واپسین بزرگ ترین ابزار کنترلی و مهار کننده انسان در روند زندگی است و احساس گرایش به سوی انحرافات و آسیب های اجتماعی را بسیار کاهش داده است.

یاد خداوند و توجه به قدرت نامتناهی او، بزرگ ترین تکیه گاه آدمی در رویارویی با ناکامی ها و شکست های ظاهری زندگی است و موجب ایجاد آرامش روانی و بالابودن احساس لذت از زندگی می شود:

{ أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ }(۱)؛

همانا قلب ها با یاد خدا آرامش می یابند.

این که صاحبان ایمان از بهترین آسایش و آرامش روانی برخوردارندف از آن جهت است که افراد با ایمان، نظام موجود در جهان هستی را حکیمانه و هدف مند می دانند و هر گونه بلا و سختی را نتیجه سوء رفتارهای خویش و یا آزمایشی الهی برای دست یابی به پاداش خداوندی قلمداد می کنند.

انسان های معتقد به مبدأ و معاد، علاوه بر این که خود را سرایدار جان خویش از سوی خداوند می دانند، برخورداری از همه مواهب و نعمت های دنیوی و ظاهری را لطف حضرت حق شمرده، در نتیجه برای از دست دادن آن غم و اندوهی به خود راه نمی دهند:

{قُلْ إِنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ}(۲)؛

۱- رعد/۲۸

۲- انعام/ ۱۶۲.

ای پیامبر، بگو به درستی که همه عبادت و رفتار و زندگی و مرگ من به دست خدای جهانیان است.

افرادی که دارای جهان بینی الهی و ایمان به خداوند متعال هستند، در سختی های زندگی، شکیبایی به خرج داده،

برای نجات جان خود مرتکب گناه کبیره خودکشی و محرومیت از لطف الهی در دنیا و آخرت نمی شوند؛ از همین رو نرخ خودکشی در جوامع اسلامی و خانواده های مذهبی بسیار پایین تر است؛ زیرا آن ها راه حل همه مشکلات خود را با اتکا به عقاید قلبی و باورهای دینی خود پیدا می کنند و به همین دلیل برای از بین بردن جسم خود تلاشی نمی کنند.

شایسته است والدین محترم همواره برای احیا و تقویت حس مذهبی و استحکام پایه های اعتقادی خانواده و فرزندان خویش، تلاش کنند و با حضور در مساجد و اماکن مذهبی، مطالعه کتب سودمند دینی، ارتباط دوستانه و خانوادگی با افراد و خانواده های متدین، شرکت در مجالس و برنامه های مذهبی، الزام به موقع در انجام وظایف شرعی و صحبت های صمیمانه خانوادگی به این امر مهم و سرنوشت ساز اقدام نمایند.

۲. توجه به علائم خودکشی

اگرچه پیش بینی احتمال خودکشی از سوی والدین یا همسر یا اطرافیان، چندان کار آسانی نیست؛ اما شناخت نشانه های اولیه و علائم آن می تواند در فعال سازی اطرافیان برای پیشگیری و بهبود روانی فرد مظنون به خودکشی، مفید باشد.

اغلب مردم عادی و حتی بعضی از متخصصان گمان می کنند کسی که حرف خودکشی را می زند، دست به این کار نمی زند. البته این گمانف باطل

و خطرناک است و زمانی که نوجوان از خودکشی حرف می زند، باید حرفش را جدی تلقی کرد.

حقیقت غم انگیز این است که بسیاری از نوجوانان یا بزرگسالانی که تهدید به خودکشی می کنند - و با بی اعتنایی روبه رو می شوند یا صرفاً به عنوان افرادی که به دنبال جلب توجه اند، با آنان برخورد می شود- سرانجام اقدام به این کار می کنند. علاوه بر این، وقتی که نوجوانان تهدید به خودکشی می کنند، می خواهند این پیام را منتقل کنند که اشکالی وجود دارد و نیاز به کمک دارند؛ حتی اگر واقعاً قصد نداشته باشند که به عنوان تنها راه حل موجود برای حل مشکلشان به خودکشی متوسل شوند.

مراقبت و توجه به علائم هشداردهنده زیر در افراد افسرده، می توانند نشانه هایی از احتمال ارتکاب به خودکشی به حساب آید:

الف) نا امیدی مداوم.

ب) اختلال در خواب و خوراک.

ج) افت شدید و ناگهانی تحصیلی.

د) انزوای اجتماعی تدریجی و افزایش کناره گیری از دیگران.

ه) قطع یا کاهش شدید ارتباط نوجوان با والدین یا افراد مورد علاقه و تاثیر گذار در زندگی.

و) داشتن سابقه ای مبنی بر اقدام به خودکشی در گذشته

ز) داشتن حالاتی حاکی از بی پروایی و آسیب رسانی به خود.

ح) مصرف الکل یا مواد مخدر و رانندگی بی پروایانه و یا فرار از خانه.

ط) گفتن مستمرجملاتی مثل «ای کاش بمیرم» یا «برای چه زندگی می کنم؟»

ی) ایجاد اتفاقات غیرمعمول در زندگی جوان، مثل شکست تحصیلی.

ک) مرگ ناگهانی یکی ازعزیزان.(۱)

برخی دیگر از علائم ظاهری افسردگی عبارتند از: علاقه نداشتن به شرکت در فعالیت های تفریحی و لذت بخش، بی علاقه بودن به مورد تقدیر و احترام قرار گرفتن، شکایت از مشکلات جسمی و روحی مختلف بدون وجود هیچ بیماری خاصی، بی توجهی به وضعیت ظاهری خود، تغییر فاحش و مقطعی در خصوصیات شخصیتی، نارضایتی از خود و اعتقاد بر بد بودن و غیرقابل اعتماد بودن خود، انجام ندادن فعالیت های عادی و روزمره زندگی، رفتارهای خشونت آمیز، پرخاش گری(۲)، کم کردن وزن، بی حالی، احساس ناامیدی شدید، خستگی زیاد جسمی و روحی، خطای حواس و حافظه، عدم اعتدال در گفتار و رفتار.(۳)

والدین و نزدیکان و تمامی حمایت گران با دیدن علامت های فوق، می باید از طریق صحبت، همراهی، مشاوره دوستان یا نزدیکان، مسافرت یا تفریحات سرگرم کننده، مشکل گشایی، اعتماد بخشی، مراجعه به مراکز روان درمانی و... اقدامات پیشگیرانه و بهبود بخشی خود را نسبت به فرد مورد نظر با شدت پیگیری نمایند.

۳) ازدواج هوشمندانه

والدین بخوبی از این امر آگاهند که یکی از راه های رفع نگرانی ها و آرامش درونی افراد و نیز شخصیت بخشیدن به جوانان و نجات آنان از بحران های پوچ انگاری، تهیه مقدمات و اقدام به موقع و مناسب جوانان برای تشکیل زندگی و ازدواج است. قرآن مجید، ازدواج را مایه آرامش زن و مرد قرار دانسته است: (... لتسکنوا الیها)

ص: ۱۱۲

۱- هنری ماسن پاول، رشد و شخصیت کودک، مترجم: مهشید یاسایی، ص ۷۵۲.

۲- (مجله فرهنگ و پژوهش، مقاله ای با ترجمه مونا مشهدی رجبی) www.fpm.ir .

۳- آسیب شناسی کجروی های اجتماعی، ص۲۸۶.

اگرچه در اهمیت ازدواج سخن بسیار گفته شده است؛ اما آنچه مهم تر از ازدواج است، دقت و توجه در شرایط و صلاحیت های جوان در اقدام به این کار است. لزوم انتخاب و همسر گزینی صحیح، لزوم بلوغ عقلی و اجتماعی جوان، پرهیز از شتاب زدگی و فیصله بخشیدن به آن، در نظر گرفتن مراحل پس از ازدواج از قبیل اشتغال و مسکن، تبیین فلسفه و علت ازدواج و کارکردهای مهم آن، مشاوره و هدایت در چگونگی و اصول زندگی مشترک و رفتارهای مسالمت آمیز، پرهیز از قراردادن جوان در تعارفات و رودربایستی ها، و... از مواردی است که پدر و مادر پیش از اقدام نهایی برای ازدواج فرزندشان، می باید در نظر داشته باشند.

در بین افرادی که دارای ازدواجی هوشمندانه اند، ضریب ناهنجاری خانوادگی و طلاق به شدت کاهش یافته، به دنبال آن نرخ خودکشی نیز به حداقل خود می رسد.

۴. آموزش مهارت های زندگی

لازمهٔ زندگی سعادت مندانه در این دنیا، فراگیری شیوه ها و مهارت های لازم برای تمام خانواده ها، به ویژه زن وشوهرهای جوان است. به یقین اعتماد کردن جوانان به دانسته های ناقص خود(به دلیل عدم تجربه کافی) و عدم استفاده از راهنمایی ها و مشاوره های اطرافیان برای رسیدن به اهداف والای زندگی مشترک، نتایج خوبی را درپی نخواهد داشت.

از این جهت والدین همواره با آموزش مهارت های لازم زندگی در ابعاد مختلف و انتقال تجربیات ارزش مند خود، در کاهش آسیب پذیری فرزندان خویش سهم بسزایی دارند.

آموختن مهارت های زندگی خانوادگی یکی از نیازمندی های اولیه خانواده های نوپا است که در معرض برخی آسیب ها از جمله خودکشی واقع هستند.

ص: ۱۱۳

برخی از این مهارت ها که می باید از طریق والدین به نسل جدید انتقال یابد، عبارتند از: آموزش چگونگی رفتار با همسر در قالب بیان خاطرات و تجربیات خود، توصیه به مطالعه کتب سودمند در این موضوع، آموزش چگونگی برخورد با کمبود های اقتصادی خانواده، توصیه به صرفه جویی مالی، چگونگی رفت و آمد خانوادگی با بستگان همسر، شیوه رفتار با همسایگان و دوستان، پرهیز از چشم و هم چشمی، توجه دادن فرزندان به عقاید مذهبی، توصیه های عفیفانه به فرزند در مسائل زناشویی، چگونگی پوشش در محافل خانوادگی وعمومی، میزان و زمان حضور در منزل و ورود و خروج از آن، لزوم احترام و سرکشی به خانوادۀ همسر، شیوه های واکنش

مناسب در برابر ناسازگاری های همسر، راه های برخورد با عوامل ناامید کننده و دلسرد کننده در ازدواج و ... .

۵. خودشناسی

خود شناسی به معنای شناخت ویژگی های فردی و آگاهی از نقاط ضعف و قوت، خواسته ها، ترس ها، رغبت ها و تمایلات خود است؛ این شناخت به انسان کمک می کند تا تصویر واقع بینانه ای از خود داشته، حقوق و مسئولیت های خود را بهتر بشناسد.

امام علی(علیه السّلام) در نهج البلاغه فرموده: «من عرف نفسه، فقد عرف ربه»؛ شخصی که دارای خودشناسی باشد، به تحقیق خدای خویش را هم شناخته است. از این رو شاید بتوان زیربنایی ترین راه شناخت جهان هستی و خداوند را، شناخت توان مندی های خویشتن دانست؛ این شناخت علاوه برتوان مندی ها شامل ناتوانی ها و نقاط ضعف افراد هم خواهد بود.

کسب این آگاهی ها، نقش مهمی در سلامت و بهداشت روان افراد دارد. نخستین جزء خودآگاهی، شناخت ویژگی ها و صفات خویش است؛ زیرا

شناخت اشتباه ها، نقاط ضعف، نارضایتی ها و شکست ها، نخستین قدم برای تغییر و اقدام برای رفع و اصلاح آن و سپس رشد انسان است.

امام علی (علیه السّلام) فرمودند:

« خداوند رحمت کند شخصی را که بداند از کجا آمده، در چه جایگاهی قرار دارد و به کجا می رود»

. این شناخت همه جانبه انسان از مبدأ و معاد و خودشناسی موجب هدف مند دانستن زندگی و حساب گر دانستن حیات و مرگ او می گردد. این در حالی است که در دهه های اخیر، جامعه شناسان و روان شناسان در بررسی اختلال های رفتاری و انحراف های اجتماعی به این نتیجه رسیده اند که بسیاری از اختلال ها و آسیب ها، ریشه در ناتوانی برخی افراد برای شناخت و تحلیل موقعیت هایشان دارد؛ زیرا افرادی که به درجه کامل خود آگاهی رسیده باشند، در تجزیه و تحلیل حوادث و رفتارهای پیرامونی خود، تصمیماتی حکیمانه و منطبق بر امکانات فردی و اجتماعی خویش گرفته، و هیچ گاه خود را در بن بست نمی بینند. کسب مهارت خودشناسی فواید زیر را برای افراد به دنبال دارد:

الف) در مقابل فشار و ضربه های روانی و اجتماعی مقاومت بیشتری از خود نشان می دهند.

ب) از مشورت با دیگران و افراد صاحب نظر استقبال می کنند.

ج) نسبت به ارزش ها و اعتقادات گاهی دارند و از آن دفاع می کنند.

د) احساس خشنودی و رضایت خاطر زیادی دارند.

ه) برای خود ارزش قائل اند.

و) از روحیه انتقاد پذیری برخوردارند.

ز) اغلب از روحیه مثبت اندیشی برخوردارند.

ح) روحیه همکاری و مشارکت بالایی دارند.(۱)

۱- (پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش)، WWW.RIE.IR

۶. پرهیز از بدآموزی

مراکز خبری و مطبوعـات برای پرهیز از عوارض و آثار منفی اخبار مربوط به قتل ها و خود کشـی ها، می بایـد مسائل تربیتی و جوانب مختلف پخش و بیان و انتشار این گونه حوادث را مد نظر قرار دهند.

در این میـان، نقش اعضـای خـانواده، از جمله پـدران و مادران در کنترل و ذکر این گونه خبرها و حوادث جنجالی برای دیگر اعضای خانواده بسیار حائز اهمیت است. اگرچه بیان اصل ماجرا و مطالب کلی و اجمالی خودکشی ها از رسالت خبری رسانه ها به حساب می آید، اما والدین باید این مطلب را در نظر داشـته باشند که بیان جزییات، ابزارها، عوامل، شیوه ها و شگردهای مربوط به خودکشی، بدآموزی های خطرناکی داشته، چه بسا عواقب اجتماعی غیر قابل جبرانی داشته باشد. این که مرگ یک شخص چگونه بوده است و علت مرگ چه بوده است، چنـدان آسـیب زا نخواهـد بود؛ امـا ارائه جزییـات دقیق و زیاده از حـد، ممکن است دیگران را در به کارگیری روش خودکشی ترغیب کرده، به منزله نوعی آموزش خودکشی در بین افراد عمل کند و تأثیر بگذارد.

۷.سایر راههای پیشگیری

«دکتر فرجاد» در نوشته های تحقیقی خود برخی از راههای پیشگیری از خودکشی را بشرح ذیل بیان کرده است:

الف) با استفاده از علاقه بیمار به زنده ماندن، می توان انگیزه خودکشی را از او سلب کرد؛ زیرا او دارای احساس چند گانگی یا دو گانگی نسبت به مرگ و حیات شده و از طریق این دوگانگی می توان او را منصرف کرد.

ب) ایجاد ارتباط و حمایت نزدیکان(دوست، فامیل، کار فرما، پزشک، روحانی) از فرد مورد خودکشی.

ج) تقسیم کردن قبول مسئولیت فرد خودکشی کرده بین افراد دیگر.

د) جلوگیری از احساس طرد شدن و خواسته نشدن در زنان.

ص: ۱۱۶

ه) جلوگیری از احساس تردید در مورد با کفایتی در مردان.

و) توسعه تماس و ارتباطات اجتماعی با فرد مورد خودکشی.(۱)

ز) کنترل قرص ها و داروهای روان گردان در محیط زندگی افراد.

سخن آخر اینکه، آنانی که گرفتار مشکلات بسیاری در زمینه های خانوادگی، اجتماعی، اقصادی و... هستند، همواره باید به یاد داشته باشند اگرچه خودکشی می تواند یک اقدام پایان دهنده باشد، اما بدترین و آخرین راه حل مشکل بوده و حاکی از ناتوانی و عدم اراده و تدبیر معقولانه در حل مشکلات است. علاوه آن که از گناهان کبیره ای است که خداوند وعده عذاب برآن داده است. همیشه برای بر طرف کردن همه مشکل ها، راه حل های بسیار ساده، ارزان و آبرومندانه ای وجود دارد... .

ص: ۱۱۷

۱- آسیب شناسی کجروی های اجتماعی، ص ۲۸۹.

فرار از خانه

اشاره

امروزه در اغلب کشورهای جهان، پدیده شوم فرار از خانه به یک معضل شدید و آسیب زای اجتماعی تبدیل شده است. از این رهگذر، آفات و آسیب های بسیاری به جامعه و خانواده ها خواهد رسید. براساس این آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه یک میلیون نوجوان سیزده تا نوزده ساله از کانون خانواده خویش فرار می کنند که متأسفانه ۷۴ ٪ آن هادختر هستند.(۱)

البته در موارد اندکی، فرار مردان و زنان متأهل هم به وقوع پیوسته است که این خود، دلایل و آثار جداگانه ای در پی خواهد داشت.

با توجه به این که هر ساله آمار دختران فراری رو به افزایش است و تبعات منفی بسیاری را از خود به جای گذاشته، بررسی این بخش ضروری تر می نماید.

پیامدهای فرار دختران

خانه و خانواده مهم ترین کانون گرم و پناهگاه ایمن فرزندان به حساب می آید، امّا پدیده فرار از خانه، در واقع نوعی تعرض به قاعده کهن و شیوه مرسوم مردمان پیشین و کنونی است؛ زیرا فراریان نه تنها خانه را کانون آرامش ندانسته، بلکه آن را زندان امیال و آرزوهای خویش می پندارند.

آنان می خواهند تا به پندار خود، یک زندگی بهتر و وضعی مطلوب تر بسازند و آرامش و محبت را تجربه کنند؛ اما خواسته یا ناخواسته دچار

۱- روزنامه جام جم، ۱۳ ۱۰/۱۰/۸۰

انحرافات اجتماعی متعددی می شوند؛ بنابراین، پدیده فرار تبعات زیر را در پی خواهد داشت:

فرار دختران می توانـد بزرگ ترین لطمه و ضـربه برای حیثیت و شـرافت خانوادگی فرد باشـد. و نشانه ناکار آمدی خانواده در تربیت فرزندان می باشد.

فرار، آغـاز بی خانمانی و بی پناهی آنان بوده، زنـدگی آینـده آن ها را به تباهی و فساد می کشانـد و احتمال تشـکیل خانواده برای آنان به حد اقل ممکن کاهش یافته، در اغلب موارد به صفر می رسد.

حضور در بانـدهای سـرقت و فسـاد، ابتلاـ به انواع بیمـاری هـا مثـل ایـدز و بیمـاری هـای مقاربتی، ارتکاب انواع جرائم و فساد اخلاقی، روسپی گری، گرفتاری در باندهای توزیع و مصـرف مواد مخدر و از دست دادن سلامت روحی و روانی آنان، برخی از عواقب وخیم فرار است.

اگرچه پدیـده گریز از خانه و سـپس در شـمارزنان خیابانی درآمـدن، عوامل متعددی دارد؛ اما مهم ترین آن را باید در خانه و خانواده ریشه یابی کرد.

عوامل خانوادگی فرار

۱. عدم توجه و اهمیت به مقام دختران

برخی از والـدین بر اسـاس تفکرات پوسـیده و ناپسـند گذشـته و نیز برخلاـف توصـیه هـای دینی و لزوم حفظ کرامت انسانی، جایگـاه و ارزشــی برای جنس مـونث قائـل نیســتند و بـا ســرکوفت زدن هـا و تـوهین و تحقیرهـا، آنـان را موجـوداتی زائـد و غیرکارآمد تلقی کرده و از این راه موجبات فرار دختران از خانه را فراهم می کنند.

بـا توجه به این که به اسـتناد اطلاعـات و تحقیقـات، بیشتر آمـار دختران فراری از این خـانواده های نابسامان، گسسـته و بحران زاست، به کار بستن

ضوابط و شرایط مناسب از سوی والدین در جلوگیری از این پدیده شوم، اولین اولویت در پیشگیری از آن است.

۲. طلاق:

مهم ترین عامل خانوادگی این پدیدهٔ شوم، طلاق می باشد. خانواده ای که یکی از والدین آن (مادر یا پدر) از خانواده جدا شده و با طلاق گرفتن، محیط تربیتی خانه را رها کرده است،

مناسب ترین زمینه و بستر برای فرار فرزندان آن خانه به حساب می آید.

همچنین در خانواده ای که به دلیل از دست دادن پدر یا مادر در اثر مرگ و حوادث طبیعی و...کانون گرم تربیتی متزلزل شده و به یک خانواده از هم گسیخته تبدیل شده است، فرزندان آمادگی بیشتری برای ناسازگاری های اجتماعی و ارتکاب جرم دارند.

در چنین خانواده ای، فرد با احساس ناکامی، محرومیت، کمبود محبت و ارتباط عاطفی مواجه است و در برخی موارد به دلیل عدم پذیرش جانشین (نامادری یا ناپدری)، زمینه اختلالات رفتاری مانند فرار از خانه فراهم می شود.(۱)

۳. خشونت های خانوادگی:

اعمال خشونت های روحی، جسمی و جنسی از سوی اعضای خانواده، عامل بسیارمهمی در فرار دختران است. ضرب و شتم های جسمی نسبت به فرزندان، تجاوزات جنسی پدر یا برادران تنی یا نا تنی، زندانی کردن فرزندان در خانه، محصور کردن فرزند و افراط در عدم حضور در محیط بیرون از خانه، از عواملی است که می تواند نتایج بسیار سوئی در واکنش فرزندان و سپس فرار آن ها گردد.

۱- کتاب زنان، شماره ۱۵.

تحقیقات نشان می دهد که حدود ۷۰ ٪ علل فرار فرزندان را والدین تشکیل می دهند؛ به طوری که از خرداد تا شهریور ماه، وقتی که نوجوانان پس از فراغت از مدرسه نمی توانند محیط نامساعد خانواده را تحمل کنند، به

امید قرار گرفتن در فضایی بهتر و مساعدتر، از خانه فرار می کنند و در فروردین ماه- که اعضای خانواده و فامیل به دید و بازدید و انجام مراسم سال نو مشغول هستند- کم ترین فرار را مشاهده می کنیم. آمار ارائه شده نشان می دهد افرادی که از خانه فرار می کنند، غالباً ۱۴ تا ۲۵ سال دارند و ۸۰٪ آن ها به دلیل ناسازگاری با والدین ترجیح می دهند خانه را ترک کنند.

همچنین برخی اوقات رفتارها و سخت گیریهای به اصطلاح غیرت مندانه برادران و دیگر مردان فامیل نسبت به دختران، آن چنان عرصه را بر دختران تنگ می کند که راه نجات خود را گریز از خانه می دانند.

۴. آشفتگی های رفتاری والدین

اختلالات رفتاری والدین در خانه؛ از قبیل برخورد ها و توقعات غیر منطقی، دعواها، تعارضات گفتاری و عملی آنان موجب ایجاد اضطراب و تنش و بحران های فکری در اذهان فرزندان و اعضای خانواده می گردد. پدر و مادری که از صبح تا شب در بیرون از خانه اشتغال دارند و در پایان روز، با خستگی به خانه بر می گردند، فرصتی برای ابراز محبت و احوال پرسی از خود یا فرزندان خود ندارند. این گونه رفتارهای آشفته موجب کمبود محبت و تربیت ناصحیح می شود و با وجود حضور فیزیکی والدین، نظارت و کنترل تربیتی و غیر رسمی خانواده تضعیف شده، اعتبار اجتماعی خانواده به شدت کاهش می یابد. در چنین وضعیتی فرزندان به علت سرکوب خواسته هایشان و عدم ارضای تمایلات درونی خویش، از کانون خانواده بیزار شده، به رفتارهای نا بهنجاری نظیر فرار از خانه گرایش پیدا می کنند.

ص: ۱۲۱

۵. تبعیض در خانه

برخی از والـدین آگاهـانه یـا غیر آگاهـانه، بـا تبعیض و دوگـانگی بین فرزنـدان به اختلاف بین آن ها و دلسـردی از زنـدگی خانوادگی دامن می زننـد. تبعیض والـدین در برخورد با اشـتباهات و خطاهای فرزندان دختر و پسر، عدم رفتارهای منطقی در مواجهه با اشتباهات و تخلفات فرزندان، تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسران بردختران یا بالعکس

موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی نسبت به والدین می شود. عدم درک کامل والدین از روحیه حساس و عزت نفس

دختران، موجب رفتارهـای تبعیض آمیز شـده، ضـربات جبران ناپـذیری را بر روح و روان آنان وارد می سازد تا جایی که آنان فرار از خانه را بهترین راه درمان ناکامی ها و نجات خویش می دانند.

۶. افراط و تفریط در آزادی

فرزنـدان همواره نیازمنـد به عزت نفس و کرامت انسانی اند. ایجاد آزادی نسبی و اختیارات لازم متناسب با سن و شـرایط افراد از نیازمندی های هرفرد، به ویژه جوانان و نوجوانان است.

برخی از والـدین بـا نادیـده گرفتن این نیازعـاطفی و یـا از روی سـهل انگـاری، فرزنـدان را از آزادی های مشـروع و مورد نیاز خویش محروم کرده، بـا سـخت گیری شـکننده، حق اظهـار نظر و قـدرت تصـمیم گیری در برخی از امور را از آنـان گرفته، با ایجاد جو خشونت و زور گویی های مستبدانه، عرصه را برفرزندان خویش تنگ می کنند و موجب تحقیر و سر خوردگی آنان می شوند. بدیهی است این گونه برخوردهای غیر منطقی موجب شکست شخصیت فرزندان

گشته، آنان را به دنبال فرار از محدودیت ها وارد می سازد.

والـدینی که در محبت ورزیـدن به فرزنـدان از حـد اعتـدال گذشـته، زیاده روی می نماینـد و به اصـطلاح، آنان را «لوس و ناز پرورده» بار می آورند، ناخواسته زمینه انحراف کودکان خود را فراهم می کنند؛ چرا که بدین وسیله

حسّ استقلال کودک را کاهش می دهند و او را در برابر مشکلات و ناملایمات زندگی، فردی فاقد تحمّل و کم طاقت بار می آورند؛ از این رو شخص در رویارویی با موانع طبیعی زندگی، به جای صبر و جست و جوی راه حل منطقی برای حل مسئله، به ساده ترین و سریعترین راه (فرار) روی می آورد، حتّی اگر این راه نادرست و غلط باشد و او را مرتکب جرم نماید، تا او بدین کار مبادرت می ورزد دیگران را زیر پا بگذارد.

از سوی دیگر، توجه بیش از حد متعارف به فرزندان و در اختیار قرار ادن حداکثرامکانات زندگی،بدون در نظر گرفتن ظرفیت ها و نیز غرق کردن فرزندان در توقعات و نیازهای مختلف مادی موجب خواهد شد تا آستانه صبر و مقاومت آنان به شدت کاهش یابد و در مواجهه با کوچک ترین سختی و ناکامی و مشکلات موجود در خانه، عصیان و طغیان نموده، برای رهایی از مشکلات و درهم شکستن مقاومت های اطرافیان، فرار از خانه را برگزینند. چنین فردی پس از فرار نیز اقدام خود را توجیه نموده، با احساس عمیق بیدادگری، خود را محق و والدین خود را متهم می پندارد.

۷. فقراقتصادی خانواده

بنابر روایات رسیده از معصومین(علیهم السّلام) ، چه بسا برخی اوقات فقر و ناتوانی های شدید مالی موجبات تمایل انسان به بی دینی و رها کردن قیود و ضوابط دینی و انسانی و غلتیدن در منجلاب حیوانیت محض خواهد شد.

گاهی فرار دختران از خانه، به خاطر وجود پدری فقیر و معتاد بوده است که حاضر شده به خاطر رسیدن به مواد مخدر، حتی از پاره تن خود نیز بگذرد و با زیر پا نهادن عزت و عفت خانوادگی خود، دختران بی گناه خویش مورد معامله قرار داده، او را در اختیار اجنبی قرار دهد. دخترانی که در چنین خانه هایی زندگی کرده اند، بعد از فرار از خانه،

دارای وضعیت بدتری شده اند، و در دام کسانی افتاده اند که به همان میزان، قوت بخور و

نمیر به ایشان داده و به همان میزان نیز از ایشان کار کشیده اند و البته امنیت جانی ایشان در خانه و بیرون از خانه یکسان بوده است.(۱)

این افراد عمدتاً در سنین ۱۲ - ۱۵ سالگی مبادرت به فرار کرده اند و درصدی از آنان، دارای پدر و مادر بوده، بقیه از داشتن پدر یا مادر و یا هر دو محروم بودند.

۸. اشتغال نامعقول والدین

اگر چه کار و تلاش والدین برای رفع نیازمندی های اقتصادی خانواده امری بسیار پسندیده، مقبول و مقدس به شمار می آید، اما همواره این را باید در نظر داشت که مهم ترین سرمایه جاویدان یک خانواده، فرزندان هستند و تمام تلاش والدین برای حفظ و رشد و تکامل این سرمایه های ارزش مند است. با کمال تأسف برخی از والدین برای افزایش سرمایه های زود گذر و ابزاری، سرمایه های اصلی خود را از دست می دهند. عدم حضور کافی و مناسب پدر در خانه به دلیل اشتغال بیش از حد او و یا اشتغال مادر در بیرون از محیط خانه، از مواردی است که نه تنها موجب کاهش نظارت و کنترل بر فرزندان است، بلکه خود زمینه ساز آسیب های دیگری می گردد.

۹. ازدواج اجباری

در موارد اندکی فرار مردان و زنان متأهل نیز به وقوع پیوسته است. اگرچه این موضوع نیز دلایل و آثار جداگانه ای دارد، اما مهم ترین عامل آن ازدواج اجباری است.

عدم توجه والدین به شیوه صحیح همسر گزینی و انتخاب شریک زندگی و ممانعت والدین از تفکر و اندیشه کافی و مناسب برای تصمیم گیری آزادانه توسط دختران، موجب خواهد شد تا عده ای از

۱- برزگر صادق؛ فرار دختران، ص ۱۳.

دختران، تنها به صلاح دید والدین خویش و برمبنای گرایش های قومی، فامیلی، اقتصادی و.... تن به ازدواج داده، به ناچار آنچه را پدر یا مادرشان انتخاب می کنند، برگزینند.

اگرچه والدین همواره به دنبال خیرخواهی و خوشبختی دختران و پسران خود هستند، اما توجه به روحیات فردی و گرایش های شخصیتی و آرزوهای منطقی فرزندان در انتخاب همسر آینده، از مهم ترین مسائل ضروری و انکار ناپذیر است.

از این رو چنانچه در انتخاب همسر این مهم در نظر گرفته نشود و سرانجام، دختران تن به ازدواج اجباری دهند، چه بسا پس از شروع زندگی، میزان ناسازگاری ها به حد غیر قابل تحمل رسیده، منجر به رها کردن محیط خانواده و گریز از خانه گردد.

البته در برخی موارد ازدواج، اجباری ناشی از برخی فشارها و بحران های فردی، روانی، مالی، اجتماعی و... است که در این حالت تصمیم های نابخردانه زوجین برای ازدواج و عدم مشاوره با دیگران به ویژه والدین، ریشه اصلی به حساب می آید.

۱۰. بستگان بزه کار

وجود فرد یا افراد تبه کار و منحرف یا دارای سابقه فرار در میان اعضای خانواده یا بستگان نزدیک، موجب الگو گیری فرزندان و دیگر اعضای خانواده شده، یا حداقل زشتی و آسیب پذیری فرار را امری عادی و طبیعی جلوه خواهد داد. البته برخی اوقات فرار یکی از والدین سنگین ترین ضربات روحی و تربیتی را بر فرزندان وارد خواهد کرد.

۱۱. آشفتگی خانوادگی

خانواده هایی که به دلیل فقدان یا مرگ پدر یا مادر یا هردوی آن ها و یا به دلیل جدایی (طلاق) و یا به دلیل وجود نقص بدنی والدین از قبیل نابینایی، ناشنوایی و فلج دست و پا و... و به اصطلاح دارای «ازهم پاشیدگی خانوادگی» هستند، قادر به کنترل و نظارت کامل فرزندان نمی شوند.

وظایف پیشگیرانه والدین

اشاره

بسیاری از اوقات، والدین می توانند در جلوگیری از این پدیده، نقشی حیاتی ایفا کنند. در ذیل پاره ای از آن موارد را با هم مرور می کنیم:

۱. توجه به منزلت دختران

بدرفتاری های والدین با دختران در حالی است که دختران در فرهنگ دینی اسلام، جایگاه والایی داشته، از احترام خاصی برخوردارند.

پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله)در باره دختران می فرماید:

«بهترین فرزندان شما دختران شمایند».(۱)

هم چنین می فرماید:

خانه ای که در آن دختر وجود داشته باشد هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان بر آن نازل می شود و رفت وآمد ملائکه از آن خانه قطع نمی شود و برای پدر دختر در هر شب و روز عبادت، یک سال را می نویسند.(۲)

پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله) هم چنین می فرماید:

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۹۵.

۲- طهباسی، احمد؛ شیوه های رفتار با جوانان از منظر ولایت، ۱۶۷.

کسی که از بازار هدیه ای بخرد و آن را برای خانواده خود ببرد، مانند کسی است که صدقاتی را برای افراد بی بضاعت و فقیر می برد. پس باید هنگام تقسیم هدیه، دختران را مقدم بدارد؛ چون هر کس دخترش را شاد کند، مانند آن است که برده ای از فرزندان حضرت اسماعیل را خریده و در راه خدا آزاد کرده است.(۱)

پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله) می فرماید:

«هدایا را میان فرزندان به عدالت تقسیم کنید. اگر من می خواستم فضیلتی را در نظر بگیرم، دختران را مقدم می داشتم».(۲)

روایاتی که در فضیلت دختران آمده است، زمینه را برای این درخواست فراهم می کند؛ از جمله این روایت از امام صادق (علیه السّلام) که فرمود:

«پسران نعمت اند و دختران حسنه؛ خداوند از نعمتی که داد، بازخواست می کند و بر حسنات پاداش می دهد».

و یا در روایت دیگری آمده که دختران دارای گرمی و جاذبه و لطافت معنوی هستند،آمادهٔ خدمت و مونس ند، مایهٔ، برکت و رحمت ند، پاکیزگی را دوست دارند و تحمل پلیدی را ندارند.(۳)

۲. مساوات خانوادگی

رعایت مساوات و پرهیز از هر گونه تبعیض در رفتار با فرزندان از تعالیم اخلاقی دین اسلام است؛ علاوه بر این که توجه بیشتری به دختران و درک روحیات حساس آن ها نیز از سفارش های بزرگان دینی است.

در روایتی از پیامبر(صلّی الله علیه و آله) آمده که ایشان به کسی که به یکی از فرزندان خود چیزی داده بود، فرمود:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۷.

۲- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه؛ ص ۳۶۵.

۳- قائمی، علی؛ سازندگی و تربیت دختران، ص ۸۸.

آیا به همه فرزندانت مثل آن چیز را می دهی؟ گفت: نه. حضرت فرمود: از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید.(۱)

۳. اعتدال در اعطای آزادی و امکانات

والدین باید ظرفیت های مختلف فرزندان خود را شناسایی کرده، به میزان نیاز عاطفی و ظرفیت هریک، آنان را از آزادی در ابعاد مختلف زندگی بهره مند کنند. همچنین در اختیار نهادن پول و یا دیگر امکانات مالی به اندازه ای باشد که موجب سوء استفاده و یا ول خرجی ها و ریخت و پاش های فردی یا دوستانه نگردد.

۴. تعیین منزل دوم

فرزندان همواره نیاز به پناهگاهی ایمن آرامش بخش دارند و چنانچه به طور اتفاقی و تصادفی این مسئله در مقطعی کوتاه در محیط خانواده تأمین نگردد، موجبات رهایی یا فرار فرزندان می شود.

آنان به دنبال مکانی برای رسیدن به آرامش و راحتی هستند و والدین می باید از قبل این مکان مورد نیاز فرزندشان را شناسایی و تعیین کرده باشند. این منزل اضطراری دوم، می تواند منزل یکی از بستگان یا یکی از دوستان مناسب و مورد اعتماد در همان محل یا شهرهای دیگر باشد. البته والدین می باید از پیش، زمینه و مقدمات لازم و ارتباطات مورد نیاز برای گرایش دو طرفه را در این مورد ایجاد کرده باشند. این تدبیر موجب خواهد شد تا پس از فرار، فرزندان در دام شیادان و جنایت کاران به کمین نشسته نیفتند.

این شیوه در باره فرار زنان یا مردان متاهل نیز کاربرد دارد؛ بدین صورت که والدین می باید همواره در منزلشان برای مراجعات یا فرارهای این گونه فرزند متأهل شان باز باشد تا این که در صورت وجود اتفاق فراتر از منزل،

۱- الحیاه، حکیمی محمد رضا، ج۶، ص ۶۱۳

زوجین، به ویژه زنان اولین و بهترین جایگاه برای فرار ر ا منزل والدین خود دانسته، بدان جا پناه ببرند تا از این طریق، از افتادن آنان در

دام شیطان های جنایت کار و فرصت طلب جلوگیری شود.

۵. تأمین حداقل های زندگی

پـدر خانواده از نظر شـرعی و قانونی مکلف به تأمین نیاز های زنـدگی خانوادگی خود است. او به خوبی می دانـد که هرگونه سهـل انگـاری در این مسـئله ضـررها و آسـیب هـایی را برای کانون خانواده درپی خواهـد داشت. انجام این صورت های اولیه برای فرزندان به ویژه دختران، از حساسـیت خاصـی برخوردار است. پاداش کار و تلاش برای تأمین نیاز های زندگی از پاداش جهاد در راه خدا کمتر نیست؛ زیرا نه تنها موجب قطع وابسـتگی انسان به دیگران می شود، بلکه عاملی مهم برای پیشـگیری از انحرافات فرزندان و جوانان است. حضرت علی(علیه السّلام) فرمود:

« اَلْکادُّ لِعیالِهِ کَالْمُجاهد فی سَبیل الله»؛

تلاش گر برای تأمین مایحتاج زندگی، همانند مجاهدت در راه خداست.

۶. پرهیز از خشونت در خانه

بر اسـاس نظر کارشـناسان تعلیم و تربیت، انجـام برخوردهای خشن و رفتارهای تحکم آمیز به منظور مقابله با کـج روی ها، در اغلب مواقع نه تنهـا تأثیری نـدارد بلکه عواقب ناگواری به دنبال خواهـد داشت؛ از این جهت پرهیز از انضـباط سـخت گیرانه و غیر منطقی والـدین نسبت به فرزندان به ویژه دختران، موجب گرایش فرزندان به حضور بیشتر در محیط خانواده است. والدین بایـد این باور غلط را که «کمترین تهدیـدهای رفتاری فرزند را باید با خشونت بیش از اندازه پاسخ گفت»، کنار نهاده، از تنبیه های انتقام جویانه دست بردارند.

۷. جلوگیری از شبگردی

به دلیل این که بسیاری از جرائم اجتماعی، شب هنگام اتفاق می افتد و افراد یا گروه های خلاف کار، در پناه خلوت های ویژه شبانه و یا برگزاری جلسات شبانه، به اهداف خویش می رسند، والدین باید درصدد باشند تا زمان بیرون ماندن فرزندان در هنگام شب را به حداقل رسانده، شب گردی های متعدد و فراوان را برای فرزندان خود یک تهدید جدی به حساب آورند.

ص: ۱۳۰

فصل سوم: انحرافات اقتصادی

اشاره

ص: ۱۳۲

سرقت

اشاره

سرقت از سابقه دارترین جرائم بشری و از آسیب های مهم اجتماع است که در جامعه های مختلف، به شیوه های گوناگون دیده می شود. این پدیده در طول زمان دست خوش دگرگونی ها و تغییرات زیادی شده؛ اما سرقت تنها چیزی است که از بدو پیدایش و شکل گیری آن تا کنون، مفهوم و ماهیت زشت آن ثابت مانده است.

سرقت به معنای ربودن خدعه آمیز اموال دیگران و یا برداشتن مال دیگری بدون اطلاع و رضایت مالك آن است. گرفتن و بردن مال و پول کسی به زور یا مکر و فریب، ربودن متقلبانه شیء متعلق به دیگری از مصادیق دزدی است. از نظر قانون، سرقت تنها وقتی موجود است که شیء موضوع جرم، بدون آگاهی و برخلاف میل صاحب آن از تصرف دارنده قانونی آن به تصرف عامل جرم درآید. لازمه آن گرفتن، برداشتن و ربودن است.

این مطلب را همواره به یاد داشته باشیم که «دزدی» همیشه به معنای برداشتن وسیله ارزش مند از کسی نیست، بلکه همین که هر وسیله و شیء دیگران(هرچند بی ارزش یا کم ارزش) را- که بی اجازه صاحبش برداریم- دزدی محسوب می شود.

عواقب اجتماعی سرقت

سرقت پدیده ای است که می تواند عواقب اجتماعی متعددی را در برداشته باشد. برخی از آن آثار را می توان چنین برشمرد:

۱. اموال و دارایی مردم و افرادی که از طریق فعالیت های اقتصادی صحیح و مشروع، توانسته اند مالک ثروتی شوند، به یغما رفته و حریم مالکیت خصوصی و حق الناس ضایع می گردد. این خود، عامل ایجاد فقر اقتصادی در برخی خانوارها می شود.

۲. احساس تهدید و رعب و وحشت نسبت به اموال و جان مردم از سوی برخی افراد جامعه را ایجاد کرده، همزمان بر هم زننده امنیت مالی و جانی دیگران است. به عبارت دیگر، فرد سارق با ارتکاب عمل سرقت، احساس عدم تعهد نسبت به اموال و جان دیگران و تجاوز به حریم دیگری را تقویت می نماید.

۳. شیوع سرقت تا حد زیادی انگیزه افراد را برای تلاش و کسب دارایی و ثروت از طریق مشروع تضعیف کردهف می تواند رواج دهنده و آسان کننده هرج و مرج در مناسبات و روابط اجتماعی گردد و به دنبال آن موجب تزلزل در بنیان های نظم عمومی و سامان اجتماعی باشد.

۴. احساس رفع نیازهای فردی و جمعی به هر شیوه ممکن از جمله تجاوز به اموال غیر، باعث به وجود آمدن «الگوی سرقت» به عنوان شیوه ای برای امرار معاش و کسب مال و ثروت و انباشت دارایی می گردد.

۵. سارقان در ضمن سرقت، به زمینه ها و راه کارهای دیگری به منظور ارتکاب سایر جرائم اجتماعی دست یافته، از این جهت عامل انحرافات و آسیب های دیگری خواهند شد. از این جهت، سارق کسی است که جسارت ارتکاب تخلفات و جرائم دیگری را پیدا می کند.

شیوه و میزان این انحراف در جوامع مختلف متفاوت و در مواردی شدیدتر است. بر اساس آمار، در بسیاری از جوامع، بیشترین انحرافات پس از فحشا و روابط نامشروع، سرقت است و در برخی دیگر آن را بالاترین و بیشترین انحراف پس از اعتیاد و مصرف مواد مخدر ذکر کرده اند، طبیعی

است که این آمار، در کشورهای مختلف با فرهنگ ها و اعتقادات گوناگون تفاوت دارنـد؛ ولی در همه جوامع با درجات بالا یا پایین وجود دارد.

این جرم در تمام گروه های سـنی دیـده شده و چه بسا کودک، نوجوان، جوان، میان سال و سال خورده، ممکن است مرتکب آن شونـد؛ امـا میزان آن در هر یـک ازگروه های سـنی مختلف متفاوت است. بر اساس تحقیقات به عمل آمـده، کمترین سـن برای ارتکاب سرقت، زمانی است که در کودک احساس مالکیت به وجود می آید و آن، سن چهار - پنج سالگی است.

انواع سرقت

انواع سرقت ها متنوع و متعدد است. اهم آن هادر سطح جهانی عبارتند از:

جیب بری، حمله به بانـک هـا و مغازه ها، حمله به عابران خیابان ها و جاده ها، سـرقت های اینترنتی و الکترونیکی، سـرفت دام وطیور روسـتایی هـا، وارد شـدن به خـانه هـا به شـیوه های گوناگون، دزدی اتومبیل، دزدی در فروشـگاه، کیف زنی و... . این سرقت ها گاهی به صورت عادی و زمانی مسلحانه است که در آن خطراتی نیز برای جان افراد مطرح است.

برخی سـرقت هـا، سازمان یافته و به صورت «بانـدی» است که معمولاً با رهبری یک نفر است و تعـداد نفرات این بانـد، ممکن است محدود و یا ده ها

نفر باشند و گاهی نیز وسیع و بیش از چند صد نفر !

بر اسـاس آمار سارقین دسـتگیر شـده در سال های ۷۶ تا ۸۰ در کشورمان، تعـداد تنها ۶/۰٪ زن و ۴/۹۹ ٪ مرد بوده انـدکه در گروه های سنی ذیل قرار گرفته اند:

تا ۱۷ سال، ۹/۸ ٪ – ۱۸ تا ۲۴ سال، ۱۲/۳۸ ٪ – ۲۵ تا ۳۴ سال، ۲۷/۳۷ ٪ و ۳۵ سال به بالا، ۰۱/۱۵ ٪.

همان گونه که ملاحظه می شود، بیش ترین فراوانی، مربوط به سارقان سنین ۱۸ –

۲۴ سال بوده و حدود ۱۰ ٪ از سارقان دستگیر شده در سن نوجوانی قرار داشته اند که این خود جای بسیار تأمل است.(۱)

علل و انگیزه های سرقت

اشاره

مهم ترین علل و انگیزه های سرقت در دو دسته «روانی – عاطفی» و «اجتماعی – اقتصادی» قابل بررسی است.

الف) انگیزه های روانی – عاطفی

اشاره

این انگیزه، خود دارای علل و عواملی به شرح زیر است:

۱. فقر عاطفی

فقر عاطفی و کمبود محبت، از عوامل فردی سرقت است. افرادی که از اختلالات عاطفی شدید رنج می برند، معمولاً ـ در خانواده هایی رشد یافته اند که در اثر طلاق از هم پاشیده شده، یا والدین تربیت مناسبی را برای فرزندان در نظر نگرفته اند. مرگ یکی از والدین، خشونت های رفتاری والدین و تبعیض بین فرزندان، از هم پاشیدگی خانواده، ستیز

در خانواده و جدایی والدین، باعث به وجود آمدن حالت هایی چون انزوا طلبی، افسردگی و اختلالات رفتاری در فرزندان می گردد و این عوامل به نوبه خود ارتکاب جرم مزبور را آسان می کند.

۲. ناکامی

ناکامی یا محرومیت، اصطلاحی است که در زمینه شکست در ارضای تمایلات به کار می رود و مراد از آن « عدم امکان یا ناتوانی در رسیدن به

۱- حسینی رضا؛ اولین مقالات همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، ص ۹۵.

هـدف» است. وقتی انسان میل دارد به هدفی برسد، ولی به علت برخورد با برخی موانع به آن هدف نمی رسد، در او «ناکامی» ایجاد شده است.

برخی صاحب نظران معتقدند که شـیوع فراوانی سرقت و دیگر تبه کاری ها، در میان گروه های فقیرتر و افزایش آن در دوران سختی و تنگ دستی را، بایـد واکنشـی در برابر ناکامی دانست. وقتی میان امیال شدیـد ما و هدف هایمان صدها مانع غیر قابل شکست و گـذشت وجود داشـته باشـد، با ناکامی و تعارض و تنش های درونی مواجه می شویم؛ به عنوان مثال، جوانی که در خانواده ای فقیر و بی چیز متولد

شـده و در کودکی محبت ندیـده و سـال هـا مورد بی مهری و بی توجهی واقع شـده، احتمالاًـ در بزرگی به غارت گری اموال دیگران دست می زند و این امر، برای او رضایت خاطری را فراهم می آورد که همواره در جست وجوی آن بوده است.(۱)

۲. حسادت

حسد، به معنای آرزوی از بین رفتن نعمت های دیگران است. گاهی فرد با توجه به عدم امکان بهره مندی خود، از دست یابی دیگران به موفقیت و منزلت شایسته رشک و حسد می برد. این فرد چون نمی تواند همانند آن افراد شود، برای جبران ضـعف خویش و آرام کردن آتش درونی خود، دست به دزدی از افراد مورد حسادت خویش می زند.

۳. احساس نا امنی

وضـعیت نابهنجار و اختلالات شدیـد خانوادگی، اختلاف بین پدر و مادر و رفتار خشونت آمیز والدین، از عوامل مهمی است که جـوان را دچـار نگرانی و نـاامنی کرده، در خود فرو می برد و به کنـاره گیری از دیگران، به ویژه پـدر و مـادر می کشانـد. جوان در چنین شرایطی، روابط عادی و

۱- ستوده هدایت الله؛ آسیب شناسی اجتماعی، ص ۱۵۵.

وابستگی های عاطفی خود را با والدین به شدت کاهش داده برای ارضای نیازهای مادی و معنوی خود یا برای انتقام گرفتن از والدین به خاطر محدودیت ها و سخت گیری های نابه جای آن ها، دست به سرقت می زند.

۴. ماجراجویی و قهرمان نمایی

برخی از جوانان برای نشان دادن صفت «کله شقی» و جرئت «حادثه جویی» که برای آن هابسیار ارزش مند است، به بزه کاری رو می آورند. این افراد چنین می پندارند که با انجام برخی کارهای غیر معمول و نامتعارف از قبیل سرقت، ضرب و جرح دیگران یا مصرف مواد مخدر، در چشم همگان «کسی» به حساب می آیند. برخی از این عده هر گاه با موقعیت های مساعدی برای ارتکاب جرم روبه رو می گردند، به دزدی و غارت و اموال دیگران دست می زنند، و اموال مسروقه را با افتخار در اختیار دیگر دوستان می گذارند و بدین وسیله، با ایفای چنین نقشی، علاوه بر نمایش قدرت و مقام خود، نیاز به تعلق خاطر گروهی خود را برآورده می سازند.(۱)

۵. تجربه های دوران کودکی

حوادث تلخ دوران کودکی ممکن است از فرد، شخصیتی جامعه ستیز بسازد که در بزرگ سالی، او را به اعمال ضداجتماعی سوق دهد.چنین فردی دارای کج رویهای چندی است و از اذیت و آزار دیگران و سرقت اموال آن ها لذت می برد؛ زیرا وقتی دست به چنین کاری می زند،گمان می کند انتقام خود را از دنیای بی رحمی که پیش از این مقهور آن بوده،گرفته است.

۱- همان، ص ۱۵۶.

۶. پرخاش گری

پرخاشگری یک نوع واکنش روانی است. فرد به وسیله پرخاش و اعمال ضد اجتماعی می خواهد ناکامی خویش را جبران کند. داشتن روحیه پرخاش گری، رفتاری است که عواقب ناگوار متعددی دارد؛ از جمله موجب خسارت و ضرر و زیان به فرد و یا افراد دیگر می شود. این خسارت می تواند جسمی و یا روانی باشد. اگر چه معمولاً این واکنش موقتاً او را ارضا می کند، اما نه تنها کمکی به رفع ناکامی اش نخواهد کرد، بلکه ناکامی های جدید دیگری را نیز به وجود خواهد آورد. وقتی شخص همه راه های پیشرفت را به روی خود مسدود می بیند و از ارضای نیازهای عاطفی و روانی و مادی خود باز می ماند، در برخی از موارد سعی می کند با اتخاذ روش ها و شیوه های مختلف، به تحریک دیگران یا حمله به آن ها بپردازد یا با غارت گری و تباه کردن اموال دیگران، به یک احساس رضایت موقت دست پیدا کند.

۷. محبت زیاد

زیاده روی در محبت نیز مانع رشد و تکامل شخصیت کودک می گردد.کودکان نازپرورده که در محیط خانواده، تمام توقعات و خواسته هایشان بدون چون و چرا انجام می گیرد، در اجتماع نیز انتظار دارند تمام آرزوهای آنان به زودی برآورده شود. در صورت عدم توفیق و روبه رو شدن با شکست، تصور می کنند که همه علیه آنان قیام نموده، در نتیجه ترسو، خودخواه، پرمدعا و پرتوقع بوده، با قبول عضویت در باندهای مختلف سرقت، می خواهند از جامعه انتقام بگیرند. (۱)

ص: ۱۴۰

۱- پایگاه خبری پلیس ایران News.police.ir

ب) انگیزه های اجتماعی – اقتصادی

اشاره

برخی عوامل اجتماعی – اقتصادی سرقت عبارتند از:

۱. فقر مادی

فقر دارای تعریف علمی نیست؛ زیرا تحت تأثیر زمان و مکان تغییر می کند. اما از جنبه نظری، به معنای کافی نبودن درآمد برای ضروریات زندگی است. فقر به معنای عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخ گویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند: فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... می باشد.

از این جهت، مناسب است که فقر را به معنای «احساس نیاز» بدانیم؛ اگرچه از دیدگاه دینی نیازهای انسان متشرع تعریف شده و محدود است و زیاده خواهی و تکاثر ثروت، مورد نهی قرآن مجید قرار گرفته است.

اساسی ترین علت دزدی، احساس نیاز است. این احساس در افراد مختلف، متفاوت است. ممکن است برای برخی، یک لقمه نان، نیازی حیاتی محسوب شود و برای شخص دیگری، پوشیدن مدل یا نوع خاصی از لباس و.... نیاز اساسی وی به شمار می آید. در هر حال انسان سعی می کند نیاز خود را مرتفع کند و اگر به تنهایی قدرت برآوردن احتیاجاتش را نداشته باشد، به طرق دیگر، حتی اگر تجاوز به حقوق دیگران باشد، سعی می کند نیازش را برطرف سازد تا به آرامش روانی دست یابد.

شاید بتوان گفت که فقر و محرومیت های مادی از مهم ترین عوامل به وجود آورنده انحرافات متعدد اجتماعی، از جمله سرقت، در همه افراد به ویژه دزدی در کودکان و نوجوانان و حتی بزرگ سالان است. فقر، ناملایمات و مشکلاتی را به دنبال دارد. حال اگر اعتقادات مستحکم مذهبی و اخلاقی بر فرد حاکم باشد هرگز به سوی دزدی نمی رود. از این جهت

ص: ۱۴۰

نیـاز و تهیـدستی، امکانـات رفـاهی، تفریحی، تحصـیلی و حتی غـذایی را از خـانواده های فقیر می گیرد. افرادی که دزدی می کنند، معمولا خانواده هایی نابسامان و بی سـرپرست دارندکه برای سیر کردن شکم خود از دوران کودکی و نوجوانی با کیف زنی و جیب بری و دزدی از مغازه ها شـروع می کننـد و تا بـدان جا می رسـند که ماهرانه وارد منازل مردم شـده، اشـیا و لوازم قیمتی آن ها را می دزدند.

رسول گرامی اسـلام (صلّی الله علیه و آله)فرمود: «کادَ الْفَقْرُ اَنْ یَکُونَ کُفْراً»(۱): چه بسا فقر، انسان را به ورطـهٔ کفر و بی دینی خواهد کشاند.

بر این اساس بسیاری از اوقات خوشبختی و بدبختی، ترقی و انحطاط، تضاد و تشاجر، جرم و جنایت که در خانواده ها و جوامع بشری به وقوع می پیوندد و گاهی مفاسد عظیم و غیر قابل جبرانی به بار می آورد، از مسائل اقتصادی سرچشمه می گیرد.

در واقع دزدی در این گونه افراد دو بُعـد دارد؛ یکی انتقـام جویی و دشـمنی بـا جـامعه و دیگری رفع نیازهای شخصـی. در اثر تقسـیم ناعادلانه ثروت، اختلاف طبقاتی در جامعه شدت می گیرد و فاصـله فقیر و ثروت مند به اوج خود می رسد. با گسترش ماشـینی شـدن زنـدگی، بخش عمـده ای از کارهـا در کارخـانه هـا توسـط ربـات ها و ماشـین های مکانیکی انجام می گیرد و بالطبع، نیاز به استفاده از نیروی انسانی کاهش می یابد. همراهی این دو عامل و تقسیم ناعادلانه ثروت و ماشینی شدن کارها به شیوع بی کاری، ولگردی و گـدایی منجر خواهد شد. با ماشـینی شدن هر کارخانه، تعداد زیادی از کارگران بی کار می شوند و خانواده های آنان در معرض خطر فقر و گرسنگی قرار می گیرند. فرزندان این خانواده ها مجبور می شوند برای

۱- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۷، ص ۴۹۸.

گذران زندگی، مشاغل کاذب مثل سیگار فروشی اختیار کنند؛ و اگردرآمد مناسبی کسب نکردند،حتی دست به دزدی بزنند.

به این ترتیب، چه بسا نیازمندان با توسل به شیوه های غیرقانونی و ضد اجتماعی به فکر فقر زدایی و نجات خویش بوده، به سرقت یا جنایت کشیده شوند. اگر کمبودها در کل جامعه شدید باشد، یا بخش های بزرگ جامعه در فقر به سر برند، به طور طبیعی دزدی، سرقت، جیب بری، باج خواهی و راه زنی نیز شیوع پیدا خواهد کرد.

بنابراین، فقر و کمبود مالی، ناآگاهی و بی سوادی را به دنبال می آورد و حتی هویت فرهنگ جوامع را دست خوش تغییر می کند و پس از انحراف فرهنگی، زشتی و ناپسند بودن بسیاری از اعمال خلاف و منافی عفت از بین رفته، جامعه دچار آسیب های شدیدی می شود. رابطه اوضاع اقتصادی و انواع کج روی های اجتماعی، خصوصاً دزدی، در تحقیقات متفاوتی به اثبات رسیده است. در کشور سوئد همراه با صنعتی تر شدن، رشد دزدی در نوجوانان کاملاً مشهود است.

از برخی متون دینی ارتباط بین فقر و سرقت فهمیده می شود؛ برای مثال، دربارهٔ نحوهٔ اجرای احکام از سوی حضرت علی (علیه السّلام) روایت شده که:

آن حضرت انگشتان دست جوانی را که دزدی کرده بود قطع کرد. چند روزی او را نگه داشت و فرمود که از بیت المال به او لباس، غذا و دوا بدهند.(۱)

در عین حال که جوان به خاطر عمل ضد اجتماعی خود مؤاخذه می گردد، اما برای این که دوباره به این عمل دست نزند، از نظر مالی تأمین می گردد، زیرا در غیر این صورت، جوان بار دیگر مجبور خواهد شد به سرقت و دزدی ادامه دهد.(۲)

۱- دشتی محمد، امام علی و مسائل قضائی.

۲- مجله معرفت، ش ۱۱۶، ص ۱۵۵.

آیه الله جوادی آملی در تفسیر سوره حضرت ابراهیم، با بیان این که هیچ فردی فطرتاً خلاف کار به دنیا نیامده است، فرمودند: «فقر اقتصادی و اخلاقی، جوانان را به اعتیاد، سرقت و بزه کاری می کشاند؛ اما جامعه ای که افراد آن از لحاظ اقتصادی زندگی متوسط و قابل قبولی داشته باشند، قابلیت رشد فرهنگی دارد.(۱)

البته نمی توان ادعا کرد که اگر موجبات رشد و پیشرفت اقتصادی و امکان رفاه و آسایش پدید آید، همه مسائل و دشواری ها از بین خواهد رفت، بلکه می توان معترف شد که اگر احتیاجات اولیه انسان برآورده شود، جلوی بسیاری از مفاسد و انحرافات گرفته خواهد شد.

همچنین گاهی اوقات رفاه اقتصادی و وضع مالی خوب، در رفتار جوانان اثر معکوس می گذارد؛ مثلاً وقتی که ارزش پول را درک نمی کنند، ممکن است عادت به ول خرجی و خوش گذرانی های مضر پیدا کرده، در نتیجه آدمی بی کار ولاابالی بار آمده، زمینه های انحراف و ارتکاب جرم در وی تشدید می گردد.

۲. معاشرت با دوستان ناباب

اولین و مهم ترین عامل مستقیم سرقت، ارتباط با فرد یا گروه بزه کار و منحرفی است که باعث انحراف و سارق شدن فرد می گردد.

رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران؛ یعنی منحرفان و دوستان ناباب، آموخته می شود و از این رو، داشتن دوستان ناباب و تأثیر معاشرت با آن هادر گرایش فرد به سوی سرقت نقش اساسی دارد؛ از این رو، رهبران و دستور های اسلام، ما را از ارتباط و

معاشرت با افراد منحرف، بزه کار و دوستان ناباب باز می دارند.

در سخنان پیامبرگرامی(صلّی الله علیه و آله) آمده است:

۱- سایت تبیان/ حوزه علمیه، اخبار حوزه.

«المرءُ علی دین اخیه»(۱)؛

هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می کند.

حضرت علی (علیه السّلام)نیز فرمودند: « مجالسه اهل الهوی منساةُ الایمان و محضره للشیطان»(۲)؛ همنشینی با هواپرستان موجب فراموشی ایمان و حاضر شدن شیطان در زندگی می شود.

دوستی و رفاقت با افراد منحرف، اگر هیچ تاثیر منفی بر ای انسان نداشته باشد، حداقل موجب اتهام و بدنامی او می گردد؛ از این رو امام صادق(علیه السّلام) می فرمایند: « لاتَصْحَبُوا اَهْلَ الْبِدَعِ وَ لاتُجالِسُوهُم فَتَصیروا عِنْدَالنّاس کَواحِدٍ منهُم»(۳)؛ با افراد منحرف هم نشین نشوید؛ زیرا هم نشینی با آنان موجب می شود که مردم شما را یکی از آنان به شمار آورند.

همان گونه که هم نوایی با هنجارها و ارزش های پذیرفته شده جامعه از طریق ارتباط با افراد و دوستان خوب و مناسب ایجاد می گردد و افراد از طریق حضور در جمع گروه ها و دوستان خویش، ملزم و معتقد به ارزش های دینی و فرهنگی می شوند، همچنین افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن نیز گرایش به گناه و ارتکاب تخلفات و جرائم پیدا می کنند.(۴)

بنابراین، هر گاه والدین هیچ گونه کنترل، نظارت و شناختی از دوست نوجوان یا جوان خود نداشته باشند، چه بسا او افرادی را به عنوان دوست برگزینند که بر خلاف ارزش های فرهنگی و سنت های جامعه باشد. در این صورت رفتارهای او دارای پیامد های مثبت نخواهد بود. دوست سارق، نوجوان را به دزدی می کشاند و به همین سادگی است که پدر و مادر با اندکی سهل انگاری و غفلت، در یک چشم بر هم زدن، هنگامی به خود

۱- اصول کافی، کتاب «الایمان و الکفر مجالسه اهل المعاصی»، ذیل حدیث ۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

۳- اصول کافی، کتاب «الایمان و الکفر مجالسه اهل المعاصی»، ذیل حدیث ۳.

۴- مجله معرفت، ش ۹۱، س ۱۴، ص ۴۱.

می آیند که نوجوان سر به راهشان، به جرم سرقت یا کیف زنی در چنگک قانون گرفتار شده است.

به موجب تحقیقی که در ایران انجام شـده، ۴۲ ٪ سارقان تحت بررسـی، دوستان نابابی داشته و ۷۵ ٪ آن هارفت وآمـد زیاد و طولانی با هم داشته اند.(۱)

۳. فقر فرهنگی

روان شـناسان اجتماعی، جرم و کج روی ها را سرپیچی از هنجارها، رسم ها، سنت ها و قوانین جامعه می دانند. رسوم و قوانین هر جامعه مجموعه ای از ارزش های فرهنگی آگاهانه یا ناآگاهانه است و از نسل های قبل به نسل های بعد منتقل می شود که مورد احترام است و تجاوز به آن جرم محسوب می گردد.

فقر فرهنگی، نقش اساسـی در ایجـاد جرم دارد. اغلـب دزدان به دلیـل محروم بـودن از باورهـای دینی، بی اطلاعی از رعـایت حرمت هـا و آداب و رسوم، نداشـتن دانش و اطلاعـات اجتمـاعی، بی خـبربودن از قوانین و مجـازات هـای حقوقی و نیز عـدم برخورداری از مهارت های اجتماعی لازم،اسـتفاده از همه ابزارها و راه های رسـیدن به اهداف خود را باز و بدون مانع شرعی، عرفی و قانونی پنداشـته، مرتکب سرقت می شوند. افراد بی سواد در اثر فقدان امکانات رشد فکری، برای پیشرفت و ترقی خود از شـیوه های غیرفرهنگی از قبیل توان مندی های جسمی و قدرت بدنی بهره می گیرند. برخی از اینان نیز بدلیل همین نقص و ضعف فرهنگی و اجتماعی، فریب دیگران را خورده و ناگهان خود را در باتلاق جنایت می بینند.

ص: ۱۴۶

۱- قربان حسینی علی اصغر، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، ص ۲۶۲.

۴. بی کاری

بی کـاری عامـل مهم دیگری در ایجـاد فقر است و فقر نیز از عوامـل اصـلی سـرقت و جرم محسوب می شود. بی کـاری از دو جهت در ازدیاد سـرقت نقش دارد: یکی وجود فرصت های اضافی و خالی بودن اوقات فراغت، بـدین صورت که هرگاه افراد جامعه به ویژه جوانان، فرصت های اضافی داشته باشـند و این فرصت ها از مجرای صـحیح و درست مورد استفاده قرار نگیرد، طبعاً به روش هـای غیراصولی و ضـداجتماعی کشـیده می شونـد. موارد بسـیاری از دزدی ها یا تبهکاری هایی که از روی بی حوصلگی یا برای تنوع و سرگرمی صورت می گیرد، نمونه هایی از این نوع است.

از جهت دیگر، نداشـتن درآمد کافی برای گذران زندگی به طوری که هر فرد بی کار به ناچار باید به شـکلی زندگی خود را بگذراند و برای این گذراندن باید درآمدی داشـته باشد. چون کسب چنین درآمدی نمی تواند از راه ها و شیوه های درست و قانونی تأمین شود، چه بسا فرد به راه های غیرقانونی کشیده می شوند و از طریق دزدی هزینه گذران زندگی خود را تأمین می کنند.

بر اساس نتایج به دست آمده از یک پژوهش در یکی ازاستان های کشور در بارهٔ علل و عوامل سرقت در میان جوانان، حدود ۴۷ ٪ از این افراد یا بی کارنـد و یا فاقـد درآمد و حدود ۶۹ ٪ افراد سـارق و خانواده های ایشان، زیر «خط فقر» قرار دارنـد! در حالی که به گزارش بانک جهانی، میانگین شهروندان ایرانی که زیر خط فقر زندگی می کنند، از ۴۷ ٪ در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) به ۱۶ ٪ در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) کاهش یافته است.(۱)

۱– هفته نامه خبری علمی برنامه، ش ۳۵، ۵/۷/۱۳۸۲، ص ۴.

۵. مهاجرت

مهاجران، اغلب مردمانی کم بضاعت و تنگ دست اند که به خاطر کار و تأمین نیاز های مادی، وابستگی های بومی خود را فراموش کرده، به شهرها روی می آورند. مناظر تازه و فریبنده شهرها تمایلات جدیدی را در آنان به وجود می آورد که به آسانی، توانایی خوگرفتن با آن ها را ندارند. این عدم تطبیق، خود باعث انحراف از مقررات اجتماعی و ارتکاب جرائم می شود.

همچنین غریبه بودن مهاجران و ناشناس بودن آنان، موجب جرئت و جسارت بیشتر ایشان برای ارتکاب برخی جرائم و گناهان خواهد شد.

بدون در نظر گرفتن انگیزه مهاجرت ها باید گفت که در مهاجرت های خانوادگی- که شامل تمامی اعضای یک خانواده می گردد- والدین برای تربیت و هدایت فرزند خود، دچار مشکل خواهند شد و چنانچه تدبیرهای جدید و صحیحی برای وظایف تربیتی خود نیندیشند، دیگر نخواهد توانست مانند گذشته- که در شهرستان کوچک خود زندگی می کردند- بر روی فرزند خویش کنترل و تسلط داشته باشد. از طرف دیگر فرزندان هم با مشاهده رفتارها و فرهنگ جدید شهروندان، دچار تضادهای فکری و فرهنگی شده، به دنبال آن، هویت خود را کم و بیش از دست می دهند. این بحران هویت موجب فاصله گرفتن فرهنگی از والدین خود می گردد و این خود، باعث بروز زمینه هایی برای بزه کاری آنان می شود.

نتایج تحقیقات نشان می دهد که عوامل مؤثر در بزه کاری نوجوانان مهاجر عبارتند از: نبود خانواده و کنترل والدین بر اعمال فرزندان، مهاجرت نوجوان به تنهایی، وجود تعارض فرهنگی بین مبدا و مقصد مهاجرت، بی کاری یا اشتغال کاذب سرپرست خانواده یا نوجوان در مقصد مهاجرت، سکونت در مناطق فقیرنشین و زندگی در مکان هایی که خود منشا و اساس بسیاری از بزه هاست، پایین بودن تحصیلات نوجوانان، و احساس ناکامی

ص: ۱۴۸

ناشی از عدم دست یابی به هدف هایی که پیش از مهاجرت مورد نظر نوجوان مهاجر بوده است.

جوانانی که به تنهایی خانواده را رها کرده به امید تحقق بخشیدن به آرزوهای خود، زادگاه خویش را ترک می کنند، چون نمی توانند در شهرهای دیگر به خواسته های خود برسند، به کارهای خلاف کشیده شده، بیشتر از سایرین دچار رفتار انحرافی می شوند.

البته برخی از انواع مهاجرت ها برای ادامه تحصیل، پی گیری درمان یا سکونت های الزامی، خدمت سربازی و... در

شهرهای دیگر است که به نوبه خود می تواند آسیب هایی داشته باشد.

۶. شهرنشینی

گسترش بی رویه شهرها و انبوهی جمعیت، گسترش صنایع در شهرهای بزرگ و فراوانی کار و امکان به دست آوردن نیازمندی های زندگی موجب شده که بسیاری از ساکنان شهرهای کوچک تر و روستاییان به شهرهای بزرگ کوچ کنند؛ شهرهایی که از لحاظ فرهنگی، اخلاق، رسوم و آداب، پای بندی به نظام سنتی و مذهبی و جهان بینی و... با معتقدات و مقررات ده نشینی متفاوت است؛ از این رو تازه واردان به این شهرها، گرفتار سرگردانی و بی اعتقادی به نظام ها و مقررات اجتماعی جدید شده، به انواع انحرافات کشیده می شوند. این عده نیز به دلیل نرسیدن به هدف مهاجرت خود مجبور به سکونت در محله های جرم خیز می شوند. و زمینه های ارتکاب جرم از جمله سرقت در آنان افزایش می یابد.

در برخی از شهرهای بزرگ، بزه کاری تمرکز فراوانی دارد و یا در نواحی خاصی متمرکز می شود و فرزندان مهاجرانی که به زندگی در این

محلات جرم زا کشیده می شوند، با تقلید و پیروی از بزرگ سالان، بعد ها راه آنان را می پیمایند.(۱)

سایر عوامل

البته عوامل فردی دیگری از قبیل: ضعف حس اخلاقی، قوی بودن حس تملک در اطفال، هوس بازی، تفریح و خوش گذرانی (درآستانه بلوغ)، حرص و طمع در به دست آوردن مال و ثروت، رسیدن سریع به اهداف اقتصادی، تنبلی و تن پروری، غرور و خودبینی، احساس گناه، خودخواهی، نفرت، شهوت رانی افراطی، بی تقوایی، قدرت طلبی، جنون ثروت، شهرت طلبی، ضعف اراده و اختلالاتی مانند اضطراب، حقارت و تزلزل شخصیت از مهم ترین عوامل روانی سوق دهنده فرد به سرقت هستند.

همچنین عوامل اجتماعی دیگری نظیر: محیط خانوادگی، رفتارهای برادران و خواهران، وجود افراد باسابقه سرقت در خانواده یا بستگان، شغل و میزان تحصیلات پدر و مادر، خصوصیات اخلاقی و ضعف ایمان و مبانی اعتقادی والدین، چگونگی گذران اوقات فراغت، تأ ثیر رسانه های گروهی، اعتیاد به الکل و موادمخدر، قمار، فحشا و جرائم جنسی، محل سکونت و... را نباید از یاد برد.

وظایف پیشگیرانه والدین

اشاره

مهم ترین راه های برخورد با انحرافات و خلاف کاری ها، مقابله با عوامل به وجود آورنده آن هاست؛ برخوردهای مقطعی و موردی با افراد خلاف کار به نتیجه دل خواه منجر نشده، مبارزه ای قطعی محسوب نمی شود.

ص: ۱۵۰

۱- روان شناسی رشد، ص ۱۷۸.

پدر و مادر برای جلوگیری از این نوع انحراف و پیشگیری از آثار زیان بار سرقت باید به امور زیر توجه نمایند:

۱. تقویت اعتقادات مذهبی

سرقت و برداشتن اموال دیگران بدون رضایت مالک آن، از گناهان کبیره ای است که خداوند در قرآن مجید، وعده عذاب بر آن داده است. به همین دلیل، میزان جرم و جنایت و دزدی در کسانی که اعتقادات مـذهبی قوی دارنـد، به شـدت پایین است. تمام ادیان آسـمانی (یهود، مسـیح و اسـلام) و نیز مکاتب دیگر، دزدی و غارت اموال دیگران را نکوهش کرده اند. از این رو افراد مذهبی، حرمت اموال دیگران را رعایت می کنند؛ زیرا معتقدند این کار، گناهی

نابخشودنی است و لـذتی که از این اموال و امکانات در زنـدگی دنیایی به دست می آید، با ذلت و عذابی که در آخرت بدان گرفتار خواهند شد، قابل مقایسه نیست.

مطالعات و تحقیقات نشان می دهـد تا زمانی که اعضای جامعه پای بنـد به اعتقادات مذهبی خود باشـند، خود و فرزندانشان به فساد و بزه کاری روی نمی آورنـد. در پژوهشـی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال ۱۹۵۹م. صورت گرفته، ۷۲ ٪ نوجوانان بزه کار- که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند- نماز نمی خواندند و ۵۳ ٪ آنان در ماه رمضان روزه نمی گرفتند.(۱)

بنـابراین، از آنجـا که ایمـان و اعتقادات مـذهبی، مهم ترین سـد دفاعی در مقابل جرائم به حساب می آیـد، لازم است والـدین محترم از دوران کودکی روح ایمان و باورهای دینی و اعمال مـذهبی را در فرزنـدان خویش تقویت و تثبیت کنند و با تکیه بر مسائل اخلاقی و تقویت ارزش های دینی و ایجاد

۱- فولادی محمد، مجله معرفت، شماره ۹۱.

باور به معاد در وجود خود و فرزندانشان، آنان را از این گونه انحرافات باز داشته، هرگونه آسیبی را در دوران زندگی شان از آنان دور کنند.

۲. تأمین نیاز های روحی و عاطفی

توجه به نیازهای روحی و عاطفی کودکان و نوجوانان به ویژه محبت و ساختن فضای مطلوب و آرام خانوادگی در عدم گرایش آنان به سوی سرقت بسیار تأثیر گذار است. اولین و مهم ترین وظیفه خانواده، تأمین محبت در میان اعضای خود و سپس اشاعه و ترویج این ارزش از راه ایجاد روابط محبت آمیز و دوستی های ژرف در میان افراد جامعه است. کانون خانواده، آموزشگاه مقدس محبت است و مهر و محبت والدین را می توان «ویتامین روانی» فرزندان نامید. با محبت والدین شایسته و نیکوکار، همه احساسات و عواطف عالی در نهاد کودک شکفته می شود؛ از این رو وجود رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان مورد تأکید روان شناسان قرار گرفته است.

مهر و محبت در تکوین شخصیت افراد نقش قابل توجهی دارد. چنانچه فردی از شناخت لازم و کافی برخورد باشد، اما از جهت عواطف و احساسات، ارضا نشده باشد؛ مثلاً ـ دچار کمبود محبت والدین باشد، همین مسئله می تواند موجب بروز اختلالات رفتاری و انواع انحرافات گردد.

۳. نظارت بر دوستان

دوستی با هم سالان برای نوجوانان و جوانان بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا آن ها در یک محدوده سنی قرار دارند و با شکست ها، محدودیت ها، علایق، تشویش ها، اضطراب ها و احساسات مشابهی روبه رو هستند. البته نه تنها برای نوجوانان، بلکه برای بزرگ سالان نیز بسیار اساسی و آرامش بخش است که کسی را داشته باشند و بتوانند آیینه وار در او بنگرند؛ او را در افکار و احساسات خود شریک کرده و ناگفته های خود را با او در میان بگذارند.

ص: ۱۵۲

نوجوانان از هم سالان خود الگو می گیرند. به خصوص از دوستانی که محبوبیتی در بین گروه هم سالان دارند، تقلید کرده، سعی می کنند راه حل هایی که آنان برای مشکلات برگزیده اند، بکار گیرند.

نظارت مستمر و نامحسوس و نیز مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان و رفت و آمد و ارتباط آن هابا دوستانشان، از وظایف والدین است. بدیهی است شناسایی روحیه، افکار و وضعیت خانوادگی دوستان فرزند، بخش مهمی از وظیفه نظارتی والدین به حساب می آید.

تشویق و هدایت او به ارتباط با دوستان مناسب، اظهار ناخوشایندی از ارتباط با دوستان غیر مناسب و بیان نقش و آثار دوستان، آگاهی بخشی منطقی و مستدل فرزندان در باره نقش سازنده یا مخرب دوستان، تأثیر مثبتی برتصمیم گیری های فرزندان در دوست یابی دارد.

در یک پژوهش، ۵۰ ٪ بزه کاران و سارقان اظهار کرده اند که دوستان ایشان توسط پلیس دستگیر شده اند و نیز حدود ۴۷ ٪ از آنان، دوستانی نوعاً خلاف کار داشته اند! ۵/۸۷ ٪ از آنان نیز اظهار کرده اند که دوستان ناباب، نقش زیادی در سارق شدن آنان داشتند. و ۵۳ ٪ از همین افراد اظهار کرده اند که به خاطر جلب توجه دوستانشان دست به سرقت زده اند.(۱)

۴.تأمین نیاز های مالی

تأمین ضرورت ها و حداقل های زندگی و نیازمندی های مالی خانواده و لوازم مورد نیاز فرزندان، حس گرایش به سوی سرقت برای برآوردن نیازهای آنان را کاهش می دهد. بر اساس قواعد فقهی و حقوقی اسلام، پدران شرعاً موظف به تأمین مایحتاج زندگی همسر و خانواده خویش اند و سهل انگاری در این وظیفه، عواقب شرعی و اجتماعی وخیمی خواهد

۱- همان.

داشت؛ بنابراین، والدین نباید با ایجاد محرومیت ها و سخت گیری های نامعقول در خرید و تهیه لوازم زندگی، عامل انحراف فرزندان خود شوند.

۵. معقول بودن توقعات

والدین باید از طریق بیان و صحبت های منطقی و قابل پذیرش برای اعضای خانواده، به ویژه فرزندان خود، سطح

توقعات مادی و مالی آنان را در حد متعادل و قابل قبولی نگه دارند. لزوم واقعی بودن درخواست ها و تقاضاهای مالی فرزندان، پرهیز از چشم و هم چشمی از سوی فرزندان په ویژه دختران، ارتباط و توجه به خانواده های کم بضاعت و به اصطلاح نگاه کردن به طبقات پایین تر از خود در مسائل اقتصادی و مالی، از توصیه های بزرگان دینی محسوب شده است.

البته رعایت این اصول و توصیه های دینی از سوی والدین ضروری تر بوده، دارای اولویت است. فرزندان با نگاه به رفتارها و درخواست های والدین خود، تناسب در گفتار و رفتار والدین را احساس کرده، درس خواهند آموخت.

۶. قناعت پیشگی

قناعت و اکتفا کردن به حداقل های زندگی از سفارش های دین اسلام است. ایجاد روحیه قناعت و مناعت طبع در اعضای خانواده، به ویژه فرزندان از طریق صحبت های دوستانه و بیان خاطرات افراد و خانواده های قانع- که دارای زندگی شیرینی بوده اند- در ایجاد این روحیه و صفت نیکوی اسلامی مؤثر است.

همچنین بیان نمونه های عینی در جامعه و برخاستن نخبگان و دانشمندان جهان، از میان خانواده های قانع و کم بضاعت یا متوسط جامعه و ارائه کتاب ها و شرح زندگی بزرگان، می تواند در ایجاد این ویژگی ارزش مند دخالت بسیاری داشته باشد.

ص: ۱۵۴

۷. پرهیز از اسراف

اسراف و تبذیر، ریخت و پاش های بی حد و حصر و تهیه یا خرید لوازم غیر مورد نیاز، از صفات مسلمانی نخواهد بود و خداوند در قرآن مجید اسراف کنندگان و تبذیر گنندگان را برادران شیطان معرفی کرده و آنان را از محدوده دوست داران خود بیرون دانسته است. پرهیز از سفره های رنگین، خرید وسایل تجملاتی و بی مصرف، کنار نهادن فرهنگ مصرف گرایی و... از اموری است که موجب کاهش هزینه های زندگی شده، خودکفایی و اقتدار اقتصادی خانواده و در نهایت رهایی از فقر اقتصادی رابه همراه دارد.

۸. آموزش مهارت های مالی(مدیریت پول)

آموزش مهارت های زندگی در زمینه اقتصادی و مالی از قبیل: بیان حلال و حرام های شرعی، میزان و چگونگی پس انداز، خرید و هزینه های زندگی، تدبیر و تنظیم و هماهنگی و ایجاد اعتدال میان درآمدها و هزینه ها، از جمله مسائلی است که والدین با رعایت و آموزش آن به فرزندان خود، می توانند وضعیت کنونی خود و آینده فرزندان خویش را سامان داده، از این طریق از برخی انحرافات اقتصادی خانواده جلوگیری به عمل آورند.

۹. بهینه سازی اوقات فراغت

براساس آمارهای متعدد نیروهای انتظامی، اغلب جرائم و تخلفات در ایام تعطیلی مدارس، به ویژه فصل تابستان اتفاق می افتد. توجه به این موضوع و نیز استفاده ارزش مند از وقت و عمر فرزندان، وظیفه والدین را در آن ایام دوچندان می کند.

برنامه ریزی مناسب برای مفید سازی اوقات فراغت فرزندان در ایام تعطیلی مدارس، هدایت و تشویق آنان برای شرکت در برنامه ها و کلاس های مناسب یا گارگاه های صلاحیت دار و مورد علاقه آنان و نیز

برنامه ریزی برای مسافرت ها و تفریحات سالم در اوقات فراغت، از دیگر راه کارهایی است که والدین را در صیانت اجتماعی فرزندان یاری می کند.

۱۰. پرهیز از ترک تحصیل

والـدین و مربیـان محترم به خوبی می داننـد که جـدا شـدن افراد از محیـط کلاس و مـدرسه و ترک تحصـیل، در اغلب اوقات حـاکی از وجود برخی بحران هـای روانی و اختلالـات اجتماعی بوده، اولین گام برای گرایش به سوی انحرافات است. اگرچه این سخن در همه موارد ترک تحصیل قابل پذیرش نیست؛ اما حداقل زنگ خطری برای والدین به شمار می آید.

والدین باید در برابر برخی درخواست های نامعقول و به ظاهر منطقی فرزندان از قبیل حضور در مدارس شبانه و بزرگ سالان یـا ادامه تحصـیل به شـیوه غیرحضـوری و امثـال آن، مقـاومت کرده، از آن نهی کننـد؛ زیرا در بسـیاری مواقع این شـیوه هـای تحصـیلی شگرد و مقدمه ای برای ترک تحصیل و پذیرش آسیب های اجتماعی خواهد بود. همچنین تشویق و ایجاد انگیزه در فرزندان به ادامه تحصیل و سپس وارد شدن در مقاطع تحصیلی بالاتر، بر عهده پدران و مادران است.

۱۱. عبرت آموزی

آگاه کردن فرزندان نسبت به عواقب دنیوی و اخروی، احوال شوم سارقان و غارت گران اموال عمومی و خصوصی مردم، بیان مجـازات هـای قضایی و محرومیت های اجتماعی که در قانون برای این دسـته از مجرمان در نظر گرفته شـده، می توانـد درس عبرتی برای فرزندان شود تا از فرو رفتن در منجلاب جنایت و فساد مصون بمانند.

۱۲. ایجاد اشتغال

برکسی پوشیده نیست که بی کاری از مهم ترین عوامل انحراف و ریشه بسیاری از جرائم محسوب می شود. تلاش و فعالیت والدین برای ایجاد اشتغال مناسب با شئون خانوادگی و شخصیتی برای خود و فرزندان، از عوامل مهم در جلوگیری از آسیب های اجتماعی است.

والدین می توانند از طریق حمایت های مادی و معنوی و نیز زمینه سازی برای اشتغال آنان تلاش کنند. همچنین می توانند فرزندان را در مسیری هدایت کنند تا آنان با فراگیری حرفه و مهارتی خاص و مناسب، توان مندی اجتماعی و حرفه ای برای اشتغال و کسب درآمد مکفی پیدا کرده و قادر به زندگی فردی خود باشند. البته اشتغال خود از موضوعاتی است که نیاز به بررسی هایی دارد زیرا هر نوع اشتغالی موجب جلوگیری از انحراف نخواهد بود بلکه چنانچه در کاریابی و اشتغال به جوانب آسیب زای آن توجه نشود، چه بسا آن خود مشکلی دیگر و عامل انحراف گردد.

در این میان اشتغال بانوان و مادران از حساسیت بسیار خاصی برخوردار است و عدم توجه به شرایط و ضوابط آن، نتایج ناگواری را در پی خواهد داشت. توجه به نوع، زمان و مکان کار و مشکلات رفت و آمد به محل کار، ویژگی های کارفرما و همکاران، میزان درآمد حاصله از آن، سختی و راحتی کار، مدت حضور در محل کار، آسیب های احتمالی، تبعات عدم حضور در خانه، رها کردن موقت وظیفه مادری و... از جمله مسائلی است که زنان محترم جامعه می باید پیش از اشتغال، به آن بیندیشند.

در یک پژوهش از میان سارقان، بالاترین تراکم مشاغل افراد سارق، مربوط به مشاغل کارگری، رانندگی و دام داری بوده است. عموماً مشاغل

ص: ۱۵۷

افراد سارق، از نوع مشاغل سطح متوسط به پایین جامعه است. این نوع مشاغل عموماً پرزحمت و کم درآمد هستند. (۱)

۱۳. ایجاد و تقویت عزت نفس

یکی از دلایـل بزه کاری افراد، نبودن یا کم بودن عزت نفس و اعتماد به نفس در انسان هاست. عـده ای از جوانان و نوجوانان تمایـل شدیـدی به جلب توجه دارنـد. این گروه وقتی موفق نمی شونـد توجه مثبت اطرافیـان را جلب کننـد، سـعی می کننـد با شیطنـت هـای منفی خـود، این تـوجه را به دست آورده، نیـاز روحی خـود را برآورده سازنـد. همین امر بـاعث بروز رفتارهـای نامناسب در افراد می شود؛ مثلاً برخی به خاطر ضعف نفس و حقارت درونی خویش، حتی با چاپ شدن عکس شان به عنوان یـک خلاف کار در روزنامه، خوشـحال شـده، لـذت می برنـد. یک عـده هم به خاطر اختلال شخصـیتی به بزه کاری و تخلف گرایش پیـدا می کننـد. والـدین به خوبی می داننـد که کاهش اعتماد به نفس و عزت نفس نوجوان، باعث افزایش عمل دزدی می شود. در صورتی که رفتارهای تقویت کننده کرامت و عزت نفسانی نتیجه ای جز کاهش عمل دزدی ندارد.

والـدین بایـد تلاش کننـد تا فرزندانی با کرامت و عزت نفس بالا پرورش دهند تا آن ها بدانند که آن چنان اراده ای دارند که می توانند بر تمام نیازها و مشـکلات فائق آیند. باید به کودک آموخت که حتی در صورت سـخت ترین گرسـنگی ها، بسـیار شرم آور است که شکم خود را با دارایی دیگران سیر کند. تمامی نظریه پردازان امور اجتماعی و تربیتی اعتقاد کامل دارند که وجود عزت نفس در انسان،جلوی بروز بسیاری از انحرافات- که

۱- فولادی محمد، مجله معرفت، شماره ۹۱.

زاییده هوای نفس است- را می گیرد. تحقیر، توهین و تنبیه بدنی مکرر فرزندان، آن ها را انسان هایی پست و ناکارآمد و ضعیف جلوه می دهد.

آیه الله جوادی آملی با بیان این که هیچ فردی فطرتاً خلاف کار به دنیا نیامده است، تصریح کرده که وقتی حیثیت و عزت انسان لگدکوب شود، دست به هر کاری می زنند.(۱)

۱۴. الگو سازی

نیاز انسان ها به الگوها و مصادیق عینی و عملی زندگی، بر کسی پوشیده نست؛ بدیهی است چنانچه این عطش و نیاز طبیعی از مسیر صحیح خود تغذیه نگردد، عناصر دیگری آماده هستند تا از این عطش انسانی سوء استفاده کرده، آنان را با شراب مسموم خود سیراب نمایند.

الگو سازی و معرفی و ارائه الگوهای خوب به جوانان، موجب می شود از دنباله روی آن ها به سمت الگوهای غربی جلو گیری شود.

شناسایی و معرفی الگوهای مناسب برای کودکان و نوجوانان و بیان شرح زندگی و ماجراهای تلخ و شیرین زندگی آنان و بیان عوامل و دلایل برجستگی های معنوی و اجتماعی آنان، می تواند در بیدار سازی و هوشیاری فرزندان نسبت به پرهیز از انحرافات و روی آوردن به صراط مستقیم الهی و دوری از گناهان تأثیر گذار باشد.

معرفی الگوهای مناسب و بیان سرگذشت دانشمندان مذهبی و ایرانی به جوانان، تهیه متون و کتب معتبر و متعدد شرح زندگی الگوهای زندگی (امامان، پیشوایان دینی، والدین مناسب، شخصیت های مذهبی، نخبگان علمی، چهره های برجسته اجتماعی و...) در این راستا مناسب خواهد بود.

۱- سایت تبیان/ حوزه علمیه، اخبار حوزه.

۱۵. پرهیز از مهاجرت

جلوگیری والدین از مهاجرت های غیر ضروری خود یا فرزنداان، تلاش برای ادامه تحصیل فرزندان در محل سکونت خانواده، پرهیز از مسافرت های طولانی مدت فرزندان، مسافرت به شهرهای بزرگ برای دست یابی به کار و درآمد، بدون برنامه ریزی و محاسبات قبلی، از جمله تدابیری است که موجب پیشگیری از جرائم اقتصادی، به ویژه سرقت می شود.

بررسی سرقت در کودکان

در تمام سرقت ها و در کلیه رده های سنی از کودک تا کهن سال، مسئله ای به نام «نیازمندی» مطرح است که البته بی توجهی یا برخورد نا مناسب در مقابل «نیاز کودکان» دارای آثار تربیتی نامناسب است و عواقبی ناخوشایند و نامشروع در آینده او خواهد داشت.

بزه کاری در دوران نوجوانی بیش از کودکی است؛ زیرا نوجوان به آن حد از کمال فکری رسیده که اختلاف طبقاتی موجود در ساختار جامعه را درک کند.کودک، هنگامی مفهوم تبعیض را با تمام وجود لمس می کند که با کودکان هم سن و سال خود مواجه می شود و می بیند به لحاظ ظاهری هیچ تفاوتی با آن ها ندارد؛ اما او چه لباس هایی پوشیده و چه امکاناتی در اختیار دارد و چگونه زندگی می کند، می فهمد کودکانی که متعلق به طبقات بالای جامعه هستند، از هر گونه نعمتی برخوردارند؛ اما او، خانواده و یا بسیاری از نزدیکان و همسایگانش مفهومی برای راحتی ندارند. می بیند تنها به دلیل اوضاع اقتصادی نامطلوب، تا چه حد به دیده تحقیرآمیز به او می نگرند. پس به عنوان واکنشی در برابر این گونه ناکامی ها و فشارهای بی اندازه ای که زندگی به آن ها وارد می کند، دست به طغیان زده، برای احقاق حق خود دست به هر عملی می زند که به ستیزه جویی با جامعه، به خصوص «دزدی» منجر می شود.

ص: ۱۶۰

در سرقت کودکان باید توجه داشت که کدام نیاز یا نیازهایی کودک را به ارتکاب این کار واداشته است. گاهی کودک به چیزی علاقه داشته و آن را از کودک دیگری که آن شی ء را در اختیار دارد، برمی دارد. همچنین بعضی از کودکان برای این که خود را نشان دهند و از سایر بچه ها عقب نمانند، بدون اجازه از منزل پول برمی دارند.

هنگامی که والدین با درخواست های کودک با پرخاش گری برخورد می کنند، در کودک این ذهنیت به وجود می آید که در مقامی نیست تا به صورت مشروع خواسته خود را مطرح کند و این مسئله به همراه عوامل یاد شده از علت های مهم گرایش به سرقت در جوانان و نوجوانان است.

یکی از کارشناسان تربیتی می گوید: «با توجه به این که برخی از کودکان برای جلب توجه، برخی برای انتقام و تعدادی نیز برای بیان احساس کینه توزی نسبت به والدین به سرقت مبادرت می کنند. وقتی که کودکی اسباب بازی یا شیء ناشناسی را در دست دارد، مادر و پدر از دیدن آن آزرده و نگران شده و با خشونت با وی رفتار می کنند؛ ولی این چاره کار نیست! به هیچ وجه نباید او را دزد نامید، بلکه باید فهمید چرا او چنین کاری کرده است.

شاید کودک به دلایل خاصی مرتکب سرقت شده؛ حسادت نسبت به خواهران و برادران دیگر، ابتدایی ترین علت است ولی در تکرار چنین کارهایی باید به جست وجوی

دلایل دیگر پرداخت؛ نظیر: کم بودن پول توجیبی، احساس کمبود توجه، احساس حقارت و....

کودک به دلیل این که هنوز به آن مرحله از رشد نرسیده تا بتواند بین مالکیت خود و دیگران فرق بگذارد و احساساتش به مراتب بیش از عقل اوست، به همین علت به محض این که چیزی به نظرش جالب و

دوست داشتنی بیاید بدون این که به عاقبت کار خود بیندیشد، درصدد به دست آوردنش بر آمده و آن را بر می دارد ! (۱)

کودک ذاتاً غاصب نیست و ضایع کردن حقوق دیگران از باطن ذاتش سرچشمه نگرفته است. این ها پدیده هایی است عارضی و اکثر کودکان دچار این رفتارها و اعمال در زمان کودکی می شوند. چه بسیارند افراد پرهیزگار و درستی که در ایام کودکی از این خطاهای کوچک داشته اند، اما به مرور زمان با رشد میزان تعقل و درک آن ها؛ دیگر دست به چنین اعمالی نزده اند. البته نباید به

محض دیدن این عمل کودک، آن را بر حسب کودک بودنش بی اهمیت دانست؛ بلکه در همان کودکی نادرست بودن وغیر اخلاقی بودن کارش را به او گوشزد نمود و در صدد علاج و چاره جویی برآمد. در مواردی هم ممکن است در اثر تکرار این خطاهای کوچک، کودک در آینده نیز به همین صورت برخورد کرده، مشکلات فراوانی ایجاد شود. بنابراین از همان زمان کودکی باید با آن برخورد کرد؛ زیرا اگر کودک به این عمل عادت کند، ترک عادت دشوار است.

حضرت علی (علیه السّلام) در این باره می فرماید:

«ترک عادت دشوار ترین کارهاست».(۲)

کودکی که از همان اوان کودکی این رفتار ها در او رشد کرده و به صورت یک عادت در آمده و والدین هیچ برخوردی در خصوص این رفتار منفی کودک نداشته اند این عمل برای او عادت می شود؛ طوری که به سختی می توان آن را از کودک جدا نمود.

۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، .۸۷/۰۲/۲۸

۲- غررالحکم، ص ۱۸۱.

عوامل سرقت کودکان

ممکن است عوامل گوناگونی باعث به وجود آمدن این رفتار در کودک شود. والدین باید با شناسایی این عوامل به درمان آن پرداخته، از به وجود آمدن این عمل در کودک جلوگیری نمایند.

۱. یکی از علل به وجود آمدن این صفت منفی در کودک، محدودیت های والدین در تأمین نیازهای کودک است.(۱)

بنابراین، اگر در کودک نیازی احساس شد، در حد امکان نیاز او برطرف شود؛ خواسته های او تأمین گردد و از ایجاد محدودیت پرهیز شود.(۲) البته لازم است ضمن تأمین نیازهای کودک، به وی تذکر داد و او را در حد درک خودش سرزنش کرد تا به اموال دیگران دستبرد نزند.

۲. یکی دیگر از علل تجاوز به مالکیت دیگران، تماشای فیلم ها و برنامه هایی است که شیوه این عمل را به کودک می آموزد و این صفت زشت را از این برنامه ها یاد می گیرد.همچنین داستان هایی که از رادیو می شنود یا در

کتاب می خواند، ممکن است برای او بدآموزی هایی داشته باشد. بنابراین والدین موظفند زشتی این عمل را به کودک گوشزد کرده، او را از انجام چنین اعمالی بازدارند و عواقب کار به کودک بازگو شود تا کودک متوجه اشتباه خود شده، دیگر به سراغ آن عمل نرود. (۳)

۳ . رفتار والدین ممکن است یکی از علل به وجود آمدن این عمل در کودک شود؛ طوری که پدر یا مادر مخفیانه اموال شخصی یکدیگر را برداشته، مورد استفاده قرار می دهند. کودکی که شاهد این ماجراست، عملاً تضییع مالکیت دیگران را از آن ها می آموزد.

۱- آیین تربیت، ص ۲۷۰.

۲- همان، ص ۲۷۱-۲۷۰.

۳- آیین تربیت، ص ۲۷۱-۲۷۰.

۴. در برابر دست بردهای کوچک کودک نباید او را مورد تحقیر و سرزنش قرار دهند و این عمل کودک را مکرراً به او یادآوری کنند که این، خود عامل بی حیایی و توهین به کودک شده، او برای جبران این حقارت ممکن است عمل خود را ادامه دهد. بنابراین باید در برابر این کار با ملایمت و نرمی با او برخورد کرده، زشتی کارش را بازگو نمود.

۵. در مورد اطفالی که مرتکب جرائمی همچون سرقت می شوند، والدین و اطرافیان باید به این نکته توجه داشته باشند که به دلیل شرایط سنی حساس و ویژه این قشراز افراد جامعه، نباید عناوین مجرمانه ای از قبیل دزد و جنایتکار و... را در مورد آن ها به کار برند؛ زیرا برچسب زنی این عناوین روی کودکان، می تواند از نظر روحی و شخصیتی تأثیرات زیان باری بر آنان داشته باشد.

ص: ۱۶۴

حرام خواری

اشاره

یکی از عوامل مهم در پیدایش گناهان و ناهنجاری های اجتماعی در جامعه، لقمۀ حرام است که با از بین بردن نورانیت دل، انسان را در روی آوردن به بزه کاری، گستاخ می سازد. استفاده ازمال حرام و اجتناب نکردن از آن، از صفات رذیله ای است که از نتایج حب دنیا و حرص بر آن است و از مهم ترین عوامل هلاکت انسان و بزرگ ترین موانع رسیدن به سعادت بشری است؛ زیرا همان گونه که غذای سمی، جسم انسان را مسموم می کند، غذای حرام، روح انسان را آلوده می نماید. به همین دلیل خداوند درقرآن از یهودیان تیره دل و کار شکنی که سدی در مقابل راه دین بوده اند، به عنوان (اَکالُونَ السُحت)(۱): «بسیار حرام خور» یاد کرده است.(۲)

در تعالیم اسلام، آیات و روایات بسیاری درباره توجه مردم به مال حلال و پرهیز از حرام خواری وجود دارد. این دستورها مردم را به رعایت حقوق مالی یکدیگر و عدم دست درازی به اموال دیگران خود سفارش نموده:

{وَلاَ تَأْكُلُواْ أَمْوَلَكُمْ بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتَدْلُواْ بِهَآ إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُواْ فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَا لِ النَّاسِ بِالْاْثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ}(۳)

۱- بقره / ۲۴.

۲- محسن قرائتی، گناه شناسی، انتشارات پیام آزادی، صص ۱۰۳-۱۰۴

۳- بقره/۱۸۸.

اموال یکدیگر را به باطل و ناحق نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم از روی گناه، قسمتی از آن را به عنوان رشوه به قاضیان ندهید، در حالی که می دانید این کار گناه است.

در این آیه، پس از نهی مردم از هرگونه مال حرام، به طور ویژه از رشوه خواری که یکی از راه های حرام خواری است- نهی شده است.

البته پرهیز از لقمه حرام معنای گسترده ای دارد و تنها به غذای حرام اختصاص ندارد. منظور از حرام خواری، هر نوع استفاده از اموال، لوازم و امکاناتی است که از راه موازین شرعی و احکام الهی به دست نیامده و ضوابط اقتصاد اسلامی در تهیه آن رعایت نشده باشد. بنابراین، استفاده از ثروت و امکاناتی که از راه دزدی، رشوه، ربا، کلاه برداری، اختلاس،کم کاری، گران فروشی و کم فروشی به دست آمده و نیز اموال بدون پرداخت خمس و زکات، استفاده و بهره برداری از اموال دیگران بدون اجازه مالک، تصرف کردن در اموال منقول یا غیر منقول دیگران، استفاده از بیت المال مسلمین از موارد لقمه حرام و خوردن باطل محسوب می گردد. همچنین خوردن و آشامیدن چیز هایی که از نظر شرعی ممنوع است، از قبیل گوشت مردار و شراب نیز از این موارد محسوب می گردد؛ زیرا آن دو نیز یکی از راه های تصرف غیر مجاز و بدون اذن الهی است که اثراتی سوء در زندگی فرد می گذارد.

در روایتی از معصومین(علیهم السّلام) چنین آمده: «ترک یک لقمه حرام در پیشگاه خداوند، از دو هزار رکعت نماز مستحبی بهتر است و برگرداندن یک دانگ(یک ششم درهم) از مال حرام به صاحبش، از هفتاد حج مقبول بهتر است. (۱)

۱- سفینه البحار، ج۱، ص ۴۴۸؛ بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۷۳.

حسابرسی اموال

حسابرسی اموال در قیامت از اموری است که بزرگان دین در آن باره بسیار سفارش کرده اند. ماجرای زیر که در متون دینی آمده میزان و چگونگی حسابرسی از اموال و دارایی های به دست آمده را روشن می کند:

رسول خدا (صلّی الله علیه و آله) فرمود:

در قیامت مردی را می آورند که از راه حرام، مال جمع کرده و در راه حرام خرج کرده، فرمان می آید که او را به دوزخ ببرند. دیگری را می آورند که از راه حلال مال جمع کرده؛ اما در مسیر حرام مصرف نموده است، فرمان رسد که او را نیز به دوزخ ببرند. مردی دیگر را می آورند که از طریق حرام اموالی گرد آورده و آن ها را در امور حلال خرج نموده است، خطاب آید که او را نیز به جهنم ببرند. فرد دیگری را می آ ورند که از راه حلال مال گرد آورده و در مسیر حلال نیز مصرف کرده است، خطاب می رسد که: بایست، شاید در به دست آوردن این مال در یکی از واجبات دینی خود کوتاهی کرده ای؛ مثلاً نماز را از وقتش به تأخیر انداخته ای یا در کارهای رکوع و سجود و وضوی آن کوتاهی نموده ای.

وی جواب می دهد: نه، پروردگارا ! مال را از حلال به دست آوردم و در راه حلال خرج کردم و چیزی از واجبات را فروگذار نکردم.

به او می گویند: شاید این مال را وسیله فخرفروشی و مباهات در مرکبی یا لباسی مصرف کرده ای، پاسخ می دهد: نه، خداوندا! آن را وسیله فخرفروشی و مباهات قرار ندادم.

خطاب می رسد: شاید حق یکی از خویشاوندان و یتیمان و مسکینان یا کسانی را که امر کردم به آن ها بدهی، ادا نکرده

باشی! می گوید: نه، پروردگارا! حق هیچ یک از کسانی را که امر فرمودی ضایع نکردم.

در این وقت این صاحبان حق می آیند و با او مخاصمه می کنند و می گویند: پروردگارا! مال به او عطا کردی و او را توان گر ساختی و در میان ما قرار دادی و به او امر کردی که از آن به ما هم بدهد. اگر توانست از عهده مخاصمه

برآید و معلوم شود که حق آنان را داده و چیزی از فرایض از او ضایع نشده و در چیزی فخرفروشی و مباهات نکرده؛ خطاب می رسد: بایست! شکر نعمتی را که به تو ارزانی داشتم، از آنچه خورده ای و آشامیده ای و لذتی که برده ای به جای آور... و بدین سان همواره مورد سؤال و محاسبه است».

از بیم این خطر است که یکی از اصحاب پیامبر(صلّی الله علیه و آله)گفت:

«خشنود نیستم که روزی هزار دینار از حلال به دست آورم و در راه اطاعت خدا خرج کنم با این که آن کسب مرا از نماز جماعت باز دارد. به او گفتند: خدا تو را رحمت کند، چرا؟ گفت: می خواهم از ایستادن و محاسبه روز قیامت بی نیاز باشم، آنجا که خداوند می فرماید: بندهٔ من! از کجا آوردی و در چه راهی خرج کردی؟

رسول خدا (صلّی الله علیه و آله)فرمود:

«بعد از من بیش از هر چیز بر امتم از این کسب های حرام و شهوت پنهانی و ربا بیمناکم».

سپس ادامه داد:

«وقتی که مردی از راه غیرحلال مالی را کسب کند، سپس با آن مال به حج رود و لبیک گوید، ندا آید: لا ـ لبیک و لا سعدیک. اما اگر از راه حلال باشد، این ندا را می شنود: لبیک و سعدیک. کسب حرام پیامدش در اولاد انسان آشکار می شود».(۱)

۱- (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی)، www.hawzah.net .

مهمترین اقسام حرام خواری

۱.ربا

ربا از دیگر مصادیق حرام خواری محسوب می گردد و در همه ادیان آسمانی حرام شمرده شده است. در بررسی حرمت ربا در دین یهود می توان با مراجعه به تورات،موارد متعدد تحریم ربا را یافت. از جمله این که در تورات آمده است: «اگر وجه نقدی به فقیری از قوم من –که همسایه تو باشد– قرض دادی، مثل ربا خوار با او رفتار مکن و هیچ سودی بر او مگذار» یا در جای دیگر آمده است: « اگر برادرت نیازمند شد، به او قرض بده و از او سود یا منفعتی طلب مکن» در این دو فراز یهودیان به صراحت از ربا منع شده اند.

با توجه به گستردگی معاملات و امور تجاری در زندگی امروزی، رعایت این اصل مهم اقتصاد اسلامی؛ یعنی تن ندادن به خرید و فروش و معاملات ربوی، برای پیروان دین اسلام و اصول آن، وظیفه ای الهی است. حرمت ربا، از احکام صریح و غیر قابل خدشه قرآن مجید است.

{الَّذينَ يَأْكُلُونَ الرِّبا لا يَقُومُونَ إِلاَّ كَما يَقُومُ الَّذی يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهى فَلَهُ ما سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عادَ فَأُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فيها خالِدُونَ} (۱)

کسانی که ربا می خورند)در قیامت

(برنمی خیزند، مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده) و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد و گاهی بر می خیزد) این به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد مانند رباست و(تفاوتی میان آن دو نیست) در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام

ص: ۱۶۹

۱- بقره/۲۷۵.

(؛زیرا فرق میان این دو بسیار است) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و)از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق)قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست (و شامل کارهای گذشته اش نمی شود) و کار او به خدا واگذار می شود و خداوندگذشتهٔ او را خواهد بخشید) اما کسانی که باز گردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند اهل آتش جهنم بوده، همیشه در آن می مانند.

همچنین در سوره آل عمران فرموده است:

(یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا أَضْعافاً مُضاعَفَهً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (۱)(؛ای کسانی که ایمان آورده اید! (ربا و سود پول)را چند برابر نخورید. به خدا ایمان آورید تا رستگار شوید.

خداوند متعال هرگونه معامله اقتصادی به صورت ربا را به منزله اعلان جنگ با خدا دانسته و فرموده است:

(یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِیَ مِنَ الرِّبا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُؤُسُ أَمْوالِکُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ) (۲)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده را رها کنید، اگر ایمان دارید. اگر چنین نکنید، بدانید که خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید سرمایه های شما از آن شماست (اصل سرمایه بدون ربا) نه ستم می کنید و نه برشما ستم می شود.

۱- آل عمران /۱۳۰.

۲- بقره/ ۲۷۸ - ۲۷۹

۲. کم کاری

حرام خوری فقط به ربا و قمار و دزدی نیست. امروزه کم کاری یکی از مهم ترین موارد حرام خواری محسوب می شود؛ زیرا براساس اصول شرعی اسلام در به دست آوردن ثروت، هر کسی که در مقابل پول و دست مزدی که می گیرد و آن را از روی اراده و انتخاب خود پذیرفته است متعهد و مشغول الذمه است و باید آن کار را به نحو احسن (مطابق تعهدات و قراردادهای تنظیم شده) انجام دهد. و چنانچه ذره ای از کارش کم گذارد، اموال و دست مزد و حقوق به دست آمده او شبهه ناک یا حرام شده، استفاده از آن پول، از مصادیق حرام خواری قلمداد می گردد. الزام شرعی نسان ها به داشتن وجدان کاری نیز از همین مقوله است. بنابراین، وجدان کاری به معنای تعهد درونی افراد به انجام کامل وظایف محوله و پرهیز از سهل انگاری های شرعی در کار های موظف اوست.

از این رو منشا حرام شدن رزق و روزی افراد، رفتارهای فردی آن هاست. یعنی هرگاه معلم در تدریس خود، دانش آموز و دانشجو در تحصیل خود، مهندس و کارگر در کارخود، کارمند در وظایف اداری خود و.. گرفتار کم کاری و سهل انگاری شود، مشمول آیات و روایاتی گردیده که افراد را از لقمه حرام یا شبهه ناک نهی کرده است.

۳. غصب

از جمله درآمدهای حرام، به دست آوردن پول یا بهره مندی از اموال و امکانات دیگران به طور غاصبانه و بدون رضایت مالک و صاحب اختیار آن است.

از پیامبر گرامی اسلام (صلّی الله علیه و آله)نفل شده که برای هیچ کس چیزی از مال برادرش روا نیست، مگر با رضایت خود او. هر کس به نا حق مال مؤمنی را

ص: ۱۷۱

غصب کند، خداوند پیوسته از او روی گردان است و همه اعمال نیک و خوب او را مغبوض می دارد و هیچ عمل نیکی را از وی ثبت نمی کند، مگر این که توبه کند و مالی را که غصب کرده، به صاحبش بر گرداند.

بدیهی است که در این موارد، رضایت کامل قلبی مالک مد نظر است و رضایت های دروغین یا اجباری و رضایت بر اساس معذورات عرفی و تعارفات، قابل قبول نیست.

غصب اموال و املاک دیگران به حدی مورد تنفر شرع مقدس است که انجام هر عبادت یا وضو یا غسل، با آب غصبی و خواندن نماز در مکان یا لباس یا روی فرش غصبی که رضایت مالک آن را بدنبال نداشته باشد، تجاوز به حقوق دیگران بوده، مقبول درگاه احدیت نیست.

چنانچه در فلسفه این حکم شرعی دقت شود، معلوم می گردد که دعوت به اقامه نماز مقبول(حق الله) به معنای دعوت به رعایت حق الناس و پرهیز از سرقت، ربا، غصب، کم فروشی، رشوه خواری و کسب درآمد حرام است. بنابراین، تکرار نماز در نوبت های پنج گانه به معنای دعوت مستمر مسلمانان به رعایت حقوق همدیگر می باشد.

۴. تصاحب اموال یتیمان

یکی دیگر از موارد حرام خواری، استفاده و تصاحب و غصب مال یتیم است که حرام بودن آن به دلیل پیشگیری از ظلم و حق کشی می باشد. در قرآن می خوانیم:

(إِنَّ الَّذینَ یَأْکُلُونَ أَمْوالَ الْیَتامی ظُلْماً إِنَّما یَأْکُلُونَ فی بُطُونِهِمْ ناراً وَ سَیَصْلَوْنَ سَعیراً) (۱)؛

کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم و ستم می خورند، تنها آتش می خورند و به زودی در آتش می سوزند. حضرت فاطمه(علیهاالسّلام)

۱- نساء/۱۰.

در یکی از سخنرانی های خود فرموده: «خداوند پرهیز از خوردن مال یتیم را به خاطر جلوگیری از ظلم و حق کشی واجب فرمود».

۵. رشوه

یکی دیگر از راه های کسب حرام که منجر به اختلال در پاسخ گوئی سالم و صحیح به نیازهای مردم می گردد، رشوه است. رشوه، پرداخت پول یا ارائه خدمات به فردی است تا گیرنده اش، در مقابل آن پول، حقی را از شخص نفی کرده و یا ناحقی را برای شخص اثبات کند. پرداخت و دریافت رشوه می تواند در امور مختلف زندگی از جمله قضاوت، مدارج علمی، تسهیلات و امکانات دولتی، اختلافات خانوادگی، جرائم اجتماعی و... انجام شود. در تعالیم دینی اسلام همه کسانی که در عمل رشوه شرکت می کنند سرزنش شده. در این باره که امام باقر(علیه السّلام) می فرماید: «پیامبر خدا (صلّی الله علیه و آله) نفرین کرده است مردی را که مردم به کار او نیازمندند و او برای انجام آن ها از مردم رشوه درخواست می کند».

پیامبر گرامی اسلام (صلّی الله علیه و آله) در مذمت رشوه فرموده:

«لَعَنَ اللهُ الراشِی و المُرتِشی و الساعِی بَینَهما»؛

خداوند لعنت کرده رشوه دهنده، رشوه گیرنده و واسطه بین آن دو را.(۱)

همچنین امام صادق (علیه السّلام) فرمود:

«الرشا فی الحکم فهو الکفر بالله العظیم»؛

رشوه گرفتن برای قضاوت، کفر به خدای بزرگ است.(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۵.

۲- فروع کافی، ج۵، ص۱۲۷.

۶. احتکار

احتکـار یکی دیگر از راه هـای کسب حرام است که منجر به ایجـاد تورم و اخلال در نظام اقتصادی جامعه می گردد و موجب ضرر و زیان برای مردم و به وجود آمدن سود حرام برای محتکران می شود.

متأسـفانه برخی از تـاجران و فروشـندگان برای به دست آوردن منـافع دنیـایی بیشتر، کالاهـا و ارزاق عمومی و نیازمنـدی هـای روزمره مردم را گردآوری کرده، از فروش آن خودداری و آن هـا را در انبارهـای خود نگه داری می کننـد تا پس از نایاب یا کمیـاب شـدن آن هـا و ایجـاد نیـاز شدیـد و طاقت فرسا برای مردم، کالای خود را به قیمت گرانتری به فروش رسانـده، از این طریق سود بیشتری به جیب خود بزنند.

عمـل احتکـار نـوعی خیـانت به مردم محسوب می شود و موجب بیزاری خداونـد از محتکران است که البته وجود این بیمـاری اقتصادی برای حکم رانان عیب و ننگ شمرده شده؛ زیرا موجب کاهش خیر و برکت در جامعه می شود.

در حدیثی از پیامبرگرامی اسلام(صلّی الله علیه و آله) آمده است که ایشان سخنانی بدین مضمون فرموده اند:

«احتکار کار افراد خیانتکار است». و «محتکر بنـده بدی است؛ زیرا هرگاه خداوند متعال قیمت ها را کاهش دهد، او اندوهگین می شود و اگر گران کنـد، شاد می گردد». «کسـی که در بازار ما دست به احتکار زنـد، به منزله کسـی است که کتاب خدا را انکار کنـد». «هر کس به امیـد گران شـدن قیمت ها، مواد خوراکی را به مدت چهل روز انبار کند، از خداوند بری شده و خدا نیز از او بیزار است».

امـام علی (علیه السّـلام) در فرمـان خود برای زمـام داری مصـر به مالـک اشتر می نوبسـد: بـدان که بسـیاری از آنـان (تجّـار و صاحبان صنعت)... به منظور سود بیشتر

ص: ۱۷۴

کالا را احتکار می کننـد و به دلخواه، نرخ گران می بندنـد و این کار برای توده مردم زیان بار و برای حکم رانان عیب و ننگ است. بنابراین، از احتکار جلوگیری کن؛ زیرا که رسول خدا(صـلّی الله علیه و آله) از آن منع فرموده است. هر احتکاری که به مردم زیـان رسانـد و نرخ ها را بالا برد، خیر و برکتی در آن نیست. محتکر بخیل، برای کسـی گرد می آورد (وارث) که از او تشکر نمی کند و (در آخرت) به سوی کسی می رود که عذرش را نمی پذیرد.

عواقب حرام خواری

اشاره

در اسلام، همواره بر این نکته بسیار تأکید شده که وقتی می خواهیم غذایی را مصرف کنیم، در حلال و حرام آن دقت کنیم و توجه داشته باشیم که منشأ و خاستگاه تهیه آن از کجاست و از چه راهی به دست آمـده است؛ زیرا خوردن مال حرام، دارای آثار وضـعی منفی است و اگر لقمه مورد استفاده ما و اعضای خانواده دارای شبهه شرعی باشد، در روحیه فرزندان و حتی نسل ما آثار بدی خواهد گذاشت.

همچنین نسبت به کسب درآمد نیز باید دقت داشت تا این که معاش و نیازمندی های خانواده از راه حلال تأمین و تهیه گردد. به همین دلیل درتوصیه های فقهی اسلام، برای کسانی که به دنبال تجارت یا خریـد و فروش هسـتند، ضوابطی نهاده شده که اینان باید ابتدا راه های شرعی

داد و ستد را بیاموزند و سپس به سراغ بازار و کسب درآمد بروند.

امام علی (علیه السّلام) در این باره می فرماید: «کسـی که بدون علم و آگاهی دست به تجارت بزند، ناخواسـته وارد ربا و مال حرام می شود».

۱. از بین رفتن برکت مال

از حضرت صادق(علیه السّلام) روایت شده است:

ص: ۱۷۵

«مَنْ کَسَبَ مالاً مِنْ غَیرِ حله سلط علیه البناء والطین والماء»؛ (۱)

کسی که مالی را از راه غیر مشروع به دست آورد، ساختمان و آب و گل بر او مسلط می شوند. کنایه از این که اموال به دست آورده اش بی برکت شده، از هم پاشیده و نابود خواهد شد.

۲. مانع پذیرش عبادت

پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله)در این مورد می فرمایند:

اِذا وَقَعَتِ اللُّقْمَهِ مِنْ حَرام فی جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ کُلَّ مَلِک فی الّسمواتِ وَالْاَرْض»؛(۲)

هرگاه کسی لقمه حرامی بخورد و جزء بدنش شود، تمام ملائکه آسمان و زمین او را لعنت می کنند.

و همچنین می فرمایند:

«اَلْعِبادَهُ مَعَ أَکْلِ الحَرامِ کَالْبِناءِ عَلَی الرَّمْلِ»؛

عبادت کردن به همراه حرام خواری مانند بنا ساختن بر روی رمل است. بدین معنا که چنین بنای سست و بی پایه ای، قابل اعتماد و پذیرش نیست و بزودی فرو خواهد ریخت.(۳)

۳. مانع استجابت دعا

دعای فرد حرام خوار مستجاب نمی شود. رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) می فرمایند:

کسی که یک لقمه حرام بخورد، تا چهل شب نمازش قبول نمی شود و تا چهل روز دعایش مستجاب نمی شود و هر گوشتی که در بدن او از حرام روییده شود، آتش به آن سزاوارتر است و جز این نیست که یک لقمه هم گوشت را در بدن می رویاند. (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۰؛وسائل الشیعه (آل البیت): ج۵، ص۳۱۵.

۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۹۹؛ بحار الانوار: ج۸۱، ص۲۵۸.

۳- سفینه البحار، ج، ص ۲۴.

۴- اصول کافی، ج۲، ص۴۸۶

از امام صادق(علیه السّلام) نیز نقل شده است که فرمود:

«کسی که دوست دارد دعایش به استجابت برسد، باید غذای خود و محل کسب و درآمدش را پاک سازد».(۱)

۴. قساوت قلب

یکی دیگر از پی آمدهای مهم لقمهٔ حرام، سنگ دلی و سیاهی قلب است، به گونه ای که دیگر هیچ پند و اندرزی در او اثر نمی کند؛ سخت ترین رنج های دیگران، دل او را به درد نمی آورد و از پذیرش حق و تسلیم شدن در برابر آن، خودداری می کند؛ از هیچ جنایتی روی گردان نیست؛ زیرا خوراکی که انسان می خورد، همچون بذری است که در زمین ریخته می شود. پس اگر آن خوراک پاکیزه و حلال باشد، اثرش در قلب- که به منزله سلطان بدن است- از رقت و صفا ظاهر می شود و از اعضا و جوارحش جز خیر و نیکی تراوش نمی کند و اگر آن خوراک پلید و حرام باشد، قلب را کدر و تیره نموده، هیچ سخن حقی در قلب او نفوذ نمی کند.

چنانچه امام حسین (علیه السّلام)در روز عاشورا به لشکریان یزید رو کرد و فرمود:

فَقَدْ مُلِئَتْ بُطونَكُمْ مِنْ الحَرامِ وَطبِعَ عَلَى قُلوبَكم، وَيلَكُم ألا تَنْصِفون ؟! ألا تَسْمَعون؛

شکم هایتان از حرام پر شده و بر دل هایتان مهر خورده، دیگر حق را نمی پذیرید. وای بر شما! آیا انصاف نمی دهید ؟ آیا گوش فرا نمی دهید؟(۲)

۵. مورد نفرین

پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله)در این مورد می فرمایند:

ص: ۱۷۷

۱- میزان الحکمه، ج۳، ص ۲۵۶.

۲- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸، نفس المهموم، ص ۲۴۵

اِذا وَقَعَتِ اللَّقْمَهِ مِنْ حَرام فی جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ کُلَّ مَلِک فی الّسمواتِ وَالْاَرْضِ؛

هرگاه کسی لقمه حرام بخورد، و جزء بدنش شود تمام ملائکه آسمان و زمین او را لعنت می کنند.(۱)

وظایف پیشگیرانه والدین

۱. توجه به اهمیت تغذیه

در آیات قرآن و سخنان ائمه معصوم(علیهم السّلام) بر این نکته بسیار تأکید شده که همه افراد جامعه به شیوه های کسب درآمد و چگونگی هزینه های خود توجه کنند. دستور خداوند متعال درباره غذای انسان این است که:)فلینظر الانسان الی طعامه(؛ انسان حتماً باید به غذای خود بنگرد و توجّه عمیق کند. واژه طعام در این آیه، به معنای تمامی ابعاد مربوط به تغذیه و خوراک اوست. از جمله این که انسان باید مسئلهٔ غذای حلال و حرام و اموال مشروع و نامشروع را مورد توجه قرار دهد. بنابراین، می بایست همان گونه که به انسان مسلمان به ظاهر غذا توجه داشته باشد و مواظب آلودگی آن باشد، باید به باطن و تأثیرات معنوی و روحی آن دقت فراوان تری کند؛ زیرا بیماری های روحی بسیار خطرناک تر از بیماری های جسمی بوده، درمان آن هم به مراتب سخت تر خواهد بود. از همین رو امام سجاد(علیه السّلام) در ضمن شمارش و بیان حقوق اعضا و جوارح می فرماید:

« و امّا حقّ بطنک فان لا تجعله لقلیلٍ من حرام، و لا لکثیر»؛ واما حق شکمت آن است که آن را ظرفی برای غذای حرام قرار ندهی، خواه اندک باشد یا بسیار.

ص: ۱۷۸

۱- بحار الانوار، ج۶۳، ص۳۱۴.

یکی از مهم ترین وظایف مرد، تأمین معاش خانواده، آن هم از راه حلال است؛ زیرا فرزندانی که با لقمه حلال پرورش می یابند، افرادی رقیق القلب و با صفا بار می آیند. از این رو والدین باید به این موضوع توجه کنند که خوراك و تغذیه خانواده بر اساس موازین شرعی بوده، از هر گونه حرام یا شبهه ناك بودن برحذر باشد؛ زیرا اگر لقمه شبهه داشته باشد، در روحیه فرزندان و حتی نسل ما آثار بدی خواهد گذاشت. از همین رو امام عصر (عج) در دعای خود (اللهم طهر بطوننا عن الحرام و الشبهه) از خداوند خواسته تا او را علاوه بر پاکی از غذای حرام، حتی از غذای شبهه ناك نیز پاك نموده، شکم را از ورود چنین غذایی، محفوظ نگهدارد.

۲. فرا گرفتن احکام شرعی

از آنجا که براساس فرموده امام علی(علیه السّلام)جهل و نادانی یکی از زمینه های کسب درآمد حرام است، تلاش برای یاد گیری احکام شرعی و فقهی کسب، تجارت و خرید و فروش و دانستن راه های صحیح تأمین غذای حلال و پاك، آداب شرعی قرض یا وام گرفتن، تعویض و جابه جایی اموال و اشیا، مراجعه به رساله های عملیه مراجع تقلید و پرسش های لازم از آن ها از وظایف شرعی والدین، به ویژه پدر یا مادری است که مسئولیت کسب درآمد و تأمین مخارج زندگی را بر عهده دارند.

۳. آموزش احکام مالی

با توجه به این که والدین باید به تدریج ساده ترین فعالیت های اقتصادی از قبیل خرید لوازم معمولی مورد نیاز و ارزاق روزمره همانند: خودکار، دفتر، نان، میوه، سبزی و... را به عنوان آموزش مهارت های اجتماعی به فرزندان خود بیاموزند، لازم است به طور عملی علاوه بر چگونگی خرید، دقت و حساسیت های شرعی مربوط به معاملات حلال و حرام و رضایت طرفین در

خرید و فروش را به آن ها آموخته، یا به طور غیر صریح به آنان منتقل کنند. بدیهی است چنانچه این گونه دقت های دینی در انجام معامله و خرید از سوی والدین، در معرض تماشای فرزندان باشد، تأثیر بسیاری در رفتارهای مالی آنان خواهد داشت.

۴. توجه به اموال عمومی

از آنجا که زندگی امروزه، تعاملات زیادی با اموال عمومی و بیت المال دارد، لازم است والدین موضوع رعایت حق الناس و عدم ضایع کردن و از بین بردن اموال عمومی را به طور عملی به اعضای خانواده خویش آموزش داده، مسئله مشغول الذمه بودن نسبت به تخریب یا سرقت تجهیزات و امکانات اجتماعی را به آنان گوشزد نمایند. از همین جهت وظیفه والدین این است که به فرزندان خود بیاموزند تا از تخریب پارک ها و لوازم بازی در آن ها، صندلی ها و تجهیزات اتوبوس ها، لگد مال کردن و خراب کردن گل ها و درختان، شکستن شیشه ها و ایجاد خسارت به لوازم و امکانات مراکز عمومی از قبیل مساجد و مدارس و.... که موجب تضییع حقوق دیگران و وارد کردن ضرر و زیان به اموال عمومی است، خودداری کنند.

همچنین والدین خود را مقید بدانند و در صورت وارد شدن هر گونه خسارتی از سوی خود یا فرزندانشان به بیت المال، در حضور فرزندان خسارت وارده را جبران نمایند.

۵. کسب اجازه برای تصرف

والدین به طور صریح(بیانی) و غیر صریح (عملی) به فرزندان خود بیاموزند که در هنگام استفاده از وسایل شخصی دوستان و بستگان نزدیک از قبیل خودرو، لباس، کیف، لوازم منزل و امثال آن، خود را مقید کنند که از آنان اجازه گرفته، رضایت قلبی ایشان را به دست آورند.

ص: ۱۸۰

۶. توجه به اموال یتیمان

رفتار مناسب و قابل قبول والدین نسبت به امکانات و اموال خانواده های بی سرپرست و یتیم و نیز کودکان و عدم استفاده از آن ها و همچنین توصیه در مورد این افراد به فرزندان، موجب خواهد شد تا اموال یتیمان در جامعه اسلامی بدون آسیب های مالی باقی بماند.

۷. دقت در معاملات

با توجه به این که گاهی اوقات فرزندان با بستگان یا دوستان نزدیک خود خرید و فروش های جزئی یا تعویض هایی انجام می دهند، والدین می باید بر رفتارهای معاملاتی آنان نظارت کنند تا موجب انجام معامله غیر شرعی نشده، از ورود اموال حرام به محدوده زندگی خانواده خویش جلوگیری نمایند.

۸. توضیح احکام مالی

والدین می توانند در فرصت های مناسب تفکر و اندیشه های اقتصادی و اهداف و چگونگی آن و علت حرام یا واجب بودن برخی تعالیم دینی را در سطح توان، برای اعضای خانواده خویش توضیح دهند و

یا از طریق سفارش به مطالعه کتاب ها و شنیدن سخنان گویندگان مذهبی به این مهم اقدام نماید تا از طریق فرهنگ سازی کامل، ضریب انحرافات مالی را در سطح خانواده خویش کاهش دهند. بیان آداب حج و لزوم پاک کردن اموال پیش از زیارت خانه خدا، علت لزوم پاک بودن لباس و مکان نمازگزار، علت وجوب پرداخت خمس و زکات، عدم اجازه در استفاده از اموال حلال مخلوط به حرام، علت حرام بودن برخی خوردنی ها و آشامیدنی ها

بخشی از این موضوع است.

ص: ۱۸۱

در پایان این فصل اشعار نغزی از شیخ بهایی; در موضوع پی آمدهای شوم غذای حرام را یاد آوری می کنیم:

لقمه نانی که باشد شبه ناک

گر به دست خود نشاندی تخم او

ورمه نو در حصادش داس کرد

ور به آب زمزمش کردی عجین

ور بخواندی بر خمیرش بی عدد

ور بدی از شاخ طوبی آتشش

ور تنور نوح بند مریمش

ور تو بر خوانی هزاران بسمله

عاقبت خاصیتش ظاهر شود

در ره طاعت تو را ای جان کند

در دینت هست گر ای مرد راه

در حریم کعبه، ابراهیم پاک

ور به گاو خویش کردی شخم او

ور زسنگ کعبه اش دستاس کرد

مریم آئیین، پیکری از حور عین

فاتحه یا قل هو الله احد

ور شدی روح القدس هیزم کشش

ور دم عیسی بود آتش دمش

بر سر آن لقمه ی پر ولوله

نفس از آن لقمه تو را قاهر شود

خانه ی دین تو را ویران کند

چاره ی خود کن که دینت شد تباه(۱)

ص: ۱۸۲

۱- برگرفته از کتاب گناه شناسی، محسن قرائتی، ص ۱۰۸.

فصل چهارم : انحرافات جنسی

اشاره

بزرگ ترین و شوم ترین خطرهای که ممکن است جوانان گرفتار آن شوند، انحراف جنسی است. با توجه به آغاز بلوغ و شدت غریزه در جوانان، هر لحظه این خطر آن هارا تهدید می نماید. با توجه به این که در این مرحلهٔ سنی معمولاً احساسات بر عقل غلبه می کند، جوان خیلی زود تسلیم احساس شده، اگر مراقبت ویژه ای از سوی خود یا والدین و یا جامعه نباشد، ممکن است به سرعت گرفتار آسیب های شدید فردی و اجتماعی گردد. غریزه جنسی به عنوان یک نعمت خدادادی و مورد نیاز بشر، در همه انسان ها به ویژه جوانان وجود دارد. بدیهی است عدم استفاده معقول و صحیح از آن می تواند آثار ویران گری داشته باشد. اگرچه برای درمان این عوارض خطرناک، نمی توان آن را به کلی از بین برد؛ ولی با چاره اندیشی به موقع و نظارت و کنترل صحیح می توان آن را مهار کرده، در مسیر اصلی خود قرار داد. بروز طغیان گرانه این غریزه بیشتر بستگی به عوامل بیرونی هم دارد که این انگیزه به طرق مختلف برای جوان ایجاد می گردد.

گاهی این تحریک ممکن است در خانواده باشد، گاهی نیز در جامعه و محیطی که جوان در آن زندگی می کند و بستگی به طرز تعلیم و تربیت آن

جوان هم دارد که این امر به سیستم های تربیتی موجود در یک جامعه برمی گردد.

قرآن مجید، ابتلا به این پدیده شوم و زشت را نتیجه وسوسه های شیطانی و دنباله روی انسان ها از آن خطوط انحرافی دانسته و بیان می فرماید:

(یَا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لَتَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ وَ مَنْ یَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ فَإِنَّهُ یَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْکَرِ)؛(۱)

ای اهل ایمان! هیچ وقت از شیطان را پیروی نکنید کسی که همیشه دنبال شیطان می رود به درستی که او را به کارهای زشت و ناروا وادار می کند.

خداوند وجود هر گونه فسادی را نتیجه رفتارهای انسان ها برشمرده است.

(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی البرّ و الْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ أیْدِی النَّاسِ لِیُذِیقَهُمْ بَعْضَ الَّذی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ یَرْجَعُونَ)؛(۲)

بر اثر اعمال ناروای مردم فساد و تباهی در خشکی و دریا آشکار گردید تا خداوند نتایج شوم پاره ای از کارهای ناپسند آنان را به خودشان بچشاند، باشد که متنبه شوند و از راه غلطی که رفته اند، باز گرداند.

طبق آیه بالا، تمام انحرافاتی که در جامعه رخ می دهد، مسبب اصلی آن افراد جامعه هستند که هر کدام دانسته یا نادانسته این عمل را رواج می دهند، از این رو هر کسی، اعم از خانواده و یا مربیان و یا محیط اجتماعی و نظام

تربیتی در انحراف جنسی جوانان مقصر اند می باشند.

به طور کلی، انحرافات و جرائم جنسی در جامعه کنونی را می توان در موارد زیر دانست: روسپی گری، همجنس بازی، روابط نامشروع (زنا)، لواط،

۱- نور/۲۰.

۲- روم/ ۴۱.

خودارضایی (استمناء)، چشم چرانی، خود نمایی، رابطه ی جنسی با حیوانات.(۱)

به یقین وجود جرائم و انحرافات جنسی در یک جامعه معلول عوامل متفاوتی از قبیل اندیشه های اعتقادی و گرایش های دینی، نظام سیاسی و حکومتی، رفتارهای اجتماعی، خصوصیات فردی و شخصیتی و عوامل خانوادگی است. همچنین هریک از انواع انحرافات مزبور علاوه بر عوامل مشترک و عمومی، می تواند دلایل اختصاصی داشته باشد. از این رو هریک از آن ها به طور جداگانه بررسی می شود.

۱- نظام اسلامی ومسئله روسپی گری ، ص ۱۳۴.

روسپی گری

اشاره

حیا و آزرم از ویژگی های برتر اخلاق انسانی است. قدرت خویشتن داری بشر در مقابل بخش قابل توجهی از غرایز و خواسته های نفسانی، زاییدهٔ همین خصوصیت است. آموزه های دینی نیز به این ویژگی درونی و فطری یاری رسانده، به برکت ترکیب با فطرت آسمانی بشر، دست رد به تمنای نفسانیت و شهوت فزونی طلبانه زده است؛ بنابراین هر کجا که افسار شهوت پرستی رها شده باشد، شرم و حیا نیز بساط خود را از میانه زندگی جمع کرده است.

اسلام به شدت با بی عفتی و بی حرمتی به نوامیس انسان مخالف است و آدمیان را از تجاهر به فسق و کژی باز می دارد، چه این که هر قدر فساد در جامعه توسعه یابد، بستر رشد معنوی افراد، از دست رفته است. در میان تمام مظاهر فساد، روابط جنسی غیر عفیفانه و خارج از

چارچوب قانونی و شرعی، از بدترین جلوه های آن به حساب می آید. هرگاه این روابط، مکرر رخ دهد و به صورت یک شغل و راه کسب درآمد درآید، عنوان «روسپی گری» به خود می گیرد.

اگر چه پیشینهٔ روسپیگری را به تاریخ تمدن های جدید پیوند زده اند، اما در عین حال پهنهٔ وسیعی از تاریخ شاهد وجود آن بوده است.

ص: ۱۸۸

شهیـد مطهری(رحمه الله) می فرمایـد: که در مکه پیش از اسـلام خـانه هـایی وجـود داشـته که بـا آویختن پرده ای به آن هـابه عابران می فهماندند کسانی در آن خانه ها حضور دارند که به این رفتار شنیع مشغول و پاسخ گوی مراجعین اند!(۱)

متأسـفانه بـا وجود ارشادهای دینی و محکومیت عرفی این رفتار به خصوص در جامعه اسـلامی ما، مـدتی است که روسپیان به یک معضل اجتماعی بـدل شده اند، در این میان کسانی نیز به قصد فاسد نمایی جامعهٔ دینی ایران، در صدد بزرگ جلوه دادن ابعاد پدیـدهٔ مزبورند. بر این اساس، به جاست که با واقع بینی، وجود این پدیده را که غدهٔ سـرطانی جامعه سالم و باعفت ما به حساب می آید، بپذیریم.

باورداشـتن این حقیقت، بـاعث می شود که بتوانیم ابعـاد آن را به خوبی تحلیـل کنیم و به تعریف روشـنی از آن برسـیم. همان طور که تبیین درست عناصر روسپی گری، عوامل و آثار آن، می تواند ما را در دست یابی به رهیافت های دقیق یاری کند.

پیامدهای روسپی گری

اشاره

طبق نظر جامعه شناسان، روان شناسان، متخصصان امور تربیتی و پزشکان، پیامدهای روسپی گری عبارتند از: بروز بیماری های جسـمی و روانی، گسترش طلاق، سقط جنین و اختلال در تمایلات جنسی و ... آن چه توجه به آن مهم به نظر می رسدف آن است که نبایـد پیامـدها را به شخصـی روسپی محـدود نمود، چون خـانواده، متقاضـیان، جـامعه و حتی دولت، هر یک به سـهم خویش از آفات این پدیده آسیب های متعددی خواهند دید.

۱- نظام اسلامی و مسئله روسپی گری، ص ۱۳۴.

۱. ارتکاب گناهان کبیره

روسپیان به دلیل غرق شـدن در گناه کبیره «زنا»، عضوی تحقیر شـده و فاقد شخصـیت اخلاقی بوده، به آسانی با دیگر مجرمان پیونـد می خورنـد و در نتیجه به انواع جرائم و گناهان دیگر از جمله اعتیاد، قاچاق، سـرقت و... مبتلا می شوند، به گونه ای که پس از مـدتی از اشـتغال به این حرفه، نوعی بی تفاوتی نسـبت به کارهایشان بر آنان حکم فرما می شود. شایـد یکی از علل به وجود آمدن این حالت، آن باشد که اینان عادت کرده اند در مقابل دیگران فاقد اختیار و اراده باشـند و هر تقاضایی را اجابت نمایند.

به عبارت دیگر حالت خود نگهـداری، امتناع و «نه» گفتن به در خواست دیگران در آنان ضـعیف شده است. آموزه های دینی به مـا می آموزد که احساس بی شخصـیتی سـرآغاز بـدی هاست. امامان معصوم(علیه السّـلام) به این حقیقت فطری بشـر چنین هشدار داده و فرموده اند: « آن کس که شخصیت و نفس خویش را سبک شمرد، از شر او ایمن مباش».(۱)

بر اسـاس تعالیم قرآن مجیـد، عادت به گناه و فساد عملی و ارتکاب منکرات، سـرانجام به تمسـخر و تکـذیب آیات خداونـد و فساد اعتقادی منجر خواهد شـد(۲) و به دنبـال گسترش گناهـان کبیره در یـک جامعه عـذاب های الهی به شـیوه های مختلفی برساکنان آن سرزمین نازل خواهد گشت.

۲. اختلال در وظایف خانوادگی

زنان روسپی به دلیل آن که خود به ارزش های اخلاقی آراسته نیستند، نمی توانند انتقال دهنده ارزش ها به نسل آینده باشند و در ایفای نقش همسری و مادری نیز موفق عمل نمی کنند. از آن جا که چنین افرادی ارتباط با اشـخاص زیادی را تجربه کرده اند، به خوبی نمی توانند اظهار محبت همسر را

۱- بحارالانوار،ج ۷۵،ص ۳۰۰.

۲- روم/۱۰

حقیقی دانسته، در زندگی خانوادگی خویش همواره نوعی از شک و تردید بر فضای ذهنی آنان سایه می اندازد.

۳. گسترش بی بندوباری جنسی

در جامعه ای که مشکلات اجتماعی اساسی مثل فقر وجود دارد، تجویز روسپی گری به یک فاجعه خواهد انجامید. یکی از پیامدهای خطرناک این مسئله روی آوردن جوانان به بازار آزاد ارضای غرایز و در نتیجه، پایین آمدن آمار ازدواج و بالا رفتن سن آن و فرو پاشی کانون خانواده می باشد.

۴. افزایش فرزندان نامشروع و سقط جنین

طبق اسناد موجود، یکی از علت هایی که بحث قانونی کردن سقط جنین در برخی کشورهای غربی در مباحث قانون گذاران آن هاقرار داده شده است، اطمینان یافتن از برقراری روابط جنسی بدون پیامدهای بعدی است؛ بنابراین به وجود آمدن فرزندان از راه نامشروع، امری دور از انتظار نیست. فرزند حاصل از زنا حتی اگر سقط هم نگردد، در یک محیط مسموم رشد می کند و از زمان کودکی در این رفتار غلط، حرفه ای می شود ودر بزرگ سالی فاجعه بار خواهد بود.

علل و زمینه های روسپی گری

عوامل مهمی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، روان شناختی و... در وجود این پدیده شوم اجتماعی مؤثر است. فهرستی از این عوامل عبارتند از:

ضعف اعتقادی و اخلاقی، ضعف نظارت خانوادگی، ضعف مسائل تربیتی در دوران کودکی، محروم بودن از نیازهای عمومی در کودکی و نوجوانی، ویژگی های شخصیتی از جمله انفعال پذیری، ضعف هوش هیجانی به معنای ناتوانی در مدیریت احساسات و عواطف خود، ضعف در تشخیص

احساسات دیگران و برقراری ارتباط صحیح با آنان، ضعف در جامعه پذیری، بی سوادی، فقراقتصادی، مهاجرت، اختلالات خانوادگی که در شکل ناسازگاری والدین و طلاق خود را نشان می دهد، موقعیت های نامناسبی که سبب تحریک جنسی می شود، ضعف قوانین و عوامل کنترل اجتماعی و گسترش اندیشه های انحرافی لیبرالیسم جنسی و... .

عوامل خانوادگی

۱. عدم رعایت اخلاق جنسی والدین

آیات و روایاتی که بر حفظ حریم خلوت و رفتارهای زناشویی عفیفانه تأکید دارند، ناظر به همین مباحث و مانع از ایجاد این آسیب ها می باشند.

به عنوان مثال، قرآن مجید از فرزندان می خواهد که هنگام ورود به اتاق خصوصی والدین اجازه بگیرند یا والدین مراقبت های لازم را در خصوص روابط جنسی خویش داشته باشد.

ممنوعیت های شرعی و قانونی در خصوص اشاعه فحشا و پراکندن اخبار مربوط به زشتی ها از یک سو و ستایش عفت پیشگی از سوی دیگر، دلیل بر آن است که فرد در هر شرایطی باید دامان خود را از گناه بر کنار دارد و آزادی جنسی را دنبال نکند.

۲. عدم توجه والدین به مسائل جنسی فرزندان

عدم توجه والدین به مسائل جنسی فرزندان و برخوردهای غلط سلبی یا ایجابی با این قضیه، می تواند به عنوان یک عامل در روسپی گری مطرح باشد. توضیح این که گاهی خانواده ها درباره طرح مسائل جنسی در مقابل فرزندان، حساسیتی نشان نمی دهند، در مورد ارزش های نظیر عفت و غیرت کم توجهی یا بی توجهی می کنند، کنترل لازم را برای فرزندان اعمال نمی کنند و حتی شاید نگاه توسعه ای به روابط جنسی داشته باشند. روشن

است که فرزندان حاضر در این خانواده ها، با بلوغ زودرس مواجه می شوند و به شدت در معرض رفتارهای جنسی خارج از چارچوب خانواده قرار می گیرند.در مقابل خانواده هایی هم هستند که کنترل شدیدی به مسائل جنسی فرزندان دارند؛ به حدی که از واقع بینی در این باره، دور می شوند. این کنترل هم خود یک فشار و عامل بحران زاست و هم باعث دوری والدین و فرزندان از یکدیگر می شود. طبعاً در چنین شرایطی آگاهی صحیح و لازم از سوی والدین به فرزندان به مقتضای سن و نیاز آن ها داده نمی شود؛ در حالی که معمای اصلی سنین نوجوانی و جوانی همین مسائل جنسی است.

عوامل اخلاقی

گاهی فرد به هر دلیل با آداب و تقیدهای دینی و رفتاری، رشد نکرده است. عفت ورزی و حیامداری در برخورد با

نامحرم در رفتار او نمایان نیست و از مشاهده، مطالعه یا مواجهه با امور خلاف عفت، ابایی نمی ورزد. حضور در مجامع مختلف و مختلط و دور از کنترل را نوعی تجدد و امروزی بودن به حساب می آورد. این افراد از زمینه قوی برای روسپی گری برخوردارند. قطعاً تکرار مداوم گناهان جنسی، آرام آرام، اعتقاد به زشت بودن رفتارهای شنیع را از فکر و دل فرد می زداید. به طور قطع، اگر در متون دینی ما برخی مقدمات ورود به عرصه شهوت رانی حرام دانسته شده، برای این است که فرد در یک حرکت خزنده و آرام، به سمت چنین رفتاری کشیده نشود.

به همین جهت، آموزه های تربیتی اسلام هر گونه نگاه لذت جویانه (قصد ریبه) را تحریم کرده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:به مؤمنین بگو که چشم های خود را فروبندند و عفت (فروج) خود را نگه دارند. چنین رفتاری موجب پاکیزگی آن هاخواهد شد. خدا به آن چه می کنید، آگاه است

ص: ۱۹۳

و به زنان مؤمن بگو چشم های خود را فروبندند و عفت (فروج) خود را نگه دارند.(۱)

امام صا دق(علیه السّلام) در این باره می فرماید:

«نگاه بعد از نگاه، شهوت را در دل کشت می کند و همین موضوع برای به انحراف کشیدن صاحبش کافی است».(۲)

ویژگی های شخصیتی و رفتاری روسپیان

بر اساس یکی از پژوهش های انجام شده، سن آغاز روسپی گری در اغلب زنان بین ۱۳ تا ۲۰ سالگی است و تنها ۲٪ زنان بعد از ۲۱ سالگی وارد روسپی گری شده اند. این موضوع به وضوح بیان گر آن است که بیشتر آنان در سنین نوجوانی و آغاز جوانی؛ یعنی زمان شکل گیری شخصیت و زمانی که افراد راه زندگی خود را انتخاب می کنند، به این مسیر کشیده شده اند و به دلیل آن که شخصیت آنان بدین گون شکل گرفته، اصلاح آن هاهم مشکل تر به نظر می رسد.

- نزدیک به ۵/۷٪ از روسپیان بدون پدر و مادر بوده اند، ۵/۳۷٪تنها با یکی از والدین خود که در اثر فوت همسر، طلاق و مهاجرت از همسر جدا بوده اند، زندگی می کردند. ۲٪ از آنان تحت سرپرستی نهادهای اجتماعی و ۲۵/۶٪ در کنار پدر و مادر بوده اند. این نسبت در مقایسه با دختران دیگر تفاوت فاحشی را نشان می دهد.

- ۵/۲۲٪ از روسپیان در کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند که تقریباً نیمی از این تعداد توسط محارم خود مورد تجاوز قرار گرفته اند؛ بنابراین از کودکی قبح روابط جنسی در آنان از میان رفته است.

۱- سوره نور/ آیه ۳۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

- ٪۱/۵۴ از شوهران روسپیان، معتاد و یا در کار قاچاق بوده اند. بیش از ۱۱٪ شوهران مروج روسپی گری ۷۸/۱۵٪ مرتکب سایر جرائم مثل دزدی و تنها ۵۴/۱۹٪ از آنان بدون جرم مشخصی بوده اند.(۱)

- ٪۸/۲۳ از آنان پیش از روسپی گری و ۵/۴۳٪ بعد از آن به دام اعتیاد افتاده اند و تنها ۵/۳۲٪ بدون سابقه اعتیاد بوده اند. از این جا می توان به پیوند میان این دو جرم پی برد.

- ٪۶۸ از این زنان به وسیلهٔ دوستان و افراد محله با این کار آشنا شده اند.

-٪۶/۴۹ از این زنان قاچاق مواد مخدر و گسترش اعتیاد را در محل خود گزارش کرده اند.

- ٪۲/۴۴ از زنان روسپی خود را موجودات کم ارزشی در خانواده می دانستند؛ در حالی که این نسبت در میان زنان عادی ۴/۲٪ بوده است.

- بیش از یک چهارم از زنان روسپی در سنین نوجوانی از خانه فرار کرده اند. ۸/۹۴٪ از این افراد به فاصلهٔ کم تر از ۴۸ ساعت از زمان خروج از منزل به دام فساد افتاده اند که مهم ترین علت آن نداشتن سرپناه ذکر شده.

هیچ یک از زنان روسپی دارای مهارت درآمدزایی نبوده اند. ۷/۰٪ از آنان دارای سواد دانشگاهی و ۵/۱۱٪ متوسطه و ۳/۷۷٪ راهنمایی و پایین تر بوده اند.(۲)

در یک نگاه گذرا، می توان بر اساس آمارهای موجود عوامل خانوادگی از جمله ناهنجاری در روابط خانوادگی، فقدان سرپرست، بی سوادی، اعتیاد، مشکلات روانی ناشی از کمبود محبت، اختلال های شخصیتی و عوامل اجتماعی چون فقر و بی کاری و محیط فاسد را از علل گرایش به روسپی گری دانست. البته مواردی از جمله وجود تقاضا، پدیدهٔ مهاجرت و فریب خوردن در سنین جوانی را نیز می توان افزود.

۱- روسپی گری، کودکان خیابانی و تکدی، ج۵، ص ۳۳.
۲- نظام اسلامی و مسئله روسپی گری، ص ۷۰.

همجنس گرایی

اشاره

همجنس گرایی مردان یا لواط، به معنای بهره جویی جنسی دو مرد از یکدیگر است که از گناهان کبیره بوده، دارای مجازات شدیدی است و یکی از انحرافات جنسی محسوب می شود. بر اساس ماده ۱۰۸ و ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی، کسانی که مرتکب این جنایت می شوند (چه فاعل باشند و چه مفعول) مجازتشان اعدام است.

این عده که حق خداوند منان را در قانون مندی شخصی انسان نادیده می انگارند و با پیروی از قوم فاسد لوط و یا به« اصطلاح همجنس بازان» کشورهای غربی مرتکب این گناه کبیره می شوند، کسانی هستند که نه تنها به حضور خداوند در جهان هستی توجه نمی کنند، بلکه بی حرمتی و توهین خود را نسبت به ذات کبریایی حضرت پروردگار بطور عملی اعلام می کنند.

« مساحقه» یا همجنس بازی زنان به معنای التذاذ جنسی دو جنس موافق از اندام های جنسی و تناسلی همدیگر، از بدترین انحرافات اخلاقی است که سر چشمه مفاسد زیادی در جامعه بوده، مایه نابودی و هلاکت انسان ها خواهد شد. طبق ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی «مساحقه» یا همجنس بازی زنان به معنای التذاذ جنسی دو جنسم وافق از اندام های جنسی و تناسلی همدیگر است. حد مساحقه برای هر یک از زن ها، طبق ماده ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی، صد تازیانه است که نسبت به حد لواط مردان- که اعدام است- وضعیت سبک تری دارد؛ ولی اگر سه بار تکرار شود و بعد ازهر بار، حد جاری گردد در مرتبه چهارم، مجازاتش اعدام است.

ص: ۱۹۶

همچنین طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، هر گاه دو زن که با هم نسبت خویشاوندی داشته باشند، بدون هیچ گونه ضرورتی، به صورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند، به کمتر از صد تازیانه تعزیر می شوند و در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر، در مرتبه سوم به هریک صد تازیانه زده می شود.(۱)

عواقب همجنس گرایی

۱. اصولاً ـ طبیعت زن و مرد آنچنان آفرید شده. که از طریق ازدواج شرعی، آرامش روانی و اشباع سالم خود را در علاقه به جنس مخالف به دست می آورد و هر گونه تمایلات جنسی غیر آن، نوعی انحراف از طبع سالم انسانی و بیان گر یک نوع بیماری روانی خواهد بود. که در صورت ادامه آن، روز به روز تشدید می گردد و نتیجه اش بی میلی به جنس مخالف و ارضای تمایلات ناسالم خود از طریق جنس موافق است. عمل ناپسند «همجنس بازی» باعث می شود که مردان و زنان از زناشویی و تشکیل خانواده صرف نظر کنند و در نتیجه برای همیشه نسل بشر قطع گردد؛ بدین جهت خداوند بزرگ عمل زشت همجنس بازی را بر تمام افراد بشر تحریم کرده، تا ناچار شوند ازدواج کنند.(۲)

۲. این گونه روابط نا مشروع در اُرگانیسم بدن انسان و حتی در سلسله اعصاب و روان اثرات ویران گری دارد. افراد همجنس باز تدریجاً به انزوا و بیگانگی از اجتماع و سپس بیگانگی از خویشتن رو می آورند و ممکن است به بیماری های جسمی و روانی مختلفی گرفتار شوند.(۳)

۱- www.aftab.ir.

۲- www.aftab.ir.

۳- تفسیر نمونه،ج ۱۴، ص ۲۵۷.

۳. این عده از منحرفین، موجبات خشم الهی را فراهم آورده و از عذاب او ایمن نیستند. امام صادق (علیه السّلام) می فرماید: «هر گاه جنس مذکّر با مذکّر آمیزش کند عرش خداوند به لرزه در می آید».(۱)

امیر المؤمنین علی (علیه السّلام) فرمود:

«از پیغمبر اکرم (صلّی الله علیه و آله): شنیدم که می فرمود: نفرین خدا بر مردانی باد که خود را شبیه زنان می سازند (با مردان آمیزش جنسی می کنند) و لعنت خدا بر زنانی باد که خود را شبیه مردان می کنند».(۲)

۴. دانشمندان می گویند: ادامه کار همجنس بازی، تمایلات جنس را نسبت به جنس مخالف در انسان تدریجاً می کاهد و احساس زنانه در او پیدا می شود و هر دو گرفتار ضعف شدید جنسی و سرد مزاجی می شوند، به طوری که بعد از مدتی قادر به آمیزش طبیعی با جنس مخالف نخواهند

بود، به همین دلایل اخلاقی و اجتماعی، اسلام همجنس بازی را در هر شکل و صورت شدیداً تحریم کرده و برای آن مجازاتی شدید قرارداده است. بعضی از فقها گفته اند:

«اگر زن شوهر داری این عمل را انجام دهد، مجازاتش اعدام است».(۳)

زنا

«زنا» عبارت است از مباشرت جنسی مرد با زنی حتی در دبر که ذاتاً بر او حرام است. این افراد کسانی هستند که احکام نورانی اسلام را به تمسخر می گیرند و حتی به دفعات مکرر مرتکب گناهان کبیره در ملاء عام و محافل عمومی می شوند و به دلیل گستاخی هیچ پروایی از شکستن حریم

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۹.

۲- همان، ص ۲۵۵

۳- سایت تبیان، ص دین و زندگی.

حقوق الهی ندارند. طبق ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی، هرگاه مرد یا زنی چهار مرتبه نزد حاکم اقرار به زنا کند، محکوم به حد زنا (اعدام) خواهد شد.

این دسته از منحرفین، علاوه بر شکستن حرمت الهی و ضایع کردن حقوق انسان ها، سلامت اعتقادی و امنیت روانی جامعه و محیط اجتماعی را به مخاطره انداخته، موجب انحراف جوانان و اضمحلال خانواده ها می گردند.

خود ارضایی

اشاره

نوجوانی که به انحراف جنسی مبتلا می شود، در مراحل اولیه اثرات مخربی بر روی جسم او وارد می شود. زیرا اولین بیماری اعتیاد گونه ای که در اثر این انحرافات، گریبان گیر آن هامی شود، عادت و اعتیاد به گناه زشت استمناء(خود اِرضایی) است. برخی دختران و پسران با هدف لذت یابی جنسی از طریق تحریک اندام های تناسلی و جنسی خویش، به این رفتار روی می آورند.

در بین انواع انحرافات جنسی، خودارضایی شیوع بیشتری به ویژه در بین پسران دارد که لطمات زیادی را بر روح و جسم جوان وارد می آورد و در نهایت، او را به امراض روحی دچار کرده، استعداد و هوش را از بین می برد. همچنین اعتیاد جوانان به این گناه، موجب تزلزل شخصیت گشته و حساسیت آنان را نسبت به گناه و هر عمل زشتی از بین می برد.

حضرت علی(علیه السّلام) می فرماید:

«مَنْ تَسَرَّعَ إلی الشَّهَواتِ تَسَرَّعَ إلَیْهِ الأفاتِ»؛(۱)

ص: ۱۹۹

۱- شیوه های جذب جوانان و نوجوانان از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۸۷.

کسی که در شهوات تندروی کند آفات و بلایا نیز با سرعت به سوی او می شتابند.

ضررهای جسمانی خودارضایی

۱. تحریک زیاد غدد جنسی که سبب پرکاری نامتناسب آنها شده و موجب بلوغ زودرس می گردد.

۲. ضعف عمومی بدن، آسیب پذیری در برابر بیماریها و بالاخره پیری زود رس.

۳.کاهش نسبی خون و ضعف عصبی و عوارض روحی

۴. ضعف بینایی و بیاشتهایی و در صورت افراط، ضعف استخوانی و ناراحتیهای مفصلی و ضعف عصبی و لرزش دست و گاه فلج بعضی از اعضای بدن.

۵. ایجاد مشکلات جنسی بعد از ازدواج از قبیل ضعف جنسی و انزال زودرس، بیماریهای مقاربتی، عقیم شدن و ناتوانی در تولید مثل.

ضررهای روحی و روانی

۱. رکود فکری و اختلالات روانی از قبیل افسردگی و اضطراب.

۲ . اختلال در تفکر آزاد و تمرکز حواس به دلیل توجّه نسبتاً مداوم به موضوعات جنسی.

۳. ضعف حافظه، حواسپرتی و ناتوانی در تمرکز فکری، منزوی شدن و گوشهگیری، پرخاشگری و بداخلاقی.

۴. بیاحساسی و بیتفاوتی، کمرویی، یأس از زندگی و ناامیدی نسبت به آینده.

۵. هوسباز و بیبند و بار شدن و اعتیاد به ارضای جنسی نامشروع.

۶. عدم علاقه به مسائل معنوی و از بین رفتن صفای دل.

ص: ۲۰۰

۷. احساس گناه، ضعف اراده و عدم اعتماد به نفس.

ضررهای اجتماعی

۱. ایجاد مشکلاتی در امور ازدواج از قبیل دیر ازدواج کردن، بیمیلی به همسر و تشکیل خانواده، ناتوانی در مسائل زناشویی و سرد بودن کانون خانواده.

۲. از دست دادن آبرو و اعتبار اجتماعی و طرد شدن از جامعه.

۳. مشکل داشتن در دوست یابی.

۴. از دست دادن عشق و محبت نسبت به دیگران.

توصیه هایی به والدین برای فرزندان

والـدین برای جلوگیری از بروز این انحراف و مصونیت از آسـیب هـای آن می بـایست مطـالبی را به فرزنـدان خویش آموزش داده و توصیه کنند تا فرزندان امور زیر را باید رعایت نمایند:

۱. حتی الامکـان در مکانی خلوت و تنها و دور از نظر دیگران نباشـند. خود را در محیط های شـلوغ قرار دهنـد و از تنهایی، به ویژه در وقت شب اجتناب کنند.

۲. تـا زمـانی که خود بر ترک این عـادت مسلّط نشدهانـد، از رفـاقت و رفت و آمـد بـا کسـانی که به این عمـل زشت عـادت کردهاند، اجتناب کنند. البتّه این به معنای انزوای اجتماعی نیست، بلکه باید دوسـتان صالح و سالم جایگزین افراد بیمار و معتاد به عمل خودارضایی گردند.

۳. در هنگامی که افکار جنسی به ذهن انسان خطور میکند، بلافاصله آن را با ذکر خدا و معاد و... از ذهن خود دور نماید.

ص: ۲۰۱

۴. اوقات فراغت خود را بـا مطـالعه، ورزش، زیارت، عبادت، تفریـح سالم و به طور کلی با کارهای مثبت مثل فعالیت در امور خانه، کمک به اهل خانواده و ... پر کنند.

۵ . به یاد داشته باشـند که ورزش منظم و زیاد در رشته های تخصصی، رزمی، دفاع شخصی برای تخلیه انرژی زائد بدن بسیار لازم است.

۶. تقویت ایمان مذهبی و اراده و کنترل برخویشتن، شرکت مداوم در مجالس مذهبی و مراسم دعای توسل، تلاوت زیاد قرآن و تدّبر و تفکر در معانی آیات آن مهم ترین پشتوانه ها و عامل نظارت درونی انسان خواهد بود.

۷. هیچ گاه بدن خود را به صورت برهنه در آینه نگاه نکنند.

۸. در غیر موارد ضروری از نگاه کردن به اندام های جنسی خود پرهیز کنند.

۹. برای نظـافت موهـای زائـد بـدن، هرگز از تیغ و صـابون اسـتفاده ننموده و زود به زود به ازاله موهـای بـدن نپردازنـد بلکه از داروی نظافت بهداشتی (نوره) استفاده کنند.

۱۰. از نگاه کردن به مواضع جنسی و برجستگیهای بدن دیگران (حتی از روی لباس) پرهیز نمایند.

۱۱. از نگـاه کردن به فیلمهـا و عکس هـا و نیز گوش دادن به صـداها و نوارهـایی که موجب تحریک جنسـی می شود اجتناب کنند.

۱۲. از پرخوری و سیری بیش از اندازه به هنگام خواب پرهیز کنند. از این رو در شب غذای سبک و کم حجم میل شود و غذا را زودتر میل کنند تا به هنگام خواب احساس پری و سنگینی نکنند.

۱۳. از نوشیدن بیش از حد آب و مایعات در هنگام شب و قبل از خواب به ویژه در بین غذاها و غذای چرب پرهیز کنند.

ص: ۲۰۲

۱۴. سعی کنند هرگز به روی شکم نخوابند؛ زیرا این شیوه خوابیدن در تعالیم دینی مکروه بوده، یکی از قوی ترین تحریککنندههای جنسی محسوب می شود.

۱۵. از پوشیدن لباس های تنگ و چسبان (به ویژه لباس های زیر) خودداری کنند.

۱۶. از تصور نمودن و حتی تخیل امور جنسی (چه جنس موافق، چه مخالف) اجتناب کنند و حتی به قصد داشتن اطلاعات و آگاهی به سراغ این نوع مطالب نروند.

۱۷. از خوردن غذاهای تحریک کننده مانند: خرما، پیاز، فلفل، ادویه جات، تخم مرغ، سوسیس، کالباس، گوشت قرمز و غذای چرب اجتناب کنند. کنار نهادن این غذاها به صورت موقت هرگز بدن را دچار کمبود جسمی و سوءتغذیه نمی کند.

۱۸. با جنس مخالف کمتر مراوده داشته باشند و از روی ملایمت، لطف و محبت با آن ها صحبت نکنند.

۱۹. مطالعه و توجّه به ضررهای جسمانی، روحی و اجتماعی و نیز توجه به عواقب گناه خودارضایی می تواند بازدارنده خوبی باشد.

۲۰. هیچ گاه در حمام به طور کامل عریان نشوند.

البته والدین گرامی نباید تنها به ارشاد و توصیه زبانی اکتفا کنند، بلکه نظارت مستمر و غیر مشهود خود را در مسائل مزبور برای رسیدن به نتیجه نهایی ضروری و لازم به حساب آورند.(۱)

۱- (تیر/۱۳۸۷)، www.andisheqom.com..

عوامل خانوادگی انحرافات

بی اطلاعی و یا غفلت و سهل انگاری در مباحث تربیتی از سوی والدین، آثارجبران ناپذیری در ایجاد انحرافات جنسی خواهد داشت. از این رو خانواده و محیط آن، مهم ترین عامل این دسته از جرم ها وگناهان است. تربیت جنسی فرزندان از وظایف مهم والدین به حساب می آید که باید با محوریت عفاف و تقوا، کم کردن زمینه های تحریک جنسی آنان را فراهم آورند. از جمله با جداسازی بستر آنان از ده سالگی و عدم ارتباط جنسی والدین در کنار فرزندان و ... .

اما برخی ازخانواده ها با ندانم کاری های خود زمینه انحراف جنسی را در فرزندان به وجود می آورند. البته خود فرد هم ممکن است با داشتن اخلاق زشت شهوت رانی و مشغول کردن خود به این امور و پیروی نکردن از عقل و اندیشه گرفتار این پدیدهٔ شوم گردد. پس لازم است که نوجوان با یاری جستن از خداوند و تقویت ایمان و پیروی کردن از عقل و مشغول ساختن خود به کارهای مفید خود را از این گرداب نجات دهد. در غیر این صورت، گرفتار عاقبت شوم این انحراف می گردد. امام علی(علیه السّلام) د ر همین زمینه می فرماید:

بر شهوت خویش مسلط شو و بیش از آن که قدرت تجری پیدا کند و به تندروی عادت نماید؛ چه آن که اگر شهوت در خودسری و تجاوز نیرومند گردد، مالك و فرمانروای تو می شود و به هر سو که بخواهد، تو را می کشاند و تو در مقابل آن تاب مقاومت نخواهی داشت».(۱)

بدیهی است چنانچه در محیط خانه، یک نظام تربیتی غلط بر زندگی حاکم شود جوان را به سوی انحراف سوق می دهد.

۱- غررالحکم، ص ۵۰.

جوانی که در آغاز بلوغ جنسی در کوچه و خیابان و حتی مدرسه با صحنه های شهوت انگیز روبه رو شود و از طرفی هم وسایل ارتباط جمعی مثل سینما و تلویزیون، اینترنت و ماهواره، نشریات و مجلات، صحنه های تحریک کننده را نمایش دهند و از سوی دیگر در حالی که والدین تعالیم تربیتی مکتب انسان ساز اسلام را نادیده گرفته و در محیط خانوادگی خود،رفتارهای نابه جا و غیر معقولی از خود نشان دهند، چگونه می توان شاهد کنترل صحیح مسائل جنسی از سوی جوان یا نوجوان بود؟

عوامل انحرافات

اشاره

زمینه های انحراف جنسی در شرایطی که انسان رشد می یابد و پا به مرحله بلوغ می گذارد، فراوان بوده، ممکن است در دوران زندگی بسیاری از جوانان پیش آید و شهوت جنسی آنان را تحریک نماید و در نهایت موجبات آلودگی و انحراف آن هارا فراهم سازد. برخی از این زمینه های اولیه عبارتند از:

۱. بلوغ زودرس و دیررس

عوامل وراثتی، طرح و ساختمان بدنی، نوع تغذیه و مسائل فرهنگی از عواملی هستند که در بروز بلوغ زودرس و دیررس دخیل هستند. بلوغ چه به صورت زودرس اتفاق بیفتد و چه با تأخیر همراه باشد، نگرانی ها و مشکلاتی را برای نوجوان به همراه خواهد داشت. هرچند عواقب آن هم برای دختر و هم برای پسر وجود دارد، اما بلوغ زودرس اغلب برای دختران و بلوغ دیررس برای پسران مشکل آفرین تر است.

ص: ۲۰۵

۲. دوستی با جنس مخالف

عواطف ویژه دوران بلوغ جنسی و غلیان هیجانات و تحولات جنسی افراد، موجب گرایش شدید به برقراری روابط دوستی با جنس مخالف می شود. چه بسا این گونه دوستی ها سرانجام به روابط و رفتارهای جنسی تبدیل شده، سرچشمه انحرافات دیگری شود. در این وضعیت ارائه شناخت و آگاهی های لازم به نوجوان در خصوص کنترل عواطف و هیجانات و چگونگی و پیامدهای این گونه دوستی ها، در جهت سلامت اخلاقی آنان بسیار مفید خواهد بود.

۳. وسوسه های شیطانی

عامل مهمی که موجب دعوت انسان به سوی انحراف جنسی می گردد، همان وسوسه های شیطانی است که در این صورت باید از شر شیطان به خدا پناه ببرد.

زمانی که انسان در شرایط محیطی نامساعد و تحریک آمیز قرار گیرد، خواسته هایی در او ظاهر می شود. شیطان این خواسته های نفسانی را در نظرش زیباو دل فریب جلوه می دهد و فرد را به سوی ارتکاب و انجام عمل وسوسه می کند.

زمینه های انحراف جنسی

عوامل متعددی در پیدایش روابط نامشروع و انحراف جنسی در بین زوجین، نوجوانان و جوانان تأثیر دارند که برخی از آن ها بشرح زیر است:

۱. ضعف ایمان و سهل انگاری در وظایف مذهبی و نداشتن تربیت صحیح دینی هریک از اعضای آسیب دیده و منحرف

۲. مساعد نبودن مسکن و محله زندگی؛ مسکن مناسب، یکی از نیازهای اولیه هر خانواده است. مسکن هر خانواده ای نشان گر سطح اجتماعی و اقتصادی والدین آن خانواده است. والدین با انتخاب محل جغرافیایی مسکن خویش، مستقیماً اطرافیان کانون خانواده خود را در جامعه انتخاب می نمایند و موقعیت کانون خانواده به نوبه خود و در حد وسیعی به برخورد کودک با انواع الگوها و سرمشق ها بستگی پیدا کرده، از این رهگذر اثرات خوب یا بدی حسب مورد در شکل گیری شخصیت کودک به جا می گذارد.

فقر، تأثیر بسزایی در انتخاب محل سکونت و نیز نوع منزل مسکونی دارد. حاشیه نشینی و سکونت در زاغه ها یا اتاق های مخروبه و کثیف از تبعات فقر در مسکن است. این منازل علاوه بر داشتن شرایط بسیار نامساعد و غیر بهداشتی و کوچک بودن، در اغلب موارد همه اعضای خانواده در یک اتاق زندگی می کنند. ازدحام و شلوغی خانه ها، زندگی اجباری در یک اتاق به عنوان خوابگاه و دل گرم کردن خود به روابط جنسی و عدم امکان تربیت صحیح از جمله پیامدهایی است که خود، زمینه ساز بسیاری از انحرافات است.

چنانچه مسکن فاقد حداقل استانداردهای مورد پذیرش شهرسازان و جامعه شناسان و جرم شناسان باشد و مساحت آن به نسبت ساکنین آن کمتر باشد، چه بسا آثار سوء و شومی بر ساکنین آن منزل و علی الخصوص به کودکان و نوجوانان آن منزل خواهد داشت. از جمله این آثار سوء، تحت تأثیر قراردادن حیات جنسی کودکان و نوجوانان است. اگر والدین و کلیه اعضای منزل شب را در یک اتاق به سر برند، چه بسا روابط جنسی زن و شوهر تأثیر مخرّب در کودک گذارده، موجبات بی بند و باری و انحرفات جنسی در آن ها می شود. مبرهن است که در چنین کاشانه های محقّری احتمال وقوع جرائمی مثل زنا با محارم بیشتر از سایر منازل است.

ص: ۲۰۷

۳. عـدم توجه والـدین به احکـام دینی و توصـیه هـای اخلاقی و تربیتی در انجـام رفتارهـای زناشویی به منظور سـلامت روانی فرزندان و سـهل انگاری پدران و مادران و برخورد کودکان با منظره هایی که نباید آن را ببینندف سرچشمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماری های روانی شده است. والدین باید خیلی مواظب باشـند که با دست خود، جوان و نوجوان آن هاآلوده به این امر نشود.

پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله) می فرماید:

«به خـدا سوگنـد! اگر مردی با همسـرش نزدیکی کند، در حالی که کودکی در آن اتاق خوابیده باشد وآنان را ببیند و صدای گفت وگـو و تنفسـشان را بشـنود، آن کـودک خـواه پسـر باشـد خواه دخـتر، ابـداً به رسـتگاری نمی رسـد بلکه آلوده خواهد شد».(۱)

۴. مهـاجرت هـای خـانوادگی؛ بـدون در نظر گرفتن انگیزه این گونه مهـاجرت ها بایـد گفت در مهاجرت های خانوادگی که شامـل تمـامی اعضـای یک خانواده می گردد، والـدین برای تربیت و هـدایت فرزنـد خود دچار مشـکل خواهنـد شـد و چناچه تدبیرهای جدید و صـحیحی برای وظایف تربیتی خود نیندیشـند، دیگر نخواهد توانست مانند گذشته که در شهرستان کوچک خود زنـدگی می کردنـد، روی فرزنـد خویش کنـترل و تسلط داشـته باشـد.از طرف دیگر فرزنـدان هم بـا مشاهـده رفتارهـا و فرهنـگ جدیـد شـهروندان، دچار تضادهای فکری و فرهنگی شـده، به دنبال آن هویت خود را کم و بیش از دست می دهنـد. این بحران هویت موجب فاصـله گرفتن فرهنگی از والـدین خود می گردد و این خود، بـاعث بروز زمینه هـایی برای بزه کاری آنان از جمله انحرافات جنسی می شود.

۱- نظام تربیتی اسلام، ص ۶۱.

همچنین غریبه بودن مهاجران و ناشناس بودن آنان، موجب جرئت و جسارت بیشتر ایشان برای ارتکاب برخی جرائم و گناهان و یا غافل گیر شدن به دست مجرمان جنسی خواهند شد.

۴. سوء استفاده ازعشق جوانی؛ احساسات محبت آمیزی که در دوران جوانی رخ می دهد و تحت عنوان «عشق» خوانده می شود، ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد و جوان را از جاده مستقیم کمال، منحرف سازد. عشق، نوعی کشش و جاذبه ای نیرومند است که بین انسان و یک موجود خارجی، برای رسیدن به یک هدف، ایجاد می گردد؛ اگر منشأ آگاهانه و انگیزه الهی داشته باشد، یکی از عالی ترین تجلیات روحی انسان و از پرشکوه ترین جلوه های آفرینش به شمار می رود، اما اگر همین جاذبه «عشق»، تنها ریشه ای غریزی و شهوانی داشته باشد و انگیزه شیطانی پیدا کند، از مظاهر نفس اماره بوده، در این حالت عقل و ایمان را در وجود آدمی تضعیف می کند، به طوری که فرد عاشق، دیوانه وار برای رسیدن به معشوق خود به هر کار نامشروعی دست می زند تا به کام خود برسد؛ حتی اگر در نظر مردم هم رسوایی هایی به بار آورد.

آری، غفلت از هدف آفرینش و راه صحیحی که به آن منتهی می شود، انسان را از چهارپایان هم پست تر و گمراه تر، بلکه از هر جانور و جنبنده ای بدتر می کند.

پسران و دختران جوان باید مراقب این دام های خطرناک و گوناگون باشند که با نام دروغین «عشق پاک» بر سر راه آنان قرار می گیرد، دام هایی که پس از افتادن در آن غالباً رهایی بسیار دشوار است و کفاره لحظه ای غفلت و خوش بینی بی جا، تسلیم شدن در برابر الفاظ فریبنده ای همچون «محبت» برای افرادی که کمبودهایی دارند و در محرومیت به سر برده اند، خواهد بود.

ص: ۲۰۹

خیلی از دوستی ها و دل بستگی های غیرعاقلانه- که تفکری منطقی به دنبال آن نباشد- با کمال تأسف موجب ارتباط های نامشروع به صورت تلفن، نامه و ملاقات هایی در کوچه و خیابان می شود که عشق های دروغین و هوس های زودگذر است و نقطه پایانی آن ارضای کام جویی های گناه آلود و بی قید و شرط است و پس از آن، با فرونشستن آتش هوس و شهوت از هم جدا شده و بعد از اندکی همه چیز فراموش می گردد و عشق سوزان، مبدل به حالت پشیمانی، غم و اندوه، بی آبرویی و رسوایی و سردرگمی در آغاز زندگی خواهد شد و این خود اختلال ها و ناسازگاری های مراحل بعدی زندگی را به دنبال خواهد داشت. میدان ندادن به عقل و بازگذاردن عرصه شهوات، چشم وگوش انسان را کور و کر می کند، به طوری که عواقب وخیم و خطرناک آن را تنها پس از ارتکاب عمل می فهمد؛ زیرا پیش از عمل، رسوایی کار ناپیدا و پوشیده است.(۱)

امام علی(علیه السّلام) در این باره می فرماید:

«رُبَّ شهوه ساعه تورث حزناً طویلاً »؛(۲)

چه بسا یک ساعت شهوت رانی، اندوه طولانی به بار می آورد.

۶. چشم چرانی و رفت وآمدهای بی جا در کوچه و خیابان و حضور در اماکن و محلات آلوده و جرم خیز.

۷. گوش دادن به حرف های افراد منحرف و آلوده در باره مسائل جنسی و کسب اطلاع نادرست و نامناسب و نداشتن آگاهی صحیح از مسائل بلوغ.

۸. عدم کسب موفقیت های تحصیلی و درسی.

۹. خیال پردازی های انحراف آمیز در هنگام تنهایی.

۱۰. تماشای فیلم ها و تصاویر ماهواره ای و برخی از برنامه های شبکه های اینترنت و مطالعه داستان ها و کتاب های تحریک کننده.

۱- میزان الحکمه، ج۱، ص ۳۸۱.
۲- والدین و مربیان مسئول، ص ۱۳۲.

۱۱. عدم توجه والدین به درخواست ها و نیازهای همدیگر در مسائل و روابط زناشویی.

۱۲. همنشینی با دوست و رفیق منحرف.

۱۳ . کمبودهای عاطفی و روابط آشفته خانواده و طرد از خانواده زمینه مناسبی برای احساس تنهایی و تسلیم به افراد شهوت طلب را فراهم می آورد.

۱۴. ضعف عقلانی؛ نقص و ضعف عقلی برخی افراد مانع از آن است که شخص از ارزش های انسانی خود آگاه شود و در نتیجه در موقع مقتضی نمی تواند تصمیم مطلوب و پسندیده بگیرد و تحت تأثیر عوامل نامساعد محیطی و جوّ موجود قرار می گیرد.

۱۵. سوء استفاده ابزاری از مسائل جنسی؛ برخی از مؤسسات اقتصادی برای جلب نظر مصرف کننده و تأمین منافع هر چه بیشتر اقتصادی و تجاری، نیازهای جنسی افراد را تحریک می کنند؛ عدم ارضای آن به انحرافات اخلاقی و جنسی منجر می شود.

۱۶. وجود فقر مادی و نیاز های اقتصادی در برخی نوجوانان و جوانان، موجب گرایش آنان به این موارد می شود.

همه این ها می تواند زمینه های بروز انحرافات جنسی را در افراد فراهم سازد. اگر ریشه های پیدایش انحرافات جنسی از قبیل: روابط نامشروع بین دختر و پسر، همجنس گرایی، خود ارضایی و... بررسی شود، معلوم خواهد شد هر خانواده ای که در آن حریم بین زن و مرد و دختر و پسر رعایت نشده باشد، به نوعی از انواع انحراف جنسی مبتلا شده است.(۱)

۱۷. در حال حاضر مهم ترین وسیله و ابزار سرگرمی قابل دسترسی عمومی، در شهرهای کوچک و بزرگ ایران، استفاده و تماشای فیلم ها و

ص: ۲۱۱

۱- همان.

بـازی هـای رایانه ای است. برخی ازاین فیلم ها و بازی های رایانه ای در بردارنـده مطالب غیر اخلاقی و برافروزنـده احساسات جنسی و مغایر با ارزش های تربیتی اسلامی است که نتایج ضد دینی و انحرافی بسیاری در پی خواهد داشت.

ایـن نرم افزارهـای مخرب، روزانـه در خـانه هـا و برخی امـاکن عمـومی و «گیم نت هـا» به عنـوان سـر گرمی توسـط کودکـان، نوجوانان، جوانان و حتی بزرگ سالان استفاده می شود.

۱۸. استفاده نامعقول از اینترنت؛ استفاده نامعقول و غیر شرعی از اینترنت، آسیب هایی مختلفی را در محیط خانه ایجاد می کند که هر یـک از آن هـا، پس از کشانـده شـدن به محیـط خـارج از خـانه، شـدت ویژه ای پیـدا کرده، زمینه ساز جرائم و گناهان متعددی خواهد شد.

مسائل جنسـی بزرگ ترین ترس والـدین در قبال کودکان در اینترنت هسـتند. با این وجود، سایر مطالب نامناسب ممکن اسـت مانند آزار و اذیت، مواد مخدر و سـیگار، اسـلحه و مواد منفجره، قمار، کلمات ناپسند و خرافات نیز کودکان را تحت تأثیر قرار دهنـد. در هنگام گشت و گـذار در اینترنت، کودکان ممکن است با بعضـی افراد که در سایت ها با آن ها آشـنا شده اند، قرار ملاقـات بگذارنـد. افراد منحرف جنسـی معمولاً ـ از پست الکترونیکی، بولتن هـای خبری و اتـاق هـای گفت وگو برای کسـب اعتمـاد کودکـان و سـپس ملاقـات بـا آنهـا، بهره می گیرنـد. هر مـاه در آمریکا، کودکان زیادی برای ملاقات با افرادی که در اینترنت با آن ها آشـنا شـده انـد، از خانه خارج می شونـد یا فرار می کنند. گاهی اوقات آن هاحتی می خواهند به کشور های دیگر بروند.(۱)

۱۹.بـدحجابی و ولنگـاری پوششـی دختران و پسـران؛ از آنجـا که رعـایت نکردن ضوابـط شـرعی و قـانونی پوشـش در جامعه اسلامی و محیط اجتماعی مسلمانان، خود جرم و گناهی فردی محسوب می شود، همچنین به دلیل آثار

۱- راهنمای جامع کامپیوتر، کنترل والدین ، ص ۳۰.

مخرب آن بر عموم مردم و ایجاد تحریکات اخلاقی و جنسی نسبت به دیگران و برهم زدن تعادل روانی و انضباط اجتماعی جامعه، گناه و انحراف اجتماعی می باشد.

۲۰. عدم توجه به مجالست ها و همنشینی با افراد بی بندوبار و لاابالی و منحرف خانواده های فامیل.

۲۱. عدم برنامه ریزی مفید در اوقات فراغت و بی کار بودن فرزندان؛ به ویژه در فصل تابستان.

وظایف پیشگیرانه والدین

در برنامه های اخلاقی و فقهی دین، تعالیم و دستورهایی وجود دارد و از مجموع آن هابرمی آید که والدین باید به مسائل جنسی فرزندان در یک مسیر طولانی توجه کنند. از هنگامی که فرزند به دنیا می آید و شیر خواری بیش نیست، باید مراقبت کامل به عمل آید و در صورت بیداری اش در اتاق خواب، والدین از هرنوع رفتار جنسی و زناشویی پرهیز کنند و این محافظت باید در طول حیا ت فرزندان ادامه یابد. کلمات و حرکات والدین نباید به گونه ای باشد که غریزهٔ خفتهٔ آن هارا بیدار کند.

علاوه بر دستورها و دقت نظرهای یاد شده، اسلام بر توجه به نیازهای غریزی فرزندان در دوران بلوغ و ترغیب و تشویق والدین به مهیا نمودن زمینه های ازدواج آسان جوانان تأکید می کند. دین شریف اسلام با نکوهش آداب دست و پا گیر جاهلی که هر یک مانعی بر سر راه ازدواج خواهد بود، طرحی به نام هم کفو بودن و «همسان همسری» را مطرح می کند که در آن، ملاک اساسی، ایمان و اخلاق است؛ چرا که در نگاه دینی پسر مؤمن هم تر از دختر مؤمن و دختر پاک مناسب پسر پاک است.(۱)

۱- راهنمای جامع کامپیوتر، کنترل والدین، ص ۳۰.

به هر صورت، والدین باید فشارهای ناشی از غرایز جنسی را بر فرزندان خود باور کنند و ضمن پیراستگی محیط زندگی خود از هر گونه عامل تحریک زا، شرایط ازدواج صحیح را در اولین فرصت برای فرزندان خویش فراهم آورند.(۱)

از آنجا که خانواده ها قابلیت پیشگیری از انحرافات جنسی را در سه محور جداگانه (زوجین، فرزندان، جامعه) دارند، وظایف پیشگیرانه آن ها در هر یک از سه محور مزبور، جداگانه ارائه می گردد:

وظایف پیشگیرانه والدین نسبت به همدیگر

۱. رعایت حقوق زوجین در برآوردن درخواست های جنسی همدیگر؛ به یقین معلوم است که ارضای تمایلات جنسی موجب ترک یا کاهش درخواست ها یا رفتارهای جنسی خارج از چارچوب خانواده شده، استحکام نظام خانوادگی را به دنبال دارد. علاوه بر این، وجوب تمکین جنسی زن در برابر شوهر از حقوق مسلم زناشویی است که در فقه اسلامی برای مردان مقرر شده است.

۲. توجه زوجین به زیبایی و آراستگی ظاهری یکدیگر؛ با توجه به این که زیبایی و مرتب بودن ظاهری زوجین ارتباط با جاذبه و میل جنسی دارد، رعایت این مسئله از سوی زوجین موجب پاک دامنی و عفت و در نتیجه استحکام خانواده و پیشگیری از انحرافات جنسی می گردد.

در روایتی آمده است:

شخصی گوید:امام موسی بن جعفر (علیه السّلام) را دیدم که خضاب کرده بود(موی سر وصورت را رنگ کرده بود) گفتم: «فدایت شوم، خضاب کرده ای ؟ ! » فرمود: «آری، نظافت و آراستگی مردان از اموری است که بر عفّت زنان می افزاید و عفت زنان از آن رو

ص: ۲۱۴

۱- نور/ آیه ۲۶.

کـاهش یـافته که شوهران آن ها به سـر وروی خود نمی رسـند.» سـپس فرمود: «آیا مایلی همسـرت را در وضـعیت نامناسبی از حیث نظـافت و آراسـتگی ببینی؟» گفتم: «نه.» فرمود: «پس در مورد همسـرت نیز این را نپسـند (که تو را در وضـعیت نامناسبی ببینـد). آنگـاه فرمود: «پـاکیزگی، اسـتفاده از بوی خوش، زدودن موهـای اضـافی و اهمیت دادن به رابطه جنسـی، جزء اخلاـق پیامبران است. »(۱)

۳. پرهیز زنـان ازحضـور در مشاغـل اجتمـاعی نامنـاسب؛ به ویژه کـا رگـاه هـای خصوصـی و به همراه پیمودن مسـافت زیـاد و معاشرت و اختلاط متعدد با مردان نامحرم.

۴. پرهیز مردان از بیکاری و ناتوانی مالی و اقتصادی؛

۵. پرهیز از اشتغال مردان به کارهای نامناسب و یا اماکن و کارگاه های با خطر آسیب پذیری جنسی.

وظایف پیشگیرانه والدین نسبت به فرزندان

با شـروع دوران بلوغ، دوره حساس و بحرانی و فشارهای شدیـد جنسـی آغاز می شود. وظیفه پـدر و مادر در این مرحله نقشـی تعیین کننده در شخصـیت و آینده فرد خواهد داشت. والدین با به کار گرفتن برخی تدابیر و شـیوه های تربیتی می توانند میزان آسیب پذیری فرزندان خود را بسیار کاهش دهند.

۱. مهم ترین توصـیه اسـلام برای جلوگیری از این انحرافـات و ارضای معقول و مشـروع غریزه جنسـی، اقـدام مناسب و به موقع برای ازدواج می باشـد. بـدیهی است وظیفه والـدین در سازوکارهـای اولیه و مقـدمات این امر مقـدس نقش سـرنوشت سازی خواهد داشت؛ از همین رو والدین باید با صحبت های دوستانه و ارشادی خود، توجه به اصل ازدواج را برای وی روشن کرده،

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

سپس مراحل اولیه جست وجو و گزینش و کمک به انتخاب همسر مناسب را برای فرزندشان مهیا سازند.

۲. اطلاع رسانی منطقی به فرزند درباره مسائل جنسی؛ یکی از مشکلات جامعه ما این است که وجود شرم و حیای بی جا و حرمت داری های نابه جای دختران و پسران، مانع نزدیک شدن عاطفی آن ها به پدران و مادران گشته است. والدین باید با منطقی ساده و بدون پرده پوشی های غیر لازم و به عنوان دوست و محرم رازفرزندان، اطلاعات کافی و مفیدی درباره مسائل جنسی و بلوغ و آثار آن به فرزندان منتقل نمایند تا آنان علاوه برآشنایی با تحولات جدید جسمی و روحی خود، راه های کنترل و هدایت صحیح این فشارها را بیاموزند.

بدیهی است نزدیکی عاطفی فرزندان به والدین، موجب خواهد شد تا آنان تحولات، دیده ها، شنیده ها و اتفاقات پیش آمده در این باره را به راحتی و بدون دلهره، با والدین خود در میان گذاشته، راه کارها ی مناسب فردی و اجتماعی مربوط را به دست آوردند. همچنین با این تعامل دو طرفه و ایجاد حس اعتماد، والدین قادر خواهند بود با گرایش ها و افکار و احساسات فرزندان خویش آشنا شده، پیش از هر گونه رفتار مجرمانه و انحرافی فرزندانشان، آنان را از بزه کاری های احتمالی نجات دهند.

۳. رعایت اصول و ضوابط شرعی در باره رفتارهای جنسی و زناشویی از سوی والدین؛ قرآن و احادیث، مکرر توصیه کرده اند که والدین نباید عملی انجام دهند که موجب بیداری بی موقع یا تشدید غریزه جنسی در جوان گردد.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

ص: ۲۱۶

(وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ ايَاتِهِ وَاللهُ عَليمٌ حَكيمٌ)؛(۱)

هنگامی که کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، باید مانند سایرین و به همان شیوه سابق، برای ورود به جایگاه خصوصی والدین اجازه بگیرنند، خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می کند؛ در حالی که از روی علم و حکمت به مصلحت شما واقف است.

در این باره، حدیثی از امام صادق(علیه السّلام) نقل شده که فرموده اند:

«مرد نباید با همسر یا کنیز خود- در صورتی که کودکی در آن جا وجود دارد- نزدیکی نماید؛ زیرا این عمل موجبات زنا را فراهم می آورد».(۲)

۴. جدا سازی محل خواب و بستر فرزندان از محل خواب والدین. همچنین جداسازی محل خواب فرزندان پسر از از محل خواب فرزندان دختر.

۵. والدین باید تلاش کنند تا فاصله بین زمان اصلی خواب با هنگام به بستر رفتن فرزندان را تا حد امکان کوتاه نمایند. هچنین جداشدن از بستر بلافاصله پس از بیدار شدن در این مسئله سفارش شده است.

۶. والدین تلاش کنند حتی الامکان مدت حضور فرزندان خود را در حمام کوتاه نمایند.

۷. تهیه تغذیه مناسب با سنین بلوغ جنسی و هیجانات درونی او با هدف کاهش هیجان ها و بحران های درونی. در سبد غذایی چنین فرزندانی، وجود سبزیجات و میوه و لبنیات مناسب بوده، پرهیز از ادویه جات و ترشیجات و خوردن بی رویه گوشت توصیه شده است.

۸. رعایت عفت و حیا در پوشش والدین؛ پیامبر گرامی اسلام (صلّی الله علیه و آله) فرمود: «کسی که حیا ندارد دین کاملی ندارد». نیز فرمود: «شرم و حیا بخشی از

۱- نور/ آیه۵۹.

۲- نور/ آیه ۵۹.

ایمان است؛ از این رو طرز پوشش و نوع لباس پدر و مادر در خانه و هنگام حضور فرزندان باید بر اساس رعایت کامل عفت و حیا باشد. همچنین والدین باید هنگام

تعویض لباس خود، مراعات شرایط خانه و توجه فرزندان خود را بنمایند».

۹. ورزش از جمله فعالیت هایی است که مورد توجه و علاقه اعضای خانه به ویژه فرزندان بوده، در درمان یا کاهش این گونه انحرافات مناسب است.

۱۰. رعایت عفت و حیا در گفتارها؛ والدین نباید در مقابل فرزندان کلمات و واژه های مربوط به مسائل جنسی و اندام های جنسی انسان را به طور صریح و به اصطلاح با «رک گویی» به زبان آورند و هچنین در شنیدن این گونه کلمات، نرمش به خرج ندهند. همچنین رفتار و نگاه پدر و مادر به یکدیگر(در حضور فرزندان) نباید به گونه ای باشد که نشانه ها و علائم رفتار جنسی درآن ها احساس شود.

۱۱. نظارت بر زمان و مکان تماشای فیلم ها و بازی های رایانه ای فرزندان و کنترل بر ورود و خروج سی دی ها در منزل یا محیط کار.

۱۲. با توجه به این که امروزه برخی سریال ها و فیلم های در شبکه های ماهواره ای، خلاف سلامت روانی و تربیتی افراد و خانواده هاست و آثار مخربی بر جای خواهد گذاشت، والدین محترم می توانند تدابیری برای جلوگیری از تماشای این فیلم ها و برنامه های ماهواره ای در نظر بگیرند. قرار دادن تلویزیون در محل عمومی منزل، پرهیز از تماشای آن ها در ساعات پایانی شب یا نیمه شب، تماشای فیلم با حضور والدین، مسدود کردن الکترونیکی کانال های آلوده به مسائل جنسی و خشونت از این دسته اند.

۱۳. دقت و توجه والدین به ویژه مادران به وضعیت ظاهری و پوشش مناسب دختران در بیرون از خانه برای مصون ماندن از هرگونه تعرض یا

پیشگیری از دل فریبی دیگران؛ بدیهی است والدین باید معقول و مناسب بودن لباس فرزندان پسر را هم مدنظر قرار دهند.

۱۴. تـامین مایحتـاج زنـدگی و فراهم کردن امکانـات مورد نیـاز خانواده و فرزنـدان؛ از آن جا که مرد دارای وظیفه حمایتی از اقتصاد خانواده بوده و از نظر فقهی ملزم به تأمین مخارج زندگی خویش است، سـهل انگاری او در این قسـمت، برخلاف شرع مقدس بوده، تبعات منفی دنیوی و اخروی را در پی خواهد داشت.

۱۵. پرهیز از مهاجرت های غیر ضـروری برخی از اعضای خانواده و یا مهاجرت خانوادگی به شهرهای بزرگ بدون پیش بینی های قبلی.

۱۶. تنظیم، کنـترل و تصـحیح اسـتفاده از اینـترنت. برای کنـترل بهتر و جلو گیری از آسـیب هـای احتمـالی از اینترنت، توجه به دستورالعمل های زیر برای والدین ضروری است.

توصیه به والدین در باره اینترنت

اشاره

دلیل اصـلی آسیب های خانوادگی اینترنت، عدم توجه والدین و قرار گرفتن فرزندان در معرض مطالبی است که قادر به درک صحیح آن ها نیسـتند و ضـمناً نمی توانند آن ها را با والدین خود در میان گذارند. بدیهی است هیچ کدام از این دلایل، باعث نمی شود که افراد از استفاده از اینترنت محروم گردند. این حالت مانند این است که آن ها را از رفتن به سطوح تحصیلی بالاتر منع کنیم؛ چون در آن مکان ها با فساد و مطالب نامناسب بیشتری برخوردار خواهند بود.

بـا تـوجه بـه این که اینـترنت می توانـد یکی از ابزارهـای انحرافـات و تخلفـات جنسـی قرارگیرد و همزمـان بـا پیشـرفت علم و تکنولوژی، رشـد فزاینـده کمّی و کیفی می یابـد و همواره نظام تربیتی و اخلاقی و حقوقی خانواده و جامعه را تهدید می کند، بر همه دست اندرکاران تعلیم و تربیت، به ویژه پدران و

مـادران لازم است که راه هـای پیشـگیری و مبـارزه بـا این امور را تـا حـدامکان فرا گرفته، به کـار ببندنـد؛ از این رو برخی از دستورالعمل های مربوط به آن را مرور می کنیم:

۱. آشنایی والدین با شیوه صحیح استفاده از اینترنت؛

این مسئله موجب می شود که به راحتی فرزنـدان را به اسـتفاده از برنـامه های مفیـد رایانه و اینترنت راهنمایی کننـد، از اتلاف وقت جلوگیری به عمل آورنـد و امنیت فرزنـدان را تأمین کننـد. کتابخانه های محلی، مراکز اجتماعی یا مدارس، ممکن اسـت مطـالب مفیـدی برای آشـنایی بـا اینـترنت در اختیـار داشـته باشـد. شـما می توانیـد از یـک موتور جست وجو برای یـافتن «وب سایت»هایی که دارای متونی برای مبتدیان در اینترنت است، بهره بگیرید.

۲. مشارکت داشتن؛

بین خود و فرزنـداتتان در تجربیـات کـار با اینترنت، دیواری به وجود نیاوریـد. صـرف زمانی همراه با کودک در اینترنت به او کمک می کنـد تا ارزش هایی که شـما می خواهیـد وی در هنگام کار با اینترنت از آن ها پیروی کنـد، درک نمایـد. بنابراین وقتی کودکان و نوجوانان از اینترنت استفاده می کنند، توصیه می شود که والدین هم در کنار آنان بنشینند.

۳. سفارش های امنیتی؛

والدین به فرزندان خود بیاموزند که از باز کردن ایمیل های افراد ناشـناخته خودداری کنند تا موجبات تهدید های اینترنتی برای آنان فراهم نشود و همچنین بیاموزند که اطلاعات شخصـی خود و رمز ورود به اینترنت خود را در اختیار دیگران قرار ندهند و از ملاقات حضوری با کسی که در اینترنت با او آشنا شده اند، خود داری نمایند.

ص: ۲۲۰

۴. داشتن دیدگاه مناسب؛

واکنش بیش از حد در برابر یک مطلب، مثلا ترساندن کودک، علاوه بر ایجاد یک واکنش منفی می تواند کنجکاوی آنان را نیز تحریک کند.

۵. نظارت برمحل استقرار کامپیوتر؛

کامپیوتر خانگی خود را در محلی عمومی در خانه مثلا اتاق نشیمن قرار دهید که بتوانید در آن جا فرزند خود را تحت نظر داشته باشید. اجازه ندهید کودکان کم سن و سال، به تنهایی در اینترنت به گشت و گذار بپردازند. این کار مانند تنها گذاشتن بیش از حد آن ها در خانه است.

۶. نظارت بر زمان استفاده؛

این که به کودکانتان اجازه دهید تا هر زمان که مایل است در اینترنت به گشت و گذار بپردازد، اشتباهی بزرگ است. محدودیت زمانی مناسب، بستگی به شرایط فردی شما دارد؛ اما از یک سری دستورالعمل ها می توان بهره گرفت.

در پایان، می توانید در مورد زمانی که کودک شما اجازه دارد به طور دلخواه دراینترنت به گشت و گذار بپردازد،

محدودیت ایجاد کنید؛ چون احتمال برخورد وی با مطالب ناخواسته در این زمان بیشتر است.

۷. یاد گیری شگردهای کنترل نرم افزاری؛

در مورد ابزارهای مختلف جهت کنترل والدین و فیلتر نمودن مطالب، چیزهایی را بیاموزید تا بتوانید به ایمنی کودک خود کمک کنید.

۸. نظارت بر میزان استفاده؛

برای جلو گیری از اعتیاد کودکان و نوجوانان به رایانه، بهتر است برنامه زمانی مناسب تدوین شود. به طوری که بتوان بین زمان حضور اعضای خانواده و زمان کار با اینترنت، تعادل برقرار کرد.

ص: ۲۲۱

۹. آموزش های فرهنگی و دینی؛

ارزش هـا و فضایـل انسـانی را به جوانـان و نوجوانـان خود آموزش دهیم تـا ایشان بر پایه آن ارزش ها زنـدگی خود را ارزش گـذاری کنند و از اینترنت اسـتفاده درست نمایند. اگرچه هیچ جایگزینی برای مراقبت و راهنمایی والدین وجود ندارد؛ اما می توان علاوه بر این نظارت، از

تکنولوژی هـا و نرم افزارهایی که برای فیلترکردن یا محـدودن کردن سایت های قابل نمایش، طراحی و ساخته شـده، اسـتفاده کرد.(۱)

۱۰. گذاشتن قوانین دوستانه برای فرزندان؛

والدین می توانند پس از راهنمایی ها و سـفارش های لازم با فرزندان خویش، احساس مسئولیتی را در قبال اعمالشان، در آنان بوجود آورده، پس از درک بعضـی خطرات موجود در سـایت هـا، توافقـات دوسـتانه ای را تنظیم کننـد تـا آنـان خود ملزم به رعایت آن ضوابط شوند. برخی از این ضوابط بشرح زیر است:

الف) من هرگز جزئیـات فردی ماننـد نـام، آدرس، شـماره تلفن، آدرس مـدرسه یـا تصاویر خود را در اختیار دیگران قرار نمی دهم.

ب) اگر مطلب بـد یا تصویر نامناسبی در اینترنت دیـدم، یا کسـی مطلب نامناسبی برای من ارسال کرد، با والدین یا معلم خود، صحبت خواهم کرد.

ج) به هیچ پیغام یا بولتن خبری که نامناسب، خشن، زشت و ناپسند باشند، پاسخ نخواهم داد.

د) من از کلمات نامناسب استفاده نکرده،در بحث ها و دعواها ی اینترنتی شرکت نخواهم کرد.

ه) هیچ پیشنهاد ی برای قبول پول یا هدیه راحتی به صورت اجناس رایگان، نخواهم پذیرفت.

ص: ۲۲۲

۱- راهنمای جامع کامپیوتر، کنترل والدین، ص ۴۰.

و) وارد اتاق های گفت وگو(چت) و وب سایت هایی که توافق نموده ایم نامناسب است، نمی شوم.

ز) هیچ ملاقات رودرو را با کسانی که در اینترنت با آن ها آشنا شده ام، بدون اجازه یا همراهی والدینم، ترتیب نخواهم داد.(۱)

وظایف پیشگیرانه والدین نسبت به جامعه

ریشه های اولیه برخی از انحرافات و جرائم جنسی را باید در عدم رعایت قوانین و مقررات فقهی و حقوقی طراحی شده از سوی شرع مقدس اسلام، در روابط اجتماعی زنان و مردان دانست. با نگاهی به ضوابط و توصیه های موجود در اندیشه و متون اسلامی می توان یافت که اسلام با آینده نگری هوشمندانه ای از طریق الزام پیروان خویش به دستورهای سعادت بخش خانوادگی و اجتماعی، تمامی پرتگاه های منجر به سقوط در سراشیبیی انحرافات و جرائم جنسی را در نظام خانوادگی و اجتماعی ترسیم کرده و حضور در آنجا ها را مسدود کرده است؛ از این رو می توان ادعا کرد که پناه بردن به قوانین دینی رمز نجات از آسیب ها و چالش های جنسی جامعه خواهد بود.

از این رو براساس تعالیم قرآن مجید و احادیث ائمه معصوم(علیهم السّلام) ، تعدادی از این توصیه های پیشگیرانه را که موجب سلامت روانی و حفظ حریم های خانوادگی جامعه می گردد، مرور می کنیم.

۱. رعایت حجاب شرعی زنان در برابر مردان نامحرم که طبق نظر بسیاری از فقها، عبارت است از پوشش تمام بدن به جز صورت و دست ها تا مچ؛ البته این حداقل پوشش واجب است و رعایت پوشش کامل به عنوان امری راجح و در شرایط خاص، به عنوان واجب نیز مطرح می باشد. البته در

۱- همان، ص ۳۹.

برخی مواقع لازم است که زنان در مقابل تعدادی از بستگان محرم نیز مراعات پوشش را بنمایند.

همچنین لازم به ذکراست که رعایت وقار و حیا در پوشش و انتخاب لباس برمردان وهم بر زنان ضروری است.

۲. زنان باید زیور آلات (دست بند، النگو، گردن بند، انگشتر و...) خود را در برابر نامحرمان مخفی نمایند. (۱)

۳. آرایش زن برای مردان نـامحرم ممنوع می باشـد. اگرچه ممکن است برخی زنـان آرایش را نوعی تنوع و تفریـح به حسـاب آورند، اما از دیدگاه مردان، نشانه بی مبالاتی دینی و وجود کمبودهای عاطفی و خود نمایی برای ربودن قلب دیگران است.

۴. زنان بایـد به هنگام راه رفتن حجب و حیا را رعایت کنند.(۲) راه رفتن در معابر عمومی و یا شـرکت در مجالس و میهمانی هـا چنانچه همراه با حرکات زایـد و ورفتارهای تحریک کننـده جنسـی باشـد، از دیـدگاه برخی مردان به منزله مجوز ارتباط و حضور در حریم خصوصی وی تلقی شده، چه بسا نتایج مخربی برای آن زن داشته باشد.

۵. زنـان درهنگام سـخن گفتن با نامحرمان، متانت خود را حفظ کرده، از سـخنان وسوسه انگیز خودداری کننـد.(فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذى فى قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً)؛(۳) به گونه ای هوس انگیز (با مردان نامحرم) سخن نگویید تا بیمار دلی در شما طمع نکند و به گونه ای شایسته و معمولی سخن بگویید.

گاه جنایت های بزرگ از یک سـخن وسوسه انگیز و لبخنـدی معنا دار و ارتباط نابه جا ایجاد شـده است. پرونده های فراوانی در دادگاه ها و محاکم

۱- نور/ آیه ۳۱.

۲- قصص/ آیه ۲۵.

۳- احزاب/ آیه ۳۲.

قضـایی وجود دارد که عشوه گری یـا طنّازی یک زن، عامل ارتباط نامشـروع گشـته و سـرانجام منجر به یک ماجرای جنایی و قتل شده است.

۶. ورود زنان به برخی مشاغل یا موقعیت های اجتماعی که مستلزم ارتباط زیاد با نامحرم است، ممنوع یا مکروه است.(۱)

۷. خروج زن از خانه مشروط به اجازه از شوهر است.(۲)

۸. زنـان سـخن گفتن بـا نامحرمان را کوتاه کرده، در موارد لزوم، به انـدازه ضـرورت اکتفا کننـد.(۳) صـحبت و گفت وگوی الکترونیکی از طریق اینترنت(چت) با نامحرمان و رد و بـدل کردن واژه ها و کلمات تحریک آمیز بسـیار فریب کارانه و گمراه گننـده است. چه بسـا دوستی هـا و علاـقه هـای دروغینی که از طریق گفت وگوهـای اینترنتی (چت) ایجادشـده و پس از قول وقرار های بیرونی و حضوری، مقدمات آسیب ها پی ریزی می شود. از این رو والدین محترم هرنوع ارتباط و دوستی این گونه را باید زیر نظر داشته و هدایت کنند.

۹. خلوت گزینی با نامحرمان ممنوع است(۴)؛

در بسـیاری از مواقع، پس از حضور دو فرد نامحرم در یک خانه یا مکان خلوت دیگر با هر بهانه و انگیزه ای، چه بسا نفر سوم در بین آن دو شـیطان باشـد که در این صورت وجود هر اتفاق ناگواری بعید نیست. بهترین راه در چنین وضـعیتی ترک کردن آن جلسه و مکان دو نفری و خلوت خواهد بود.

۱۰. ورود مرد نامحرم به خانه زن بدون اجازه سرپرست خانواده ممنوع است.(۵)

ص: ۲۲۵

۱- وسائل الشیعه؛ ج ۱۴.، ص ۱۶۲.
۲- همان، ص ۱۱۲ و ۱۲۵.
۳- همان، ص ۱۴۳.
۴- همان، ص ۱۳۳،ج ۱۳، ص ۲۸۰.
۵- همان، ج ۱۴، ص ۱۵۷.

توجه به توصیه امام علی (علیه السّلام) در باره صفات سه گانه زنان علت برخی از این محدویت ها را به خوبی روشن می کند:

« بهترین صفات زنان، بدترین صفات مردان است. تکبر، ترس، بخیل بودن؛ زیرا هرگاه زن دارای تکبر باشد، در مقابل دیگران سرتسلیم فرود نمی آورد. و هرگاه بخیل باشد، از اموال خود و همسرش به خوبی محافظت می کند و هرگاه ترسو باشد، خود را از تمام آسیب های احتمالی ر هایی می بخشد.»(۱)

عدم فرق نهادن بین شجاعت و حماقت و بین تواضع و تکبرو بین خوش رفتاری و سبک سری از سوی برخی دختران و زنان موجب شده تا عده ای از آنان ناخواسته در گرداب بحران های بی آبرویی و بی عفتی واقع شوند و از این رهگذر، هزینه های سنگین اجتماعی و خانوادگی پرداخت کنند.

۱۱. نگاه شهوت آلود و با قصد لذت جنسی به نامحرم ممنوع و گناه است(۲)؛ زیرا نگاه به منزله تیری از تیرهای سهمگین شیطان است که برجان و دل نگاه کننده نشسته و او را به وادی سقوط اخلاقی می کشاند. بدیهی است تماشای عکس ها و فیلم های مستهجن زنان و دختران در شبکه های ماهواره ای و سایت های اینترنتی، شراره های آتش و هیجان همگان به ویژه جوان و نوجوان، را افزوده و موجب انحرافات متعدد می گردد.

۱۲. نگاه کردن به نامحرم حتی با داشتن حجاب مکروه است. (۳)

۱۳. هنگام رویارویی با مرد یا زن نامحرم چشمان خود را فرو افکنیم.(۴) زیرا درخواست های قلبی ناروا به دنبال نگاه های ناروا ایجاد می شود. به قول شاعر:

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش۲۳۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸-۱۴۱.

۳- همان، ص ۱۴۵.

۴- نور/ آیه ۳۰ و ۳۱.

زدست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد.

۱۴. سلام کردن مردان بر زنان نامحرم به ویژه زنان جوان و دعوت مرد از زن نامحرم برای هم غذا شدن مکروه است. (۱)

این گونه توصیه ها نشان می دهد که اسلام علاوه برنفی ارتباطات فیزیکی، دیدار ی و گفتاری با نامحرمان، ارتباط و تعامل عاطفی بین زنان و مردان نامحرم را ناپسند می شمارد و خواهان محدود شدن ارضای نیازهای عاطفی زن و مرد در کانون خانواده است.

۱۵. اختلاط زنان و مردان در اماکن عمومی مکروه است.(۲)

۱۶. هر گونه تماس فیزیکی با نامحرم (حتی پسر بچه ها و دختر بچه ها)؛ همچون دست دادن، در آغوش کشیدن و بوسیدن نهی شده است.(۳)

۱۷. مردان می بایست جهت حفظ حریم عفاف غیرت ورزی مناسب داشته باشند.

علامه طباطبایی(رحمه الله) با توجه به برخی از روایات در این زمینه می فرمایند:

«غیرت یکی از اخلاق حمیده و ملکات فاضله است و آن عبارت است از:

دگرگونی حالت انسان از حالت عادی و اعتدال، به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش اعم از دین، ناموس و یا جاه و امثال آن تجاوز کرده، از جای خود حرکت می دهد. غیرت، یکی از امور فطری است و اسلام هم دینی است که براساس فطرت تشریع شد...و آن مقداری که در حیات بشر لازم و ضروری است، معتبر و واجب می سازد.(۴) البته غیرت ورزی و تعصب نا به جا به شدت نکوهش شده است.(۵)

۱- وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۱۷۳و۱۷۴.

۲- همان، ص ۱۷۴.

۳- همان، ص ۱۷۰.

۴- علامه طباطبایی، المیزان، ج۴، ص ۴۳۲.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص۱۷۵

سکوت و بیتفاوتی در مقابل زیر پا نهادن ارزش های دینی و انسانی با فرهنگ اسلامی سازگار نیست؛ چون در تعالیم دین و متون روایی بر حفظ موازین شرع، بسیار تأکید شده است. در حقیقت روحیهی دینی با غیرت پیوند خورده و بیغیرتی، مساوی با ضعف اعتقادات دینی یا بی دینی است. از پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله)روایت شده است که فرمودند:

«سوگند به ذات پاک خداوند که چند نفر وارد بهشت نمی شوند، از جمله دیوّث (کسی که در ناموس داری و عفت بی تفاوت باشد) و بی غیرت».(۱)

۱- بحارالانوار، ج۷۹، ص ۱۱۶.

فهرست منابع

اشاره

۱. قرآن مجید

الف) کتاب ها

۱. آذربایجانی، مسعود و...؛ در آمدی بر روانشناسی دین، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۷.

۲. ورام بن ابی فراس ابوالحسین، مجموعه ورام، ترجمه محمدرضا عطایی، پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۴.

۳.بستان(نجفی)، حسین و همکاران، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.

۴.دشتی، محمد؛ امام علی (علیه السّلام)و مباحث تربیتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی

امیرالمؤمنین، ۱۳۷۹.

۵.دشتی، محمد؛ امام علی و مسائل قضائی، سازمان تبلیغات نیروی مقاومت بسیج، تهران، ۱۳۸۰.

۶.لطف آبادی، حسین؛ روان شناسی رشد (مفاهیم بنیادی و روان شناسی نوجوان و جوان)، سمت، تهران، ۱۳۸۰.

۷.شعله آتشین جامعه ما، اعتیاد، تهران، گوهر منظوم، ۱۳۸۰.

۸.قربان حسینی، علی اصغر؛ جرم شناسی و جرم یابی سرقت، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.

۹.معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم،

قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم (مجموعه مقالات)، مرکز مطبوعات و انتشارات.

۱۰.حسینی، رضا؛ اولین مقالات همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران،

ص: ۲۳۰

نشر آگاه، تهران، ۱۳۸۳، ش ۹۵.

۱۱.جان هاولز وجان واتسون، راهنمای جامع کامپیوتر: کنترل والدین، مترجم: بیژن معصوم، نشر سنبله، ۱۳۸۶.

۱۲.فرجاد، محمد حسین؛ آسیب شناسی کجروی های اجتماعی، تهران: مرکز مطبوعات وانتشارات قوه قضاییه، بهار ۱۳۸۳.

۱۳.فرجاد، محمد حسین؛ روانشناس جنائی تهران، نشر همراه، چاپ دوم.

۱۴.فرجاد، محمد حسین؛ روانشناسی و جامعه شناسی جنایی، تهران، نشر همراه، چاپ دوم.

۱۵.فرجاد، محمد حسین؛ آسیب شناسی خانواده و طلاق، انتشارات منصوری، تهران، ۱۳۷۲.

۱۶.فرجاد، محمد حسین، بررسی مسائل اجتماعی ایران، اساطیر،۱۳۷۷.

۱۷جرم شناسی و جرم یابی سرقت، جهاد دانشگاهی، تهران.

۱۸.فلسفی، محمدتقی؛ کودک از نظر وراثت و تربیت، جلد ۱ و ۲، هیئت نشر و معارف اسلامی،۱۳۸۲.

۱۹.فرهادیان، رضا؛ والدین و مربیان مسئول، مؤسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.

۲۰.سالاری فر، محمد رضا؛ خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

۲۱.طالبان، محمدرضا؛ دینداری و بزهکاری، تهران، فجر اسلام، ۱۳۸۰.

۲۲.شفیعی، ابراهیم سروستانی؛ نظام اسلامی و مسئلهٔ روسپی گری، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، قم، ۱۳۸۵

۲۳.کریم خانی حمزه؛ سقازاده، سید محمد؛ هجوم خاموش، عطر یاس، ۱۳۸۵.

۲۴.سبزواری، محمد بن محمد، جامع الاخبار.

۲۵.ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی، (جامعه شناسی انحرافات)، آوای نور، تهران، ۱۳۸۱.

۲۶.کلینی، محمد یعقوب، اصول کافی، انتشارات اسلامیه،۱۳۸۱.

۲۷.کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج۵.

۲۸.نهج البلاغه، ترجمه علی دشتی، مؤسسه تحقیقاتی

امیرالمؤمنین،

قم،۱۳۸۲.

۲۹.غرر الحکم، ترجمه انصاری قمی، تهران ۱۳۶۰.

۳۰.قائمی، علی؛ آیین تربیت.

۳۱.پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه، دنیای دانش ۱۳۸۰.

۳۲.قمی شیخ عباس؛ سفینه البحار،انتشارات مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ج ۱.

۳۳محمد، باقر مجلسی؛ بحارالانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳، جلدهای: ۶-۹-۷۹- ۷۸- ۷۵- ۷۳- ۹۰.

۳۴.حرعاملی، وسائل الشیعه، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۹۸، جلد۲-۴-۵.

۳۵.روسپی گری، کودکان خیابانی و تکدی، مقالات اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، تهران ۱۳۸۱.

۳۶.طهماسبی، احمد؛ شیوه های رفتار با جوانان از منظر ولایت، انتشارات یاقوت، قم، ۱۳۸۰.

۳۷.برزگر، صادق؛ فرار دختران، نشر جهان، قم، ۱۳۸۲.

۳۸.مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، جلدهای: ۱۴- ۱۷

۳۹.حکیمی، محمد رضا؛ الحیاه، ترجمه احمد آرام انتشارات دلیل ما، قم ۱۳۸۳، ج۴ وج۶.

۴۰.شریف قرشی، باقر، نظام تربیتی اسلام، تهران، ۱۳۶۲

۴۱.شهید دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱،چاپ ششم.

۴۲.ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.

۴۳.کلمن، ورنان؛ اعتیاد چیست و معتاد کیست؟ ترجمه: علیرضا میرفخرایی، نشر واحدی، تهران، ۱۳۷۸.

۴۴.آیت الله صافی، لطف الله؛ بین العالمین.

۴۵قرائتی، محسن؛ گناه شناسی، انتشارات پیام آزادی،۱۳۶۹.

۴۶قائمی، علی، سازندگی و تربیت دختران، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۸۴.

۴۷.محمدی ری شهری، مهدی، میزان الحکمه، ج ۱.

۴۸.ری شهری، مهدی، مناظره در رابطه با مسائل ایدئولوژی.

.فیض کاشانی؛ المحجه البیضاء، ج ۵.

۵۰.امام خمینی، شرح چهل حدیث.

۵۱.مطهری، مرتضی؛ عدل الهی، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶.

۵۲.مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، انتشارات صدرا ۱۳۵۳.

۵۳.مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳.

۵۴.مدنی، سعید، خانواده و اعتیاد (مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران) نشر آگاه، تهران، ۱۳۸۱.

۵۵.کنز العمال، ج۳.

۵۶.محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸، ج۹ ج ۲.

۵۷.متقی، غلام رضا؛ شیوه جذب جوانان و نوجوانان از دیدگاه قرآن و حدیث، انتشارات یاقوت، ۱۳۸۳.

۵۸.علامه طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی،

انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۶. جلد۴- ۱۵- ۲۵-.

ب) نشریات

۵۹. معرفت (مجله علمی و تخصصی در زمینه علوم انسانی)، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره: ۱۱- ۱۴-۹۱ – ۱۱۶.

۶۰.کتاب زنان، فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی

زنان، شماره: ۱۵- ۱۷- ۲۲- ۲۶.

۶۱.ماهنامه دیدار آشنا، شماره ۶۴.

۶۲سازمان ملی جوانان اهل قلم، تهران ۱۳۸۱.

۶۳.ماهنامه پیام زن، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۱۵۶، اسفند ۱۳۸۳.

ج) پایگاه ها و سایت های اینترنتی

۶۴.خبرگزاری جمهوری اسلامی

۶۵. r www.salamt

۶۶. Rionline www.hamsh

۶۷. IrAnseDA netwKo k

ص: ۲۳۳

۶۸. www. andisfeqom. Com

۶۹. WWW. News.police.ir (پایگاه خبری پلیس ایران(

۷۰. Aftab.Ir

۷۱. www.emammahdi.com

۷۲. www.hawzah.net) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی)

۵۷۳. www.tebyan.net

۷۴. www.fpm.ir (مجله فرهنگ و پژوهش)

۷۵. www.rie.ir (پژوهشگاه مطالعات آموزش

و پرورش)

۷۶. www.torum.niksalehi.com

۷۷. www.iranspdp.net

۷۸. www. Parsine.com

۷۹. www.kh-setadehya.ir

مجموعه کتب عدالت و سلامت

۱. راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیر المؤمنین(علیه السّلام) .... منتشر شده

۲. مبانی حقوقی پیشگیری از جرم .... منتشر شده

۳. مأخذشناسی پیشگیری از جرم ....منتشر شده

۴. مجموعه قوانین پیشگیری از وقوع جرم .. منتشر شده

۵. نقش عدالت در پیشگیری از جرم ..... منتشر شده

۶. جرائم و گناهان ریشه ای.... منتشر شده

۷. نقش حکومت در پیشگیری از جرم ... منتشر شده

۸. وظایف دولت در پیشگیری از جرم ...... منتشر شده

۹. نقش خانواده در پیشگیری از جرم .... منتشر شده

۱۰. پیشگیری از جرم(درسنامه تدبیرهای اسلامی)..... منتشر می شود

برای تهیه آثار فوق با ما به نشانی: قم، میدان معلم، بلوار سمیه، ۱۶ متری عباس آباد جنب مدرسه شهیدین، انتشارات نورالسجاد تماس بگیرید.تلفن : ۷۸۳۵۵۵۴- ۲۵۱ و ۰۹۱۲۲۵۱۱۹۵۳۸

ص: ۲۳۵

مجموعه کتب فقه زندگی

۱. احکام مسجد ....منتشر شده است

۲. احکام تاکسیرانی ... منتشر شده است

۳. احکام معاملات ملکی .... منتشر شده است

۴. احکام پرستاری .... منتشر شده است

۵. احکام اعتکاف ....منتشر شده است

۶. احکام کشتیرانی ..... منتشر شده است

۷. احکام تالارهای پذیرایی ..... منتشر شده است

۸. احکام ورزش بانوان ..... منتشر شده است

۹. احکام مدیریت و کارمندی.. .... منتشر شده است

۱۰. احکام انتخابات ....منتشر شده است

۱۱. احکام قنادیها .... منتشر شده است

۱۲. احکام سینما .... منتشر شده است

۱۳. احکام عکاسی ... منتشر شده است

۱۴. احکام آرایشگری..... منتشر شده است

۱۵. احکام هتل داری...... منتشر شده است

۱۶.احکام مسکن......... منتشر شده است

۱۷. احکام جشن و شادمانی.... منتشر شده است

۱۸. احکام و آداب پوشش و حجاب ...... منتشر شده است

۱۹. احکام و آداب تعلیم و تربیت .... منتشر می شود

۲۰. احکام مخابرات و گوشی های تلفن . منتشر می شود

۲۱. احکام نانوایی .منتشر می شود

ص: ۲۳۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹